

شماره ۲۰۱۴ - ق

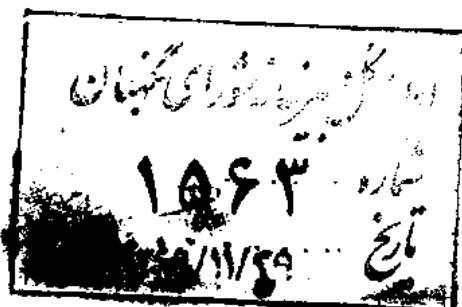
تاریخ ۲۹ / ۱۱ / ۶۹

پیوست



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
اداره کل قوانین

بجای



شورای محترم نگهبان

لایحه شماره ۹۷۷۸/ل ۱۲ مورخ ۱۳۶۶/۳/۲۳ دولت در خصوص مجازات اسلامی که بنابه تصمیم مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۶۶/۹/۲۱ تصویب آن طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی به کمیسیون امور قضائی و حقوقی تفویض شده بود تاپس از تصویب و پیشنهاد مدت اجرای آزمایشی تقدیم مجلس شورای اسلامی گردد ، در جلسه روز یکشنبه مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۲ با اصلاحاتی بتصویب کمیسیون مذکور رسید و در جلسه علنی روز سهشنبه مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۱۸ با پنج سال مدت اجرای آزمایشی موافقت گردید که در اجرای اصل نود و چهارم قانون اساسی جهت بررسی و اظهار نظر آن شورای محترم به پیوست ارسال می گردد . / ن

رئیس مجلس شورای اسلامی

مهدی کروبی



بسمه تعالی

لایحه مجازات اسلامی

کتاب اول - کلیات

=====

باب اول - مواد عمومی

ماده ۱- قانون مجازات اسلامی راجع است به تعیین انواع جرائم و مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی که درباره مجرم اعمال می شود .

ماده ۲- هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می شود .

ماده ۳- قوانین جزائی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریائی و هوائی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می گردد مگر آنکه بموجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد .

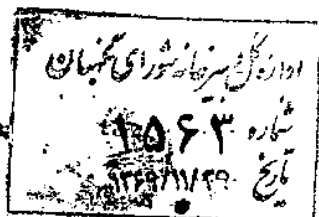
ماده ۴- هرگاه قسمتی از جرم در ایران واقع و نتیجه آن در خارج از قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود و یا قسمتی از جرم در خارج و نتیجه آن در ایران حاصل شود و یا قسمتی از جرم در ایران و نتیجه آن در ایران حاصل شود آن جرم واقع شده در ایران محسوب است .

ماده ۵- هر ایرانی یا بیگانه ای که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم ذیل شود و در ایران یافت شود و یا به ایران مسترد گردد طبق قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران مجازات می شود .

۱- اقدام علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران و امنیت داخلی و خارجی و تمامیت ارضی یا استقلال کشور جمهوری اسلامی ایران .

۲- جعل فرمان یا دستخط یا مهر یا امضاء مقام رهبری و یا استفاده از آن .

۳- جعل نوشته رسمی رئیس جمهور یا رئیس مجلس شورای اسلامی و یا شورای نگهبان و یا رئیس مجلس خبرگان یا رئیس قوه قضائیه یا معاونان رئیس جمهور یا رئیس دیوانعالی کشور یا دادستان کل کشور یا هر یک از وزیران یا استفاده از آنها .





جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تفهیمی

- ۲ -

بسم الله تعالی

شماره ۳۰۱۴ - ۶

تاریخ ۲۹ / ۱۱ / ۳۹

پیوست

۴- جعل اسکناس رایج ایران یا اسناد بانکی ایران مانند براتهای قبول شده از طرف بانکها یا چکهای صادر شده از طرف بانکها و یا اسناد تعهدآور بانکها و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق قرضه صادره و یا تضمین شده از طرف دولت یا شبیه سازی و هرگونه تقلب در مورد مسکوکات رایج داخله .

ماده ۶ - هر جرمی که اتباع بیگانه که در خدمت دولت جمهوری اسلامی ایران هستند و یا مستخدمان دولت به مناسبت شغل و وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب می شوند و همچنین هر جرمی که ماموران سیاسی و کنسولی و فرهنگی دولت ایران که از مصونیت سیاسی استفاده میکنند مرتکب گردند ، طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران مجازات می شوند .

ماده ۷ - علاوه بر موارد مذکور در مواد ۵ و ۶ هر ایرانی که در خارج ایران مرتکب جرمی شود و در ایران یافت شود طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران مجازات خواهد شد .

ماده ۸ - در مورد جرائمی که بموجب قانون خاص یا عهود بین المللی مرتکب در هر کشوری که بدست آید محاکمه می شود اگر در ایران دستگیر شد طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات خواهد شد .

ماده ۹ - مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است اگر موجود باشد عینا و اگر موجود نباشد ، مثل یا قیمت آن را به صاحبش رد کند و از عهده خسارات وارده نیز برآید .

ماده ۱۰ - بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع تعقیب یا موقوف شدن تعقیب باید تکلیف اشیاء و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است تعیین کند تا مسترد یا ضبط یا معدوم شود در مورد ضبط دادگاه تکلیف اموال و اشیاء را تعیین خواهد کرد هم چنین بازپرس و یا دادستان مکلف است مادام که پرونده نزد او جریان دارد به تقاضای ذینفع یا رعایت شرایط زیر دستور رد اموال و اشیاء مذکور در فوق را صادر نماید .

۱- وجود تمام یا قسمتی از آن اشیاء و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد .

۲- اشیاء و اموال بلا معارض باشد .

۳- در شمار اشیاء و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم گردد .

در کلیه امور جزائی دادگاه نیز باید ضمن صدور حکم یا قرار یا پس از آن ، اعم از اینکه مبنی بر محکومیت یا برائت یا موقوف شدن تعقیب متهم باشد ، نسبت به اشیاء و



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشنویسی

- ۳ -

بسم الله تعالی

شماره ۲۰۱۴-۹

تاریخ ۲۹/۱۱/۵۹

پیوست

اموالی که وسیله جرم بوده یا در اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده حکم مخصوص صادر و تعیین نماید که آنها باید مسترد یا ضبط یا معدوم شود .

تبصره ۱- متضرر از قرار باز پرس یا دادستان یا قرار یا حکم دادگاه میتواند از تصمیم آنان راجع به اشیاء و اموال مذکور در این ماده شکایت خود را طبق مقررات در دادگاههای جزائی تعقیب و درخواست تجدیدنظر نماید . هر چند قرار یا حکم دادگاه نسبت به امر جزائی قابل شکایت نباشد .

تبصره ۲- مالی که نگهداری آن مستلزم هزینه نامتناسب برای دولت بوده یا موجب خرابی یا کسوف ارزش قیمت آن گردد و حفظ مال هم برای دادرسی لازم نباشد و همچنین اموال ضایع شدنی و سریع الفساد حسب مورد بدستور دادستان یا دادگاه به قیمت روز فروخته شده و وجه حاصل تا تعیین تکلیف نهائی در صندوق دادگستری به عنوان امانت نگهداری خواهد شد .

ماده ۱۱- در مقررات و نظامات دولتی . مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی باید بموجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده باشد و هیچ فعل یا ترک فعل را نمیتوان بعنوان جرم بموجب قانون متاخر مجازات نمود لیکن اگر بعد از وقوع جرم قانونی وضع شود که مبنی بر تخفیف یا عدم مجازات بوده و یا از جهات دیگر مساعدتر به حال مرتکب باشد نسبت بمجرایم سابق بوضع آن قانون تا صدور حکم قطعی موثر خواهد بود . در صورتیکه بموجب قانون سابق حکم قطعی لازم الاجرا صادر شده باشد به ترتیب زیر عمل خواهد شد .

۱- اگر عملی که در گذشته جرم بوده بموجب قانون لاحق جرم شناخته نشود در این صورت حکم قطعی اجراء نخواهد شد و اگر در جریان اجراء باشد موقوف الاجراء خواهد ماند و در این دو مورد و همچنین در موردی که حکم قبلاً اجراء شده باشد هیچگونه اثر کیفری بر آن مترتب نخواهد بود این مقررات در مورد قوانینی که برای مدت معین و موارد خاصی وضع گردیده است اعمال نمیکرد .

۲- اگر مجازات جرمی بموجب قانون لاحق تخفیف یابد محکوم علیه میتواند تقاضای تخفیف مجازات تعیین شده را بنماید و در این صورت دادگاه صادرکننده حکم و یا دادگاه جانشین بالحفاظ قانون لاحق مجازات قبلی را تخفیف خواهد داد .

۳- اگر مجازات جرمی بموجب قانون لاحق به اقدام تأمینی و تربیتی تبدیل گردد فقط همین اقدامات مورد حکم قرار خواهد گرفت .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و قند نویسی

- ۴ -

بسم تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

باب دوم - مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی

فصل اول - مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی

ماده ۱۲ - مجازاتهای مقرر در این قانون پنج قسم است .

- ۱- حدود ۲- قصاص ۳- دیات ۴- تعزیرات ۵- مجازاتهای بازدارنده
- ماده ۱۳- حد ، مجازاتی است که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است .
- ماده ۱۴- قصاص ، کیفری است که جانی به آن محکوم میشود و باید با جنایت او برابر باشد
- ماده ۱۵- دیه ، مالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است .
- ماده ۱۶- تعزیر ، تادیب و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و بنظر حاکم و گذار شده است از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کمتر باشد .

ماده ۱۷- مجازات بازدارنده ، تادیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت بمنظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین میگردد از قبیل حبس ، جزای نقدی ، تعطیل محل کسب ، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن .

ماده ۱۸- مدت کلیه حبس ها از روزی شروع می شود که محکوم علیه بموجب حکم قطعی قابل اجرا محبوس شده باشد .

تبصره - چنانچه محکوم علیه قبل از صدور حکم بعثت اتهام یا اتهامات تکیه در پرونده امر مطرح بود بازداشت شده باشد دادگاه پس از تعیین تعزیر ، از مقدار تعزیر تعیین شده یک یا مجازات بازدارنده بمیزان بازداشت قبلی وی کسر می کند .

ماده ۱۹- دادگاه میتواند کسی را که به علت ارتکاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم گرد ماست به عنوان متمیم حکم تعزیری یا بازدارنده مدتی از حقوق اجتماعی محروم و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع یا به اقامت در محل معین مجبور نماید .

ماده ۲۰- محرومیت از بعض یا همه حقوق اجتماعی و اقامت اجباری در نقطه معین یا ممنوعیت از اقامت در محل معین باید متناسب با جرم و خصوصیات مجرم در مدت معین باشد . در صورتیکه محکوم به تبعید یا اقامت اجباری در نقطه ای یا ممنوعیت از اقامت در نقطه معین در اثنای اجرای حکم ، محل را ترک کند و یا به نقطه ممنوعه بازگردد ، دادگاه میتواند با پیشنهاد دادسرای مجری حکم ، مجازات مذکور را تبدیل به جزای نقدی و یا زندان نماید .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشددویسی

- ۵ -

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۲۱- ترتیب اجرای احکام جزائی و کیفیت زندانها به نحوی است که قانون آئین دادرسی کیفری و سایر قوانین و مقررات تعیین مینماید .

فصل دوم - تخفیف مجازات

ماده ۲۲- دادگاه میتواند در صورت احراز جهات مخففه، مجازات تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسبتر بحال متهم باشد ، جهات مخففه عبارتند از :

- ۱- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی .
- ۲- اظهارات و راهنماییهای متهم که در شناختن شرکاء و معاونان جرم و یا کشف اشیائی که از جرم تحصیل شده است موثر باشد .
- ۳- اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تاثیر آنها مرتکب جرم شده است از قبیل : رفتار و گفتار تحریک آمیز مجنی علیه یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم .
- ۴- اعلام متهم قبل از تعقیب و یا اقرار او در مرحله تحقیق که موثر در کشف جرم باشد .

۵- وضع خاص متهم و یا سابقه او .

- ۶- اقدام یا کوشش متهم بمنظور تخفیف اثرات جرم و جبران زیان ناشی از آن .
- تبصره ۱- دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم صریحا قید کند .
- تبصره ۲- در مورد تعدد جرم نیز دادگاه میتواند جهات مخففه را رعایت کند .
- تبصره ۳- چنانچه نظیر جهات مخففه مذکور در این ماده در مواد خاصی پیشبینی شده باشد دادگاه نمیتواند بموجب همان جهات دوبار مجازات را تخفیف دهد .
- ماده ۲۳- در جرائمی که با گذشت متضرر از جرم تعقیب کیفری و رسیدگی یا اجرای مجازات موقوف میگردد گذشت باید منجز باشد گذشت معلق قابل ترتیب اثر نیست . عدول از گذشت نیز مسموع نخواهد بود .

هرگاه متضرر از جرم ، متعدد باشد تعقیب جزائی با شکایت هریک از آنان شروع میشود ولی موقوفی تعقیب ، رسیدگی و مجازات موکول به گذشت تمام کسانی که شکایت کرده اند است .

تبصره - حق گذشت به وراثت قانونی متضرر از جرم منتقل و در صورت گذشت همگی وراثت تعقیب ، رسیدگی و اجرای مجازات موقوف میگردد .

ماده ۲۴- عفو یا تخفیف مجازات محکومان ، در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه با مقام رهبری است .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تدابیر

شماره

تاریخ

پیوست

- ۶ -

بیتعالی

فصل سوم - تعلیق اجرای مجازات

- ماده ۲۵ - در کلیه محکومیت‌های تعزیری و بازدارنده حاکم می‌تواند اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را با رعایت شرایط زیر از دو تا پنج سال معلق نماید .
- الف - محکوم علیه سابقه محکومیت قطعی به مجازات‌های زیر نداشته باشد .
- ۱ - محکومیت قطعی به حد .
 - ۲ - محکومیت قطعی به قطع یا نقص عضو .
 - ۳ - محکومیت قطعی به مجازات حبس به بیش از یکسال در جرائم عمدی .
 - ۴ - محکومیت قطعی به جزای نقدی به مبلغ بیش از دو میلیون ریال .
 - ۵ - سابقه محکومیت قطعی دوبار یا بیشتر بعلت جرم‌های عمدی یا هر میزان مجازات .
- ب - دادگاه با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را مناسب نداند . تبصره - در محکومیت‌های غیر تعزیری و بازدارنده تعلیق جایز نیست مگر در مواردی که شرعا و قانونا تعیین شده باشد .
- ماده ۲۶ - در مواردیکه جزای نقدی یا دیگر تعزیرات همراه باشد جزای نقدی قابل تعلیق نیست .
- ماده ۲۷ - قرار تعلیق اجرای مجازات ضمن حکم محکومیت صادر خواهد شد و مجرمی که اجرای حکم مجازات حبس و اتمام معلق شده اگر بازداشت باشد بدستور دادگاه فوراً آزاد می‌گردد .
- ماده ۲۸ - دادگاه جهات و موجبات تعلیق و دستور هائی که باید محکوم علیه در مدت تعلیق از آن تبعیت نماید در حکم خود تصریح و مدت تعلیق را نیز بر حسب نوع جرم و حالات شخصی مجرم و با رعایت مدت مذکور در ماده ۲۵ تعیین می‌نماید .
- ماده ۲۹ - دادگاه با توجه به اوضاع و احوال محکوم علیه و محتویات پرونده می‌تواند اجرای دستور یا دستورهای ذیل را در مدت تعلیق از محکوم علیه بخواهد و محکوم علیه مکلف به اجرای دستور دادگاه می‌باشد .
- ۱ - مراجعه به بیمارستان یا درمانگاه برای درمان بیماری یا اعتیاد خود .
 - ۲ - خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین .
 - ۳ - اشتغال به تحصیل در یک موسسه فرهنگی .
 - ۴ - خودداری از تجاهر به ارتکاب محرمات و ترک واجبات یا معاشرت با اشخاصی که دادگاه معاشرت با آنها را برای محکوم علیه مضر تشخیص می‌دهد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشد نویسی

- ۷ -

بسمه تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

۵ - خودداری از رفت و آمد به محلهای معین .

۶ - معرفی خود در مدتهای معین به شخص یا مقامی که دادستان تعیین می کند .

تبصره - اگر مجرمی که مجازات او معلق شده است در مدت تعلیق بدون عذر موجه از دستور دادگاه موضوع این ماده تبعیت ننماید بر حسب درخواست دادستان پس از ثبوت مورد در دادگاه صادر کننده حکم تعلیق ، برای بار اول بمدت تعلیق مجازات او یکسال تا دو سال افزوده میشود و برای بار دوم حکم تعلیق لغو و مجازات معلق بموقع اجرا گذاشته خواهد شد .

ماده ۳۰ - اجرای احکام جزائی زیر قابل تعلیق نیست .

۱ - مجازات کسانی که به وارد کردن و یا ساختن و یا فروش مواد مخدر اقدام و یا به نحوی از انحاء با مرتکبین اعمال مذکور معاونت می نمایند .

۲ - مجازات کسانی که به جرم اختلاس یا ارتشاء یا کلاهبرداری یا جعل و یا استفاده از سند مجعول یا خیانت در امانت یا سرقتی که موجب حد نیست یا آدم ربایی محکوم می شود .

۳ - مجازات کسانی که به نحوی از انحاء با انجام اعمال مستوجب حد ، معاونت مینمایند .

ماده ۳۱ - تعلیق اجرای مجازاتی که با حقوق الناس همراه است تاثیری در حقوق الناس نخواهد داشت و حکم مجازات در این موارد یا پرداخت خسارت در وجه مدعی خصوصی اجراء خواهد شد .

ماده ۳۲ - هرگاه محکوم علیه از تاریخ صدور قرار تعلیق اجرای مجازات در مدتی که از طرف دادگاه مقرر شده مرتکب جرائم مستوجب محکومیت مذکور در ماده ۲۵ نشود محکومیت تعلیقی بی اثر محسوب و از سجل کیفری او محو می شود . برای کلیه محکومین به مجازات های معلق باید بلافاصله پس از قطعیت حکم از طرف دادسرای مربوط برگ سجل کیفری تنظیم و به مراجع صلاحیت دار ارسال شود و در هر مورد که در مدت تعلیق تغییری داده شود یا حکم تعلیق مجازات الغاء گردد باید مراتب فوراً برای ثبت در سجل کیفری محکوم علیه به مراجع صلاحیت دار مربوط اعلام شود .

تبصره - در مواردی که بموجب قوانین استخدای ، حکمی موجب انفصال است در صورت تعلیقی بودن حکم موجب انفصال نخواهد بود مگر آنکه در قوانین و یا حکم دادگاه صریحاً قید شده باشد .

ماده ۳۳ - اگر کسی که اجرای حکم مجازات او معلق شده در مدتی که از طرف دادگاه مقرر شد مرتکب جرم جدیدی که مستوجب محکومیت مذکور در ماده ۲۵ باشد شود به محض قطعی شدن دادگاهی که حکم تعلیق مجازات سابق را صادر کرده است یا دادگاه جانشین باید الغاء آنرا اعلام دارد تا حکم معلق نیز درباره محکوم علیه اجراء گردد .



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشنویسی

بسمه تعالی

ماده ۳۴ - هرگاه بعد از صدور قرار تعلیق معلوم شود که محکوم علیه دارای سابقه محکومیت به جرائم مستوجب محکومیت مذکور در ماده ۲۵ بوده و دادگاه بدون توجه به آن اجرای مجازات را معلق کرده است دادستان با استناد سابقه محکومیت از دادگاه تقاضای لغو تعلیق مجازات را خواهد نمود و دادگاه پس از احراز وجود سابقه قرار تعلیق را لغو خواهد کرد .

ماده ۳۵ - دادگاه هنگام صدور قرار تعلیق آثار عدم تبعیت از دستورهای دادگاه را صریحا قید و اعلام می کند که اگر در مدت تعلیق مرتکب یکی از جرائم مستوجب محکومیت مذکور در ماده ۲۵ شود علاوه بر مجازات جرم اخیر مجازات معلق نیز در باره او اجرا خواهد شد .

ماده ۳۶ - مقررات مربوط به تعلیق مجازات درباره کسانی که به جرائم عمدی متعدد محکوم میشوند قابل اجرا نیست و همچنین اگر درباره یک نفر احکام قطعی متعددی در مورد جرائم عمدی صادر شده باشد که در بین آنها محکومیت معلق نیز وجود داشته باشد دادستان مجری حکم موظف است فسخ قرار یا قرارهای تعلیق را از دادگاه صادر کننده بخواند دادگاه نسبت به فسخ قرار یا قرارهای مزبور اقدام خواهد نمود .

ماده ۳۷ - هرگاه محکوم به حبس که در حال تحمل کیفر است قبل از اتمام مدت حبس مبتلا به جنون شود با استعلام از پزشک قانونی و در صورت تأیید جنون ، محکوم علیه به بیمارستان روانی منتقل می شود و مدت اقامت او در بیمارستان جزء مدت محکومیت او محسوب خواهد شد . در صورت عدم دسترسی به بیمارستان روانی به تشخیص دادستان در محل مناسبی نگهداری می شود .

فصل چهارم - آزادی مشروط زندانیان

ماده ۳۸ - هرکس برای بار اول به علت ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم شده باشد در جرائمی که کیفر قانونی آنها بیش از سه سال حبس است و دو ثلث مجازات را گذرانده باشد و در جرائمی که کیفر قانونی آنها تا سه سال حبس است و نصف مجازات را گذرانده باشد دادگاه صادر کننده دادنامه محکومیت قطعی میتواند در صورت وجود شرایط زیر حکم به آزادی مشروط صادر نماید .

۱ - هرگاه در مدت اجرای مجازات مستمرا حسن اخلاق نشان داده باشد .

۲ - هرگاه از اوضاع و احوال محکوم پیش بینی شود که پس از آزادی دیگر مرتکب جرمی نخواهد شد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تندنویسی

بسمه تعالی

۳- هرگاه ناآنجا که استطاعت دارد ضرر و زیانی که در مورد حکم دادگاه یا مورد موافقت مدعی خصوصی واقع شده بپردازد یا قرار پرداخت آنرا بدهد و در مجازات حبس توام با جزای نقدی مبلغ مزبور را بپردازد یا با موافقت دادستان ترتیبی برای پرداخت داده شده باشد .

تبصره ۱- مراتب مذکور در بندهای ۱ و ۲ باید مورد تایید رئیس زندان محل گذران محکومیت و دادیار ناظر زندان یا دادستان محل قرار گیرد و مراتب مذکور در بند ۳ باید به تایید دادستان مأمور اجرای حکم برسد .

تبصره ۲- در صورت انحلال دادگاه صادرکننده حکم صدور حکم آزادی مشروط از اختیارات دادگاه جانشین است .

ماده ۳۹- صدور حکم آزادی مشروط منوط به پیشنهاد سازمان زندانها و تایید دادستان یا دادیار ناظر خواهد بود .

ماده ۴۰- مدت آزادی مشروط بنا به تشخیص دادگاه کمتر از یکسال و زیادتیر از پنجسال نخواهد بود .

باب سوم - جرائم

فصل اول - شروع به جرم

ماده ۴۱- هرکس قصد ارتکاب جرمی کند و شروع به اجرای آن نماید لکن جرم منظور واقع نشود چنانچه عملیات و اقدامات انجام گرفته جرم باشد محکوم به مجازات همان جرم می شود .

تبصره ۱- مجرد قصد ارتکاب جرم و عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقیم با وقوع جرم نداشته باشد شروع به جرم نبوده و از این حیث قابل مجازات نیست .

تبصره ۲- کسی که شروع به جرمی کرده است ، به میل خود آنرا ترک کند و اقدام انجام شده جرم باشد از موجبات تخفیف مجازات برخوردار خواهد شد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تفهیم

بسم تعالی

فصل دوم - شرکاء و معاونین جرم

ماده ۴۲ - هرکس عالما و عامدا با شخص یا اشخاص دیگر در یکی از جرائم قابل تعزیر یا مجازاتهای بازدارنده مشارکت نماید و جرم مستند به عمل همه آنها باشد خواه عمل هریک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه متفاوت ، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم خواهد بود . در مورد جرائم غیر عمدی (خطای) که ناشی از خطای دونفر یا بیشتر باشد مجازات هریک از آنان نیز مجازات فاعل مستقل خواهد بود .

تبصره - اگر تاثیر مداخله و مباشرت شریکی در حصول جرم ضعیف باشد دادگاه مجازات او را به تناسب تاثیر عمل او تخفیف میدهد .

ماده ۴۳ - در جرائم قابل تعزیر اشخاص زیر معاون جرم محسوب و با توجه به شرایط وامکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و تادیب از وعظ و تهدید و درجات تعزیر ، تعزیر می شوند .

۱- هرکس دیگری را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع به ارتکاب جرم نماید و یا بوسیله دسیسه و فریب و نیرونگ موجب وقوع جرم شود .

۲ - هرکس با علم و عمد وسایل ارتکاب جرم را تهیه کند و یا طریق ارتکاب آنرا با علم به قصد مرتکب ارائه دهد .

۳ - هرکس عالما ، عامدا وقوع جرم را تسهیل کند .

تبصره - برای تحقق معاونت در جرم وجود وحدت قصد و تقدم و یا اقتران زمانی بین عمل معاون و مباشر جرم شرط است .

ماده ۴۴ - در صورتیکه فاعل جرم به جهتی از جهات قانونی قابل تعقیب و مجازات نباشد و یا تعقیب و یا اجرای حکم مجازات او به جهتی از جهات قانونی موقوف گردد ، تاثیر در حق معاون جرم نخواهد داشت .

ماده ۴۵ - سردستگی دو یا چند نفر در ارتکاب جرم اعم از اینکه عمل آنان شرکت در جرم یا معاونت در جرم باشد از علل مشدده مجازات است .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشد نویسی

- ۱۱ -

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

فصل سوم - تعدد جرم

ماده ۴۶ - در جرائم قابل تعزیر هرگاه فعل واحد دارای عناوین متعدده جرم باشد مجازات جرمی داده می شود که مجازات آن اشد است .

ماده ۴۷ - در مورد تعدد جرم هرگاه جرائم ارتكابی مختلف باشد باید برای هر یک از جرائم مجازات جداگانه تعیین شود و اگر مختلف نباشد فقط یک مجازات تعیین میگردد و در این قسمت تعدد جرم میتواند از علل مشدده کیفر باشد و اگر مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد مرتکب بمجازات مقرر در قانون محکوم میگردد . تبصره - حکم تعدد جرم در حدود و قصاص و دیات همان است که در ابواب مربوطه ذکر شده است .

فصل چهارم - تکرار جرم

ماده ۴۸ - هر کس بموجب حکم دادگاه بمجازات تعزیری و یا بازدارنده محکوم شود ، چنانچه بعد از اجرای حکم مجددا مرتکب جرم قابل تعزیر گردد دادگاه میتواند در صورت لزوم مجازات تعزیری یا بازدارنده را تشدید نماید .

تبصره - هرگاه حین صدور حکم محکومیت های سابق مجرم معلوم نباشد و بعد معلوم شود دادستان مراتب را به دادگاه صادر کننده حکم اعلام می کند در این صورت اگر دادگاه محکومیت های سابق را محرز دانست می تواند طبق مقررات این ماده اقدام نماید .

باب چهارم - حدود مسوولیت جزائی

ماده ۴۹ - اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسوولیت کیفری هستند و تربیت آنان بانظر دادگاه بعهدہ سرپرست اطفال و عندالاقضاء کانون اصلاح و تربیت اطفال می باشد .

تبصره ۱ - منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد .

تبصره ۲ - هرگاه برای تربیت اطفال بزهکار تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند تنبیه بایستی به میزان و مصلحت و به کیفیتی باشد که دیمه آن تعلق نگیرد .

ماده ۵۰ - چنانچه غیر بالغ مرتکب قتل و جرح و ضرب شود عاقله ضامن است لکن در مورد اتلاف مال اشخاص خود طفل ضامن است و اداء آن از مال طفل به عهده ولی طفل می باشد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تنه نویسی

بسم الله

شماره

تاریخ

پیوست

- ماده ۵۱ - جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه که باشد رافع مسوولیت کیفری است .
- تبصره ۱ - در صورتیکه تادیب مرتکب موثر باشد به حکم دادگاه تادیب میشود .
- تبصره ۲ - در جنون ادواری شرط رفع مسوولیت کیفری جنون در حین ارتکاب جرم است .
- ماده ۵۲ - هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب مجنون بوده و یا پس از حدوث جرم مبتلا به جنون شود چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص ثابت باشد به دستور دادستان تارفع حالت مذکور در محل مناسبی نگهداری خواهد شد و آزادی او به دستور دادستان امکان پذیر است . شخص نگهداری شده و یا کسانش میتوانند به دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل جرم را دارد مراجعه و باین دستور اعتراض کنند ، در این صورت دادگاه در جلسه اداری با حضور معترض و دادستان و یا نماینده او موضوع را با جلب نظر متخصص خارج از نوبت رسیدگی کرده و حکم مقتضی در مورد آزادی شخص نگهداری شده یا تائید دستور دادستان صادر می کند . این رای قطعی است ولی شخص نگهداری شده یا کسانش هرگاه علائم بهبودی را مشاهده کردند حق اعتراض به دستور دادستان را دارند .
- ماده ۵۳ - اگر کسی براه شرب خمر ، مسلوب الاراده شده لکن ثابت شود که شرب خمر به منظور ارتکاب جرم بوده است مجرم علاوه بر مجازات استعمال شرب خمر به مجازات جرمی که مرتکب شده است نیز محکوم خواهد شد .
- ماده ۵۴ - در جرائم موضوع مجازاتهای تعزیری یا بازدارنده هرگاه کسی برائر اجبار یا اکراه که عادتاً قابل تحمل نباشد مرتکب جرمی گردد مجازات نخواهد شد . در این مورد اجبارکننده به مجازات فاعل جرم با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب از وعظ و توبیخ و تهدید و درجات تعزیر محکوم میگردد .
- ماده ۵۵ - هرکس هنگام بروز خطر شدید از قبیل آتش سوزی ، سیل و طوفان بمنظور حفظ جان یا مال خود یا دیگری مرتکب جرمی شود مجازات نخواهد شد مشروط بر اینکه خطر را عمداً ایجاد نکرده و عمل ارتكابی نیز با خطر موجود متناسب بوده و برای رفع آن ضرورت داشته باشد .
- تبصره - دیه و ضمان مالی از حکم این ماده مستثنی است .
- ماده ۵۶ - اعمالی که برای آنها مجازات مقرر شده است در موارد زیر جرم محسوب نمی شود .
- ۱ - در صورتی که ارتکاب عمل به امر آمر قانونی بوده و خلاف شرع هم نباشد .
 - ۲ - در صورتیکه ارتکاب عمل برای اجرای قانون اهم لازم باشد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تفویضی

- ۱۳ -

بسمه تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۵۷ - هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می شوند ولی مأموری که امر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است اجراء کرده باشد ، فقط به پرداخت دیه یا ضمان مالی محکوم خواهد شد .

ماده ۵۸ - هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت بوسیله دولت جبران می شود ، و چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد باید نسبت به اعاده حیثیت اقدام شود .

ماده ۵۹ - اعمال زیر جرم محسوب نمی شود .

۱ - اقدامات والدین و اولیاء قانونی و سرپرستان صغار و محجورین که به منظور تادیب یا حفاظت آنها انجام شود مشروط به اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف ، تادیب و محافظت باشد .

۲ - هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی آنها و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام شود در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نخواهد بود .

۳ - حوادث ناشی از عملیات ورزشی مشروط بر اینکه سبب آن حوادث نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم با موازین شرعی مخالفت نداشته باشد .

ماده ۶۰ - چنانچه طبیب قبل از شروع درمان یا اعمال جراحی از مریض یا ولسی او براءت حاصل نموده باشد ضامن خسارت جانی ، یا مالی یا نقص عضو نیست و در موارد فوری که اخذ اجازه گرفتن ممکن نباشد طبیب ضامن نمی باشد .

ماده ۶۱ - هرکس در مقام دفاع از نفس یا عرض یا ناموس و یا مال خود یا دیگری و یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز فعلی و یا خطر قریب الوقوع عملی انجام دهد که جرم باشد در صورت اجتماع شرایط زیر قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود .

۱ - دفاع با تجاوز و خطر متناسب باشد .

۲ - عمل ارتكابی بیش از حد لازم نباشد .

۳ - توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد و یا مداخله قوای مذکور در رفع تجاوز و خطر موثر واقع نشود .

تبصره - وقتی دفاع از نفس و یا ناموس و یا مال و یا آزادی تن دیگری جایز است که او ناتوان از دفاع بوده و نیاز به کمک داشته باشد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تفهیمی

- ۱۴ -

بسمه تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۶۲ - مقاومت در برابر قوای تامینی و انتظامی در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی شود ولی هرگاه قوای مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا ناموس گردد، در این صورت دفاع جایز است.

کتاب دوم - حدود

=====

باب اول - حد زنا

فصل اول - تعریف و موجبات حد زنا

ماده ۶۳ - زنا عبارت است از جماع مرد با زنی که بر او ذاتا حرام است گرچه در دبر باشد، در غیر موارد وطی به شبهه.

ماده ۶۴ - زنا در صورتی موجب حد می شود که زانی یا زانیه بالغ و عاقل و مختار بوده و بحکم و موضوع آن نیز آگاه باشد.

ماده ۶۵ - هرگاه زن یا مردی حرام بودن جماع با دیگری را بداند و طرف مقابل از این امر آگاه نباشد و گمان کند ارتکاب این عمل برای او جائز است فقط طرفی که آگاه بوده است محکوم به حد زنا می شود.

ماده ۶۶ - هرگاه مرد یا زنی که با هم جماع نمودند ادعای اشتباه و ناآگاهی کند در صورتی که احتمال صدق مدعی داده شود، ادعای مذکور بدون شاهد و سوگند پذیرفته می شود و حد ساقط می گردد.

ماده ۶۷ - هرگاه زانی یا زانیه ادعا کند که به زنا اکراه شده است، ادعای او در صورتی که یقین برخلاف آن نباشد قبول می شود.

فصل دوم - راههای ثبوت زنا در دادگاه

ماده ۶۸ - هرگاه مرد یا زنی در چهار جلسه در نزد حاکم اقرار به زنا کند محکوم به حد زنا خواهد شد و اگر کمتر از چهار بار اقرار نماید تعزیر می شود.

ماده ۶۹ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده دارای اوصاف بلوغ - عقل - اختیار - قصد باشد.

ماده ۷۰ - اقرار باید صریح یا بطوری ظاهر باشد که احتمال عقلائی خلاف در آن داده نشود.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشادویسی

- ۱۵ -

بیتعالی

شماره

تاریخ

پیوست

- ماده ۷۱ - هرگاه کسی اقرار به زنا کند و بعد انکار نماید در صورتی که اقرار به زنائی باشد که موجب قتل یا رجم است با انکار بعدی حد رجم و قتل ساقط می شود ، در غیر این صورت با انکار بعد از اقرار حد ساقط نمی شود .
- ماده ۷۲ - هرگاه کسی به زنائی که موجب حد است اقرار کند و بعد توبه نماید ، قاضی می تواند تقاضای عفو و ازاله امر بنماید و یا حد را بر او جاری نماید .
- ماده ۷۳ - زنی که همسر ندارد به صرف باردار شدن مورد حد قرار نمی گیرد ، مگر آنکه زنا ی او با یکی از راهب های مذکور در این قانون ثابت شود .
- ماده ۷۴ - زنا چه موجب حد جلد باشد و چه موجب حد رجم با شهادت چهار مرد عادل یا سه مرد عادل و دو زن عادل ثابت می شود .
- ماده ۷۵ - در صورتی که زنا فقط موجب حد جلد باشد به شهادت دو مرد عادل همراه با چهار زن عادل نیز ثابت می شود .
- ماده ۷۶ - شهادت زنان به تنهایی یا بانضمام شهادت یک مرد عادل زناراثابت نمی کند بلکه در مورد شهود مذکور حد قذف طبق احکام قذف جاری میشود .
- ماده ۷۷ - شهادت شهود باید روشن و بدون ابهام و مستند به مشاهده باشد و شهادت حدسی معتبر نیست .
- ماده ۷۸ - هرگاه شهود خصوصیات مورد شهادت را بیان کنند این خصوصیات باید از لحاظ زمان و مکان و مانند آنها اختلاف نداشته باشند ، در صورت اختلاف بین شهود علاوه بر اینکه زنا ثابت نمی شود شهود نیز به حد قذف محکوم می گردند .
- ماده ۷۹ - شهود باید بدون فاصله زمانی یکی پس از دیگری شهادت دهند ، اگر بعضی از شهود شهادت بدهند و بعضی دیگر بلافاصله برای ادای شهادت حضور پیدا نکنند ، یا شهادت ندهند زنا ثابت نمی شود در این صورت شهادت دهنده مورد حد قذف قرار می گیرد .
- ماده ۸۰ - هرگاه زنا از راه شهادت یا اقرار ثابت شود به استثنای مواردی مانند بیماری و حاملگی حد آن باید فوراً جاری گردد .
- ماده ۸۱ - هرگاه زن یا مرد زانی قبل از اقامه شهادت توبه نماید ، حد از او ساقط می شود و اگر بعد از اقامه شهادت توبه کند حد ساقط نمی شود .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشددویسی

بیت

فصل سوم - اقسام حد زنا

ماده ۸۲ - حد زنا در موارد زیر قتل است و فرقی بین جوان و غیر جوان و محصن و غیر محصن نیست .

الف - زنا با محارم نسبی .

ب - زنا با زن پدر موجب قتل زانی است .

ج - زنا با غیر مسلمان با زن مسلمان موجب قتل زانی است .

د - زنا با عتف و اکراه موجب قتل اکراه کننده است .

ماده ۸۳ - حد زنا در موارد زیر رجم است .

الف - زنا با مرد محصن ، یعنی مردی که دارای همسر دائمی است و با او جماع کرده و هر وقت نیز بخواهد میتواند با او جماع کند .

ب - زنا با زن محصنه با مرد بالغ ، زن محصنه زنی است که دارای شوهر دائمی است و شوهر با او جماع کرده است و امکان تمتع از شوهر را نیز دارد .

تبصره - زنا با زن محصنه با نابالغ موجب حد تازیانه است .

ماده ۸۴ - برپیرمرد یا پیرزن زانی که دارای شرایط احسان باشند ، قبل از رجم ، حد جلد جاری می شود .

ماده ۸۵ - طلاق رجعی قبل از سپری شدن ایام عده ، مرد یا زن را از احسان خارج نمی کند ولی طلاق بائن آنها را از احسان خارج می نماید .

ماده ۸۶ - زنا با مرد یا زنی که هریک همسر دائمی دارد ولی به واسطه مسافرت یا حبس و مانند آنها از عذرهای موجه به همسر خود دسترسی ندارد ، موجب رجم نیست .

ماده ۸۷ - مرد متاهلی که قبل از دخول مرتکب زنا شود به حد جلد و تراشیدن سر و تبعید به مدت یکسال محکوم خواهد شد .

ماده ۸۸ - حد زنا با زن یا مردی که واجد شرایط احسان نباشند صد تازیانه است .

ماده ۸۹ - تکرار زنا قبل از اجراء حد در صورتی که مجازاتها از یکنوع باشد موجب

تکرار حد نمی شود ولی اگر مجازاتها از یکنوع نباشد مانند آنکه بعضی از آنها موجب جلد بوده و بعضی دیگر موجب رجم باشد ، قبل از رجم زانی حد جلد بر او جاری می شود .

ماده ۹۰ - هرگاه زن یا مردی چندبار زنا کند و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه چهارم کشته می شود .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تندنویسی

- ۱۷ -

بسم تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۹۱ - در ایام بارداری و نفاس زن حد قتل یا رجم بر او جاری نمی شود ، همچنین بعد از وضع حمل در صورتی که نوزاد کفیل نداشته باشد و بیم تلف شدن نوزاد برود حد جاری نمی شود ، ولی اگر برای نوزاد کفیل پیدا شود حد جاری می گردد .
ماده ۹۲ - هرگاه در اجرای حد جلد بر زن باردار یا شیرده احتمال بیم ضرر برای حمل یا نوزاد شیرخوار باشد اجراء حد تا رفع بیم ضرر به تاخیر می افتد .
ماده ۹۳ - هرگاه مریض یا زن مستحاضه محکوم به قتل یا رجم شده باشند حد بر آنها جاری می شود ولی اگر محکوم به جلد باشند اجرای حد تا رفع بیماری و استحاضه به تاخیر می افتد .

تبصره - حیض مانع اجرای حد نیست .

ماده ۹۴ - هرگاه امید به بهبودی مریض نباشد یا حاکم شرع مصلحت بدانند که در حال مرض حد جاری شود یک دسته تازیانه یا ترکه که مشتمل بر صد واحد باشد ، فقط یکبار به او زده می شود هر چند همه آنها به بدن محکوم نرسند .
ماده ۹۵ - هرگاه محکوم به حد دیوانه یا مرتد شود حد از او ساقط نمی شود .
ماده ۹۶ - حد جلد را نباید در هوای بسیار سرد یا بسیار گرم جاری نمود .
ماده ۹۷ - حد را نمی شود در سرزمین دشمنان اسلام جاری کرد .

فصل چهارم - کیفیت اجراء حد

ماده ۹۸ - هرگاه شخصی محکوم به چند حد شود اجرای آنها باید به ترتیبی باشد که هیچکدام از آنها زمینه دیگری را از بین نبرد ، بنابراین اگر کسی به جلد و رجم محکوم شود اول باید حد جلد و بعد حد رجم را جاری ساخت .
ماده ۹۹ - هرگاه زنای شخصی که دارای شرایط احصان است با اقرار او ثابت شده باشد هنگام رجم ، اول حاکم شرع سنگ می زند بعدا دیگران ، و اگر زنای او به شهادت شهود ثابت شده باشد اول شهود سنگ می زنند بعدا حاکم و سپس دیگران .
ماده ۱۰۰ - حد جلد مرد زانی باید ایستاده و در حالی اجراء گردد که پوشاکی جز سائر عورت نداشته باشد . تازیانه به شدت بتمام بدن وی غیر از سر و صورت و عورت زده می شود تازیانه را به زن زانی در حالی می زنند که زن نشسته و لباسهای او به بدنش بسته باشد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و فتاوی

بسم الله تعالی

ماده ۱۰۱ - مناسب است که حاکم شرع مردم را از زمان اجراء حد آگاه سازد و لازم است عده‌ای از مومنین که از سه نفر کمتر نباشند در حال اجرای حد حضور یابند .

ماده ۱۰۲ - مرد را هنگام رجم تا نزدیکی کمر و زن را تا نزدیکی سینه در گودال دفن می‌کنند آنگاه رجم می‌نمایند .

ماده ۱۰۳ - هرگاه کسی که محکوم به رجم است از گودالی که در آن قرار گرفته فرار کند در صورتی که زنای او به شهادت ثابت شده باشد برای اجرای حد برگردانده می‌شود اما اگر به اقرار خود او ثابت شده باشد برگردانده نمی‌شود .

تبصره - اگر کسی که محکوم به جلد باشد فرار کند در هر حال برای اجرای حد جلد برگردانده می‌شود .

ماده ۱۰۴ - بزرگی سنگ در رجم نباید بحدی باشد که با اصابت یک یا دو عدد شخص کشته شود همچنین کوچکی آن نباید به اندازه‌ای باشد که نام سنگ بر آن صدق نکند .

ماده ۱۰۵ - حاکم شرع می‌تواند در حق الله و حق الناس به علم خود عمل کند و حد الهی را جاری نماید و لازم است مستند علم را ذکر کند ، اجرای حد در حق الله متوقف به درخواست کسی نیست ولی در حق الناس اجراء حد موقوف به درخواست صاحب حق می‌باشد .

ماده ۱۰۶ - زنا در زمانهای متبرکه چون اعیاد مذهبی و رمضان و جمعه و مکانهای شریف چون مساجد علاوه بر حد موجب تعزیر است .

ماده ۱۰۷ - حضور شهود هنگام اجرای حد رجم لازم است ولی با غیبت آنان حد ساقط نمی‌شود اما با فرار آنها حد ساقط می‌شود .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تنه نویسی

- ۱۹ -

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

باب دوم - حد لواط

فصل اول - تعریف و موجبات حد لواط

- ماده ۱۰۸ - لواط وطی انسان مذکر است .
- ماده ۱۰۹ - فاعل و مفعول لواط هردو محکوم به حد خواهند شد .
- ماده ۱۱۰ - حد لواط قتل و کیفیت نوع آن در اختیار حاکم شرع است .
- ماده ۱۱۱ - لواط در صورتی موجب قتل می شود که فاعل و مفعول بالغ و عاقل و مختار باشند .
- ماده ۱۱۲ - هرگاه مرد بالغ و عاقل با نابالغی لواط کند فاعل کشته می شود و مفعول اگر مکره نباشد به ۱۵ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می شود .
- ماده ۱۱۳ - هرگاه نابالغی نابالغ دیگر را وطی کند به ۱۵ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می شوند مگر آنکه یکی از آنها اکراه شده باشد .

فصل دوم - راههای ثبوت لواط در دادگاه

- ماده ۱۱۴ - حد لواط با چهار بار اقرار نزد حاکم شرع نسبت بمأقرارکننده ثابت میشود .
- ماده ۱۱۵ - اقرار کمتر از چهار بار موجب حد نیست و اقرارکننده تعزیر می شود .
- ماده ۱۱۶ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده بالغ ، عاقل ، مختار و دارای قصد باشد .
- ماده ۱۱۷ - حد لواط با شهادت چهار مرد عادل که آن را مشاهده کرده باشند ثابت می شود .
- ماده ۱۱۸ - با شهادت کمتر از چهار مرد عادل لواط ثابت نمی شود و شهود به حد قذف محکوم می شوند .
- ماده ۱۱۹ - شهادت زنان به تنهایی یا به ضمیمه مرد ، لواط را ثابت نمی کند .
- ماده ۱۲۰ - حاکم شرع میتواند طبق علم خود که از طرق متعارف حاصل شود ، حکم کند .
- ماده ۱۲۱ - حد تفخیز و نظایر آن بین دو مرد بدون دخول برای هر یک صد تازیانه است .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تدنویسی

بسم الله تعالی

تبصره - در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول مسلمان باشد حد فاعل قتل است .

ماده ۱۲۲ - اگر تفخیز و نظایر آن سه بار تکرار و بعد از هر بار حد جاری شود در مرتبه چهارم حد آن قتل است .

ماده ۱۲۳ - هرگاه دو مرد که باهم خویشاوندی نسبی نداشته باشند بدون ضرورت در زیر یک پوشش بطور برهنه قرار گیرند هر دو به ۳۰ تا ۹۹ ضربه شلاق تعزیر میشوند .

ماده ۱۲۴ - هرگاه کسی دیگری را از روی شهوت بیوسد به ۱۵ تا ۶۰ ضربه شلاق تعزیر می شود .

ماده ۱۲۵ - کسی که مرتکب لواط یا تفخیز و نظایر آن شده باشد اگر قبل از شهادت شهود توبه کند حد از او ساقط می شود و اگر بعد از شهادت توبه نماید حد از او ساقط نمی شود .

ماده ۱۲۶ - اگر لواط و تفخیز و نظائر آن با اقرار شخص ثابت شده باشد و پس از اقرار توبه کند حاکم شرع می تواند مرتکب را عفو نماید .

باب سوم - مساحقه

ماده ۱۲۷ - مساحقه ، همجنس بازی زنان است با اندام تناسلی .

ماده ۱۲۸ - راههای ثبوت مساحقه درد ادگانه همان راههای ثبوت لواط است .

ماده ۱۲۹ - حد مساحقه برای هریک از طرفین صد تازیانه است .

ماده ۱۳۰ - حد مساحقه درباره کسی ثابت می شود که بالغ ، عاقل ، مختار و دارای قصد باشد .

تبصره - در حد مساحقه فرقی بین فاعل و مفعول و همچنین فرقی بین مسلمان و غیرمسلمان نیست .

ماده ۱۳۱ - هرگاه مساحقه سه بار تکرار شود و بعد از هر بار حد جاری گردد در مرتبه چهارم حد آن قتل است .

ماده ۱۳۲ - اگر مساحقه کننده قبل از شهادت شهود توبه کند حد ساقط می شود اما توبه بعد از شهادت موجب سقوط حد نیست .

ماده ۱۳۳ - اگر مساحقه با اقرار شخص ثابت شود و وی پس از اقرار توبه کند حاکم شرع می تواند او را عفو نماید .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تفسیر

شماره

تاریخ

پیوست

- ۲۱ -

بیتعالی

ماده ۱۳۴ - هرگاه دوزن که با هم خویشاوندی نسبی نداشته باشند بدون ضرورت برهنه زیر یک پوشش قرار گیرند به کمتر از صد تازیانه تعزیر می شوند . در صورت تکرار این عمل و تکرار تعزیر در مرتبه سوم به هر یک صد تازیانه زده می شود .

باب چهارم - قوادی

ماده ۱۳۵ - قوادی عبارتست از جمع و مرتبط کردن دو نفر یا بیشتر برای زنا یا لواط .

ماده ۱۳۶ - قوادی با دو بار اقرار ثابت می شود به شرط آنکه اقرارکننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد .

ماده ۱۳۷ - قوادی با شهادت دو مرد عادل ثابت می شود .

ماده ۱۳۸ - حد قوادی برای مرد هفتاد و پنج تازیانه و تبعید از محل به مدت ۳ ماه تا یکسال است . و برای زن فقط هفتاد و پنج تازیانه است .

باب پنجم - قذف

ماده ۱۳۹ - قذف نسبت دادن زنا یا لواط است به شخص دیگری .

ماده ۱۴۰ - حد قذف برای قذف کننده مرد یا زن هشتاد تازیانه است .

تبصره - هرگاه کسی امری غیر از زنا یا لواط ، مانند مساحقه و سایر کارهای حرام را به شخصی نسبت دهد به شلاق از ۱۵ تا ۷۴ ضربه محکوم خواهد شد .

ماده ۱۴۱ - قذف باید روشن و بدون ابهام بوده و نسبت دهنده به معنای لفظ آگاه باشد ، گرچه شنونده معنای آن را نداند .

ماده ۱۴۲ - هرگاه کسی به فرزند مشروع خود بگوید تو فرزند من نیستی محکوم به حد قذف می شود همچنین اگر کسی به فرزند مشروع دیگری بگوید تو فرزند او نیستی محکوم به حد قذف خواهد شد .

تبصره - در موارد ماده فوق هرگاه قرینه ای در بین باشد که منظور قذف نیست حد ثابت نمی شود .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تندنویسی

بسم تعالی

ماده ۱۴۳ - هرگاه کسی به شخصی بگوید که تو با فلان زن زنا کردی یا با فلان مرد لواط نمودی نسبت به مخاطب قذف خواهد بود و گوینده محکوم به حد قذف میشود.

ماده ۱۴۴ - هرگاه کسی به قصد نسبت دادن زنا به شخصی مثلاً چنین گوید (زن قحبه) یا خواهی که قحبه یا مادر قحبه نسبت به کسی که زنا را به او نسبت داده است محکوم به حد قذف میشود و نسبت به مخاطب که به واسطه این دشنام اذیت شده است از ۱۵ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر میشود.

ماده ۱۴۵ - هر دشنامی که باعث اذیت شنونده شود و دلالت بر قذف نکند مانند اینکه کسی به زنش بگوید تو باکره نبودی موجب محکومیت گوینده به شلاق از ۱۰ تا ۷۴ ضربه می شود.

ماده ۱۴۶ - قذف در مواردی موجب حد می شود که قذف کننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد و قذف شونده نیز بالغ و عاقل و مسلمان و عقیف باشد، در صورتیکه قذف کننده و یا قذف شونده فاقد یکی از اوصاف فوق باشند حد ثابت نمی شود.

ماده ۱۴۷ - هرگاه نابالغ ممیز کسی را قذف کند بنظر حاکم تادیب می شود و هرگاه یک فرد بالغ و عاقل شخص نابالغ یا غیر مسلمان را قذف کند از ۱۰ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر میشود.

ماده ۱۴۸ - اگر قذف شونده به آنچه به او نسبت داده شده است عقیف نباشد و تظاهر به آن نماید قذف کننده حد و تعزیر ندارد.

ماده ۱۴۹ - هرگاه خویشاوندان یکدیگر را قذف کنند محکوم به حد می شوند.

تبصره - اگر پدر یا جد پدری فرزندش را قذف کند تعزیر می شود.

ماده ۱۵۰ - هرگاه مردی همسر متوفی خود را قذف کند و آن زن جز فرزند همان مرد وارثی نداشته باشد حد ثابت نمیشود اما اگر آن زن وارثی غیر از فرزند همان مرد داشته باشد، حد ثابت می شود.

ماده ۱۵۱ - هرگاه شخصی چند نفر را بطور جداگانه قذف کند در برابر قذف هر یک جداگانه حد بر او جاری می شود خواه همگی باهم مطالبه حد کنند، خواه بطور جداگانه.

ماده ۱۵۲ - هرگاه شخصی چند نفر را به یک لفظ قذف نماید اگر هر کدام از آنها جداگانه خواهان حد شوند برای قذف هر یک از آنها حد جداگانه ای جاری می گردد ولی اگر باهم خواهان حد شوند فقط یک حد ثابت می شود.

ماده ۱۵۳ - قذف بآدمی یا با شهادت دو مرد عادل اثبات میشود.

ماده ۱۵۴ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرار کننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تقنینی

بسمه تعالی

- ماده ۱۵۵ - تازیانه بر روی لباس متعارف و بطور متوسط زده می شود .
- ماده ۱۵۶ - تازیانه را نباید به سر و صورت و عورت قذف کننده زد .
- ماده ۱۵۷ - هرگاه کسی چند بار اشخاص را قذف کند و بعد از هربار حد بر او جاری شود در مرتبه چهارم کشته می شود .
- ماده ۱۵۸ - هرگاه قذف کننده بعد از اجراء حد بگوید آنچه گفتم حق بود از ۳۰ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می شود .
- ماده ۱۵۹ - هرگاه یکنفر را چندبار به یک سبب مانند زنا قذف کند فقط یک حد ثابت می شود .
- ماده ۱۶۰ - هرگاه یکنفر را به چند سبب مانند زنا و لواط قذف کند چند حد ثابت می شود .
- ماده ۱۶۱ - حد قذف در موارد زیر ساقط می شود .
- ۱- هرگاه قذف شونده ، قذف کننده را تصدیق نماید .
 - ۲- هرگاه شهود ، نصاب معتبر آن به چیزی که مورد قذف است شهادت دهند .
 - ۳- هرگاه قذف شونده یا همه ورثه او قذف کننده را عفو نمایند .
 - ۴- هرگاه مردی زنش را پس از قذف لعان کند .
- ماده ۱۶۲ - هرگاه دوتنفر یکدیگر را قذف کنند خواه قذف آنها همانند و خواه مختلف باشد حد ساقط و هریک به ۱۵ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می شوند .
- ماده ۱۶۳ - حد قذف اگر اجراء یا عفو نشود به وراث منتقل می گردد .
- ماده ۱۶۴ - حق مطالبه حد قذف به همه وارثان بجز زن و شوهر منتقل می شود و هریک از ورثه می توانند آن را مطالبه کنند هر چند دیگران عفو کرده باشند .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشادویسی

بسمه تعالی

باب ششم - حد مسکر

فصل اول - موجبات حد مسکر

ماده ۱۶۵ - خوردن مسکر موجب حد است ، اعم از آنکه کم یا زیاد ، خالص یا مخلوط باشد بحدی که آنرا از مسکر بودن خارج نکند و مست بکند یا نکند .
تبصره ۱ - آب جو در حکم شراب است ، گرچه مست کننده نباشد و خوردن آن موجب حد است .
تبصره ۲ - خوردن آب انگوری که خود بجوش آمده یا بوسیله آتش یا آفتاب و مانند آن جوشانیده شده است حرام است اما موجب حد نمی باشد .

فصل دوم - شرایط حد مسکر

ماده ۱۶۶ - حد مسکر بر کسی ثابت می شود که بالغ و عاقل و مختار و آگاه به مسکر بودن و حرام بودن آن باشد .
تبصره ۱ - در صورتی که شراب خورده مدعی جهل به حکم یا موضوع باشد وصحت دعوی وی محتمل باشد محکوم به حد نخواهد شد .
تبصره ۲ - هرگاه کسی بداند که خوردن شراب حرام است و آن را بخورد محکوم به حد خواهد شد گرچه نداند که خوردن آن موجب حد می شود .
ماده ۱۶۷ - هرگاه کسی مضطر شود که برای نجات از مرگ یا جهت درمان بیماری سخت به مقدار ضرورت شراب بخورد محکوم به حد نخواهد شد .
ماده ۱۶۸ - هرگاه کسی دوبار اقرار کند که شراب خورده است محکوم به حد می شود .
ماده ۱۶۹ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده بالغ - عاقل - مختار و دارای قصد باشد .
ماده ۱۷۰ - در صورتی که طریق اثبات شرب خمر شهادت باشد ، فقط با شهادت دو مرد عادل ثابت می شود .
ماده ۱۷۱ - هرگاه یکی از دو مرد عادل شهادت دهد که شخصی شراب خورده و دیگری شهادت دهد که او شراب قی کرده است حد ثابت می شود .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشد نویسی

بسمه تعالی

ماده ۱۷۲ - در شهادت به شرب مسکر لازم است از لحاظ زمان یا مکان و مانند آن اختلافی نباشد ولی در صورتی که یکی به شرب اصل مسکر و دیگری به شرب نوعی خاص از آن شهادت دهد حد ثابت می شود .

ماده ۱۷۳ - اقرار یا شهادت در صورتی موجب حد می شود که احتمال عقلائی بر معذور بودن خورنده مسکر در بین نباشد .

ماده ۱۷۴ - حد شرب مسکر برای مرد و یا زن ، هشتاد تازیانه است .
تبصره - غیر مسلمان فقط در صورت تظاهر به شرب مسکر به هشتاد تازیانه محکوم می شود .

ماده ۱۷۵ - هر کس به ساختن ، تهیه ، خرید ، فروش ، حمل و عرضه مشروبات الکلی مبادرت کند به ۶ ماه تا ۲ سال حبس محکوم می شود و یاد را اثر ترغیب یا تطمیع و نیرنگ ، وسایل استفاده از آن را فراهم نماید در حکم معاون در شرب مسکرات محسوب می گردد و به تازیانه تا ۷۴ ضربه محکوم می شود .

فصل سوم - کیفیت اجراء حد

ماده ۱۷۶ - مرد را در حالی که ایستاده باشد و پوشاکی غیر از ساتر عورت نداشته باشد و زن را در حالیکه نشسته و لباسهایش به بدن او بسته باشد تازیانه می زنند .

تبصره - تازیانه را نباید به سرو صورت و عورت محکوم زد .

ماده ۱۷۷ - حد وقتی جاری می شود که محکوم از حال مستی بیرون آمده باشد .

ماده ۱۷۸ - هرگاه کسی چند بار مسکر بخورد و حد بر او جاری نشود برای همه آنها یک حد کافی است .

ماده ۱۷۹ - هرگاه کسی چند بار شرب مسکر بنماید و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه سوم کشته می شود .

ماده ۱۸۰ - هرگاه محکوم به حد دیوانه یا مرتد شود حد از او ساقط نمی شود .

فصل چهارم - شرایط سقوط حد مسکر یا عفو از آن

ماده ۱۸۱ - هرگاه کسی که شراب خورده قبل از اقامه شهادت توبه نماید حد از او ساقط می شود ولی توبه بعد از اقامه شهادت موجب سقوط حد نیست .

ماده ۱۸۲ - هرگاه کسی بعد از اقرار به خوردن مسکر توبه کند حاکم می تواند او را عفو نماید یا حد را بر او جاری کند .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشدد نویسی

بسم الله

باب هفتم - محاربه و افساد فی الارض

فصل اول - تعاریف

ماده ۱۸۳ - هرکس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد محارب و مفسد فی الارض می باشد .

تبصره ۱ - کسی که به روی مردم سلاح بکشد ولی در اثر ناتوانی موجب هراس هیچ فردی نشود محارب نیست .

تبصره ۲ - اگر کسی سلاح خود را با انگیزه عداوت شخصی به سوی یک یا چند نفر مخصوص بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد محارب محسوب نمی شود .

تبصره ۳ - میان سلاح سرد و سلاح گرم فرقی نیست .

ماده ۱۸۴ - هر فرد یا گروهی که برای مبارزه با محاربان و از بین بردن فساد در زمین دست به اسلحه برند محارب نیستند .

ماده ۱۸۵ - سارق مسلح و قطاع الطريق هرگاه با اسلحه امنیت مردم یا جاده را برهم بزنند و رعب و وحشت ایجاد کند محارب است .

ماده ۱۸۶ - هر گروه یا جمعیت متشکل که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه کند مادام که مرکزیت آن باقی است تمام اعضاء و هواداران آن ، که موضع آن گروه یا جمعیت یا سازمان را می دانند و به نحوی در پیشبرد اهداف آن فعالیت و تلاش موثر دارند محاربند اگر چه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند .

تبصره - جبهه متحدی که از گروهها و اشخاص مختلف تشکیل شود ، در حکم یک واحد است .

ماده ۱۸۷ - هر فرد یا گروه که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند و نیز کسانی که با آگاهی و اختیار امکانات مالی موثر و یا وسایل و اسباب کار و سلاح در اختیار آنها بگذارند محارب و مفسد فی الارض می باشند .

ماده ۱۸۸ - هرکس در طرح براندازی حکومت اسلامی خود را نامزد یکی از پستهای حساس حکومت کودکان نماید و نامزدی او در تحقق کودتا بنحوی موثر باشد ، " محارب " و " مفسد فی الارض " است .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشد نویسی

بسم الله تعالی

فصل دوم - راههای ثبوت محاربه و افساد فی الارض

ماده ۱۸۹ - محاربه و افساد فی الارض از راههای زیر ثابت می شود .

الف - بایکبار اقرار بشرط آنکه اقرار کننده بالغ و عاقل و اقرار او با قصد و اختیار باشد .

ب - با شهادت فقط دو مرد عادل .

تبصره ۱ - شهادت مردمی که مورد تهاجم محاربان قرار گرفته اند به نفع همدیگر پذیرفته نیست .

تبصره ۲ - هرگاه عدمای مورد تهاجم محاربان قرار گرفته باشند شهادت اشخاصی که بگویند به ما آسیبی نرسیده نسبت به دیگران پذیرفته است .

تبصره ۳ - شهادت اشخاصی که مورد تهاجم قرار گرفته اند اگر چه بمنظور اثبات محارب بودن مهاجمین باشد و شکایت شخصی نباشد ، پذیرفته است .

فصل سوم - حد محاربه و افساد فی الارض

ماده ۱۹۰ - حد محاربه و افساد فی الارض یکی از چهار چیز است .

۱ - قتل ۲ - آویختن به دار ۳ - قطع دست راست و پای چپ ۴ - تفی بلد .

ماده ۱۹۱ - انتخاب هریک از این امور چهارگانه به اختیار قاضی است خواه محارب کسی را کشته یا مجروح کرده یا مال او را گرفته باشد و خواه هیچیک از این کارها را انجام نداده باشد .

ماده ۱۹۲ - حد محاربه و افساد فی الارض با عفو صاحب حق ساقط نمی شود .

ماده ۱۹۳ - محاربه که تبعید می شود باید تحت مراقبت قرار گیرد و با دیگران معاشرت و مراوده نداشته باشد .

ماده ۱۹۴ - مدت تبعید در هر حال کمتر از یکسال نیست اگر چه بعد از دستگیری

توبه نماید و در صورتی که توبه ننماید همچنان در تبعید باقی خواهد ماند .

ماده ۱۹۵ - مصلوب کردن مفسد و محارب با شرایط زیر انجام می گردد .

الف - نحوه بستن موجب مرگ او نگردد .

ب - بیش از سه روز بر صلیب نماند ولی اگر در اثنای سه روز بمیرد میتوان او را پس از مرگ پائین آورد .

ج - اگر بعد از سه روز زنده بماند نباید او را کشت .

ماده ۱۹۶ - بریدن دست راست و پای چپ مفسد و محارب به همان گونه ای است

که در " حد سرقت " عمل می شود .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تندرستی

بسم الله تعالی

باب هشتم - حد سرقت

فصل اول - تعریف و شرایط

- ماده ۱۹۷ - سرقت عبارت است از ربودن مال دیگری بطور پنهانی .
- ماده ۱۹۸ - سرقت در صورتی موجب حد می شود که دارای کلیه شرایط و خصوصیات زیر باشد .
- ۱ - سارق به حد بلوغ شرعی رسیده باشد .
 - ۲ - سارق در حال سرقت عاقل باشد .
 - ۳ - سارق با تهدید و اجبار وادار به سرقت نشده باشد .
 - ۴ - سارق قاصد باشد .
 - ۵ - سارق بداند و ملتفت باشد که مال غیر است .
 - ۶ - سارق بداند و ملتفت باشد که ربودن آن حرام است .
 - ۷ - صاحب مال ، مال را در حوز قرار داده باشد .
 - ۸ - سارق به تنهایی یا با کمک دیگری هتک حرز کرده باشد .
 - ۹ - به اندازه نصاب یعنی $\frac{4}{5}$ نخود طلای مسکوک که بصورت پول معامله می شود یا ارزش آن به آن مقدار باشد در هربار سرقت شود .
 - ۱۰ - سارق مضطر نباشد .
 - ۱۱ - سارق پدر صاحب مال نباشد .
 - ۱۲ - سرقت در سال قحطی صورت نگرفته باشد .
 - ۱۳ - حرز و محل نگهداری مال ، از سارق غصب نشده باشد .
 - ۱۴ - سارق مال را به عنوان دزدی برداشته باشد .
 - ۱۵ - مال مسروق در حرز متناسب نگهداری شده باشد .
 - ۱۶ - مال مسروق از اموال دولتی و وقف و مانند آن که مالک شخصی ندارد نباشد .
- تبصره ۱ - حرز عبارت است از محلی که بمنظور دور بودن مال از انظار و دستبرد در آن نگهداری می شود .
- تبصره ۲ - بیرون آوردن مال از حرز توسط دیوانه یا طفل غیر ممیز و حیوانات و امثال آن در حکم مباشرت است .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تفهیمی

- ۲۹ -

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

تبصره ۳ - هرگاه سارق قبل از بیرون آوردن مال از حرز دستگیر شود حد بر او جاری نمی شود .

تبصره ۴ - هرگاه سارق پس از سرقت ، مال را تحت ید مالک قرارداد داده باشد موجب حد نمی شود .

فصل دوم - راههای ثبوت سرقت

ماده ۱۹۹ - سرقتی که موجب حد است بایکی از راههای زیر ثابت می شود .

۱ - شهادت دو مرد عادل .

۲ - دو مرتبه اقرار سارق نزد قاضی ، بشرط آنکه اقرارکننده بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد .

۳ - علم قاضی .

تبصره - اگر سارق یک مرتبه نزد قاضی اقرار به سرقت کند ، باید مال را به صاحبش بدهد اما حد بر او جاری نمی شود .

فصل سوم - شرایط اجرای حد

ماده ۲۰۰ - در صورتی حد سرقت جاری می شود که شرایط زیر موجود باشد .

۱ - صاحب مال از سارق نزد قاضی شکایت کند .

۲ - صاحب مال پیش از شکایت سارق رانبخشیده باشد .

۳ - صاحب مال پیش از شکایت مال را به سارق نبخشیده باشد .

۴ - مال مسروق قبل از ثبوت جرم نزد قاضی ، از راه خرید و مانند آن به ملک سارق درنیاید .

۵ - سارق قبل از ثبوت جرم از این گناه توبه نکرده باشد .

تبصره - حد سرقت بعد از ثبوت جرم با توبه ساقط نمی شود و عفو سارق جایز نیست .

فصل چهارم - حد سرقت

ماده ۲۰۱ - حد سرقت به شرح زیر است .

الف - در مرتبه اول قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن بطوریکه انگشت شست و کف دست او باقی بماند .

ب - در مرتبه دوم ، قطع پای چپ سارق از پائین برآمدگی بنحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح او باقی بماند .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تفه نویسی

- ۳۰ -

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ج - در مرتبه سوم حبس ابد .

د - در مرتبه چهارم اعدام ، ولو سرقت در زندان باشد .

تبصره ۱ - سرقت های متعدد تا هنگامی که حد جاری نشده حکم یکبار سرقت را دارد .

تبصره ۲ - معاون در سرقت موضوع ماده ۱۹۸ این قانون به یک سال تا سه سال حبس محکوم

میشود .

ماده ۲۰۲ - هرگاه انگشتان دست سارق بریده شود و پس از اجراء این حد ، سرقت

دیگری از او ثابت گردد که سارق قبل از اجراء حد مرتکب شده است پای چپ او بریده

می شود .

ماده ۲۰۳ - سرقتی که فاقد شرایط اجرای حد باشد و موجب اخلال در نظم یا خوف

شده یا بیم تجری مرتکب یا دیگران باشد اگر چه شاکی نداشته یا گذشت نموده باشد موجب

حبس تعزیری از یک تا پنج سال خواهد بود .

تبصره - معاونت در سرقت موجب حبس از شش ماه تا سه سال میباشد .

کتاب سوم - قصاص

باب اول - قصاص نفس

فصل اول - قتل عمد

ماده ۲۰۴ - قتل نفس بر سه نوع است . عمد ، شبه عمد ، خطاء .

ماده ۲۰۵ - قتل عمد برابر مواد این فصل موجب قصاص است و اولیاء دم می توانند

با اذن حاکم شرع قاتل را با رعایت شرایط مذکور در فصول آتیه قصاص نمایند .

ماده ۲۰۶ - قتل در موارد زیر قتل عمدی است .

الف - مواردی که قاتل با انجام کاری قصد کشتن شخص معین یا فرد یا افرادی

غیر معین از یک جمع را دارد خواه آن کار نوعاً کشنده باشد خواه نباشد ولی در عمل

سبب قتل شود .

ب - مواردی که قاتل عمداً کاری را انجام دهد که نوعاً کشنده باشد هر چند قصد

کشتن شخص را نداشته باشد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشنویس

- ۳۱ -

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ج - مواردی که قاتل قصد کشتن را ندارد و کاری را که انجام می دهد نوعا کشنده نیست ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری و یا پیری یا ناتوانی یا کودکی و امثال آنها نوعا کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد .

ماده ۲۰۷ - هرگاه مسلمانی کشته شود قاتل قصاص می شود و معاون در قتل عمد به سه سال تا ۱۵ سال حبس محکوم می شود .

ماده ۲۰۸ - هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا از قصاص گذشت کرده باشد و اقدام وی موجب اخلال در نظم جامعه یا خوف شده و یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد موجب حبس تعزیری از ۳ تا ۱۰ سال خواهد بود .

تبصره - در این مورد معاونت در قتل عمد موجب حبس از یک تا پنج سال میباشد .

ماده ۲۰۹ - هرگاه ^{مرد} مسلمانی عمدا زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل نصف دیه مرد را به او بپردازد .

ماده ۲۱۰ - هرگاه کافر ذمی عمدا کافر ذمی دیگر را بکشد قصاص میشود اگرچه پیرو دو دین مختلف باشند و اگر مقتول زن ذمی باشد باید ولی او قبل از قصاص نصف دیه مرد ذمی را به قاتل بپردازد .

فصل دوم - اکراه در قتل

ماده ۲۱۱ - اکراه و دستور کسی مجوز قتل نیست بنابراین اگر کسی را وادار به قتل کنند یا دستور قتل کسی را صادر کنند نباید مرتکب شود و اگر مرتکب شد قصاص می شود و اکراه کننده و آمر به حبس ابد محکوم می گردند .

تبصره ۱ - اگر اکراه شونده طفل غیر ممیز یا مجنون باشد فقط اکراه کننده محکوم به قصاص است .

تبصره ۲ - اگر اکراه شونده طفل ممیز باشد نباید قصاص شود بلکه باید عاقله او دیه را بپردازد و اکراه کننده نیز به حبس ابد محکوم است .

فصل سوم - شرکت در قتل

ماده ۲۱۲ - هرگاه دو یا چند مرد مسلمان مشترکا مرد مسلمانی را بکشند ولی دم می تواند باذن حاکم شرع همه آنها را قصاص کند و در صورتی که قاتل دو نفر باشند باید به هر کدام از آنها نصف دیه و اگر سه نفر باشند باید به هر کدام از آنها دو ثلث دیه و اگر چهار نفر باشند باید به هر کدام از آنها سه ربع دیه را بپردازد و به همین نسبت در افراد بیشتر .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشد نویسی

بسم تعالی

تبصره ۱ - ولی دم می تواند برخی از شرکای در قتل را با پرداخت دیه مذکور در این ماده قصاص نماید و از بقیه شرکاء نسبت به سهم دیه اخذ نماید .
تبصره ۲ - در صورتیکه قاتلان و مقتول همگی از كفار ذمی باشند همین حکم جاری است .

ماده ۲۱۳ - در هر مورد که باید مقداری از دیه را به قاتل بدهند و قصاص کنند باید پرداخت دیه قبل از قصاص باشد .

ماده ۲۱۴ - هرگاه دو یا چند نفر جراحاتی بر کسی وارد سازند که موجب قتل او شود چه در یک زمان و چه در زمانهای متفاوت چنانچه قتل مستند به جنایت همگی باشد همه آنها قاتل محسوب می شوند و کیفر آنان باید طبق مواد دیگر این قانون با رعایت شرایط تعیین شود .

ماده ۲۱۵ - شرکت در قتل ، زمانی تحقق پیدا می کند که کسی در اثر ضرب و جرح عمدای کشته شود و مرگ او مستند به عمل همه آنها باشد خواه عمل هریک به تنهایی برای قتل کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه متفاوت .

ماده ۲۱۶ - هرگاه کسی جراحاتی به شخصی وارد کند و بعد از آن دیگری او را به قتل برساند قاتل همان دومی است اگر چه جراحت سابق به تنهایی موجب مرگ می گردید و اولی فقط محکوم به قصاص طرف یا دیه جراحاتی است که وارد کرده مگر مواردی که در قصاص جراحت خطر مرگ باشد که در این صورت فقط محکوم به دیه می باشد .

ماده ۲۱۷ - هرگاه جراحاتی که نفر اول وارد کرده مجروح را در حکم مرده قرارداده و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال دیگری کاری را انجام دهد که به حیات او پایان بخشد اولی قصاص می شود و دومی تنهاده جنایت بر مرده رami پردازد
ماده ۲۱۸ - هرگاه ایراد جرح هم موجب نقص عضو شود و هم موجب قتل چنانچه بایک ضربت باشد قصاص قتل کافی است و نسبت به نقص عضو قصاص یا دیه نیست .

فصل چهارم - شرایط قصاص

ماده ۲۱۹ - کسی که محکوم به قصاص است باید با اذن ولی دم او راکشت . پس اگر کسی بدون اذن ولی دم او را بکشد مرتکب قتلی شده که موجب قصاص است .

ماده ۲۲۰ - پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تنه نویسی

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۲۲۱ - هرگاه دیوانه یا نابالغی عمداً کسی را بکشد قصاص و قصاص نمی شود بلکه باید عاقله آنها دیه قتل خطا را به ورثه مقتول بدهند .

تبصره - در جرائم قتل نفس یا نقص عضو اگر جرم ارتكابی عمدی باشد و مرتكب صغیر یا مجنون باشد و پس از بلوغ یا افاقه مرتكب ، مجنی علیه در اثر سرایت فوت شود مستوجب قصاص نمی باشد .

ماده ۲۲۲ - هرگاه عاقل دیوانه‌ای را بکشد قصاص نمی شود بلکه باید دیه قتل را به ورثه مقتول بدهد .

ماده ۲۲۳ - هرگاه بالغ نابالغی را بکشد قصاص می شود .

ماده ۲۲۴ - قتل در حال مستی موجب قصاص است مگر اینکه ثابت شود که در اثر مستی بکلی مسلوب الاختیار بوده و قصد از او سلب شده است و قبلاً برای چنین عملی خود را مست نکرده باشد .

ماده ۲۲۵ - هرگاه کسی در حال خواب یا بیهوشی شخصی را بکشد قصاص نمی شود فقط به دیه قتل به ورثه مقتول محکوم خواهد شد .

ماده ۲۲۶ - قتل نفس در صورتی موجب قصاص است که مقتول شرعاً مستحق کشتن نباشد و اگر مستحق قتل باشد قاتل باید استحقاق قتل او را طبق موازین در دادگاه اثبات کند .

فصل پنجم - شرایط دعوی قتل

ماده ۲۲۷ - مدعی باید حین اقامه دعوی عاقل و بالغ باشد و چنانچه دعوی مستلزم امر مالی گردد رشد نیز شرط است اما نسبت به مدعی علیه هیچک شرط نیست .

ماده ۲۲۸ - مدعی باید نسبت به مورد دعوی جازم باشد و با احتمال و ظن نمی توان علیه کسی اقامه دعوی کرد لکن با وجود اماره و آثار جرم دعوی بدون جزم نیز مسموع است .

ماده ۲۲۹ - مدعی علیه باید معلوم و مشخص یا محصور در میان عده‌ای معین باشد .

ماده ۲۳۰ - مورد دعوی باید معلوم باشد و مدعی قتل باید نوع آن را از لحاظ عمد یا غیر عمد بیان کند و اگر اصل قتل ثابت شود و نوع آن اثبات نشود باید با صلح میان قاتل و اولیاء مقتول و عاقله دعوی را خاتمه داد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشه نویسی

- ۳۴ -

بسمه تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

فصل ششم - راههای ثبوت قتل

ماده ۲۳۱ - راههای ثبوت قتل در دادگاه عبارتند از .
۱ - اقرار ۲ - شهادت ۳ - قسامه ۴ - علم قاضی .

مبحث اول - اقرار

ماده ۲۳۲ - با اقرار به قتل عمد گرچه یک مرتبه هم باشد قتل عمد ثابت می شود .
ماده ۲۳۳ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده دارای اوصاف زیر باشد .
۱ - عقل ۲ - بلوغ ۳ - اختیار ۴ - قصد .
بنابراین اقرار دیوانه و مست و کودک و مجبور و اشخاصی که قصد ندارند مانند
ساهی و هازل و نائم و بیهوش نافذ نیست .
ماده ۲۳۴ - اقرار به قتل عمد از کسی که به سبب سفاهت یا افلاس محجوز باشد
نافذ و موجب قصاص است .

ماده ۲۳۵ - اگر کسی به قتل عمدی شخصی اقرار نماید و دیگری به قتل عمدی یا خطائی
همان مقتول اقرار کند ولی دم در مراجعه به هریک از این دو نفر مخیر است که برابر
اقرارش عمل نماید و نمی تواند مجازات هر دو را مطالبه کند .
ماده ۲۳۶ - اگر کسی به قتل عمدی شخصی اقرار کند و پس از آن دیگری به قتل
عمدی همان مقتول اقرار نماید در صورتی که اولی از اقرارش برگردد قصاص یا دیه از هر
دو ساقط است و دیه از بیت المال پرداخت می شود و این در حالی است که قاضی احتمال
عقلائی ندهد که قضیه توطئه آمیز است .
تبصره - در صورتیکه قتل عمدی بر حسب شهادت شهود یا قسامه یا علم قاضی قابل
اثبات باشد قاتل به تقاضای ولی دم قصاص می شود .

مبحث دوم - شهادت

ماده ۲۳۷ -

الف - قتل عمد با شهادت دو مرد عادل ثابت می شود .
ب - قتل شبه عمد یا خطا با شهادت دو مرد عادل یا یک مرد عادل و دو زن
عادل یا یک مرد عادل و قسم مدعی ثابت می شود .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تفهین نویسی

قانون

ماده ۲۳۸ - هرگاه یکی از دو شاهد عادل گواهی دهد که متهم اقرار به قتل عمدی نمود و دیگری گواهی دهد که متهم اقرار به قتل کرد و بقید عمد گواهی ندهد اصل قتل ثابت می شود و متهم مکلف است نوع قتل را بیان کند اگر اقرار به عمد نمود قصاص می شود و چنانچه منکر قتل عمد باشد و قسم یاد کند قصاص از او ساقط است .

مبحث سوم - قسامه

ماده ۲۳۹ - هرگاه بر اثر قرائن و اماراتی ، و یا از هر طریق دیگری از قبیل شهادت یک شاهد یا حضور شخصی همراه با آثار جرم در محل قتل یا وجود مقتول در محل تردد یا اقامت اشخاص معین و یا شهادت طفل ممیز مورد اعتماد و یا امثال آن حاکم به ارتکاب قتل از جانب متهم ظن پیدا کند مورد از موارد لوث محسوب می شود .

ماده ۲۴۰ - هرگاه ولی دم ، مدعی قتل عمد شود و یکی از دو شاهد عادل به قتل عمد و دیگری به اصل قتل شهادت دهد و متهم قتل عمد را انکار کند در صورتی که موجب ظن برای قاضی باشد این قتل از باب لوث محسوب می شود و مدعی باید قتل عمد را با اقامه قسامه ثابت کند .

ماده ۲۴۱ - هرگاه یکی از دو مرد عادل شهادت به قتل بوسیله متهم دهد و دیگری به اقرار متهم به قتل شهادت دهد قتل ثابت نمی شود و چنانچه موجب ظن برای قاضی باشد ، مورد از موارد لوث خواهد بود .

ماده ۲۴۲ - در صورتی که قرائن و نشانه های ظنی معارض یکدیگر باشند مورد از موارد لوث محسوب نمی گردد .

ماده ۲۴۳ - مدعی ممکن است مرد یا زن باشد ، و در هر حال باید از وراثت فعلی مقتول محسوب شود .

ماده ۲۴۴ - در موارد لوث اگر مدعی علیه حضور خود را هنگام قتل در محل واقعه منکر باشد قاضی از مدعی می خواهد که اقامه بینه نماید در صورتیکه مدعی اقامه بینه نکند مدعی علیه پس از ادای سوگند تبرئه می شود و در صورتیکه حضور مدعی علیه هنگام قتل محرز باشد مدعی علیه می تواند برای تبرئه خود اقامه بینه نماید و اگر بینه اقامه نکرد لوث ثابت می شود و مدعی باید اقامه قسامه کند و در صورتی که از اقامه قسامه امتناع نمود می تواند از مدعی علیه مطالبه قسامه نماید در این صورت مدعی علیه باید برای براءت خود به ترتیب مذکور در ماده ۲۴۲ عمل نماید در این حالت اگر مدعی علیه از اقامه قسامه ابا نماید مدعی علیه محکوم به پرداخت دیه می شود .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تنه‌نویسی

بیت‌الله

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۲۴۵ - در موارد لوٹ برای تحقق قسامه مدعی باید حضور مدعی علیه را هنگام قتل در محل واقعه ثابت نماید در صورتیکه حضور مدعی علیه احراز نشود اگر مدعی علیه حضور خود را هنگام قتل در محل واقعه انکار نماید ادعای او با ادای سوگند پذیرفته می‌شود .

ماده ۲۴۶ - در مواردی که حضور مدعی علیه در محل قتل محرز باشد چنانچه مدعی علیه برای تبرئه خود بینه معتبر اقامه کند لوٹ محقق نمی‌شود .

ماده ۲۴۷ - هرگاه مدعی اقامه قسامه نکند می‌تواند از مدعی علیه مطالبه قسامه نماید در این صورت مدعی علیه باید برای برائت خود به ترتیب مذکور در ماده ۲۴۸ به قسامه عمل نماید و چنانچه ایا کند مدعی علیه محکوم به پرداخت دیه می‌شود .

ماده ۲۴۸ - در موارد لوٹ قتل عمد با پنجاه قسم ثابت می‌شود و قسم خورندگان باید از خویشان و بستگان ، نسبی مدعی باشند و در مورد آنها رجولیت شرط است .

تبصره ۱ - مدعی و مدعی علیه می‌توانند حسب مورد یکی از قسم خورندگان باشند .
تبصره ۲ - چنانچه تعداد قسم خورندگان کمتر از پنجاه نفر باشند هریک از قسم خورندگان مرد می‌تواند بیش از یک قسم بخورد به نحوی که پنجاه قسم کامل شود .
تبصره ۳ - چنانچه هیچ مردی از خویشان و بستگان نسبی مدعی برای قسامه وجود نداشته باشد ، مدعی می‌تواند پنجاه قسم بخورد هر چند زن باشد .

ماده ۲۴۹ - قاضی باید برای قبول تکرار قسم مطمئن شود که مدعی یا مدعی علیه پنجاه نفر خویش و بسته نسبی ندارد و یا خویشان و بستگان نسبی او پنجاه نفر یا بیشتر هستند حاضر به قسم خوردن نمی‌باشند هم چنین قاضی باید خویشاوندی نسبی قسم خورندگان را با مدعی یا مدعی علیه احراز نماید .

ماده ۲۵۰ - هریک از قسم خورندگان باید قاتل و مقتول را بدون ابهام معین و انفراد یا اشتراک و یا معاونت قاتل یا قاتلان را صریحا ذکر و نوع قتل را بیان کنند .

تبصره - در صورتی که قاضی احتمال بدهد که قسم خورنده یا قسم خورندگان در تشخیص نوع قتل که عمد یا شبه عمد یا خطا است دچار اشتباه می‌باشند باید در مورد نوع قتل از آنها تحقیق نماید .

ماده ۲۵۱ - قسم خورندگان باید علم به ارتکاب قتل داشته باشند و از روی جزم قسم بخورند و قسم از روی ظن کفایت نمی‌کند .

تبصره - در صورتیکه قاضی احراز نماید که تمام یا بعضی از قسم خورندگان از روی ظن قسم می‌خورند قسمهای مذکور اعتبار ندارد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشه نویسی

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۲۵۲ - در صورتیکه تعداد مدعی علیه بیش از یک نفر باشد ، مدعی باید برای اثبات ادعای خود در مورد هریک پنجاه قسم ادا نماید و در صورتی که مدعی اقامه قسامه نکند هریک از مدعی علیه باید پنجاه قسم ادا نماید .

ماده ۲۵۳ - نصاب قسامه در قتل شبه عمد و خطای محض بیست و پنج قسم می باشد و نحوه انجام آن مطابق مواد فوق است .

ماده ۲۵۴ - قسامه در جراحات عضو موجب قصاص نیست و فقط دیه را ثابت می کند و نصاب آن به ترتیب زیر است .

- ۱ - شش قسم در جراحتهائی که موجب دیه کامل است .
 - ۲ - سه قسم در جراحاتی که موجب نصف دیه است .
 - ۳ - دو قسم در جراحتهائی که موجب ثلث یا ربع یا خمس دیه است .
 - ۴ - یک قسم در جراحتهائی که موجب سدس دیه یا کمتر است .
- ماده ۲۵۵ - هرگاه شخصی در اثر از دحام کشته شود و یا جسد مقتولی در شارع عام پیدا شود و قرائن ظنی برای قاضی بر نسبت قتل او به شخص یا جماعتی نباشد حاکم شرع باید دیه او را از بیت المال بدهد و اگر شواهد ظنی نزد حاکم اقامه شود که آن قتل به شخص یا اشخاص معین منسوب است مورد از موارد لوث خواهد بود .
- ماده ۲۵۶ - هرگاه کسی را در محلی کشته ببینند و ولی مقتول مدعی شود که شخص معینی از ساکنان آن محل ویرا به قتل رسانده است مورد از موارد لوث می باشد در این صورت چنانچه حضور مدعی علیه هنگام قتل در محل واقع ثابت شود دعوای ولی با قسامه پذیرفته می شود .
- تبصره - چنانچه مدعی علیه حضور خود را هنگام قتل در محل واقع انکار نماید ادعای او با سوگند پذیرفته می شود .

فصل هفتم - کیفیت استیفاء قصاص

- ماده ۲۵۷ - قتل عمد موجب قصاص است لکن با رضایت ولی دم و قاتل به مقدار دیه کامله یا به کمتر یا زیادتر از آن تبدیل می شود .
- ماده ۲۵۸ - هرگاه مردی زنی را به قتل رساند ولی دم مخیر است بین قصاص یا پرداخت نصف دیه کامل به قاتل و بین مطالبه دیه زن از قاتل .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشنقویسی

تعالی

ماده ۲۵۹ - هرگاه کسی که مرتکب قتل عمد شده است بمیرد قصاص و دیه ساقط می شود .

ماده ۲۶۰ - هرگاه کسی که مرتکب قتل عمد شده است فرار کند و تاهنگام مردن به او دسترسی نباشد پس از مرگ قصاص تبدیل به دیه می شود که باید از مال قاتل پرداخت گردد و چنانچه مالی نداشته باشد از اموال نزدیکترین خویشان او بنحو "الاقرب فالاقرب" پرداخت می شود و چنانچه نزدیکی نداشته باشد یا آنها تمکن نداشته باشند دیماز بیت المال پرداخت می گردد .

ماده ۲۶۱ - اولیاء دم که قصاص و عفو در اختیار آنهاست همان ورثه مقتولند ، مگر شوهر یا زن که در قصاص و عفو و اجراء اختیاری ندارند .

ماده ۲۶۲ - زن حامله که محکوم به قصاص است نباید قبل از وضع حمل قصاص شود و پس از وضع حمل چنانچه قصاص موجب هلاکت طفل باشد باید به تاخیر افتد تا خطر مرگ از طفل برطرف گردد .

ماده ۲۶۳ - قصاص با آلت کند و غیربرنده که موجب آزار مجرم باشد ممنوع است و مثله او نیز حرام است .

ماده ۲۶۴ - در صورتی که ولی دم متعدد باشد موافقت همه آنها در قصاص لازم است چنانچه همگی خواهان قصاص قاتل باشند قاتل قصاص می شود و اگر بعضی از آنها خواهان قصاص و دیگران خواهان دیه ، خواهان قصاص می توانند قاتل را قصاص کنند لکن باید سهم دیه سایر اولیاء دم را که خواهان دیه هستند بپردازند و اگر بعضی از اولیاء دم بطور رایگان عفو کنند دیگران می توانند بعد از پرداخت سهم عفوکنندگان به قاتل او را قصاص نمایند .

ماده ۲۶۵ - ولی دم بعد از ثبوت قصاص با اذن حاکم شرع می تواند شخصا قاتل را قصاص کند و یا وکیل بگیرد .

ماده ۲۶۶ - اگر مجنی علیه ولی نداشته باشد و یا شناخته نشود و یا به او دسترسی نباشد ، دادستان محل از دادگاه تقاضای تعقیب جانی را می نماید چنانچه قتل خطا یا شبه عمد تشخیص داده شود در صورت اول و دوم دیه به حساب دیات خزانه واریز و در صورت سوم دیه در حساب امانی خزانه برای ولی مقتول نگهداری می شود و در صورتیکه دادگاه قتل را عمد تشخیص داد دادستان با تأیید رئیس قوه قضائیه تقاضای قصاص می نماید .

ماده ۲۶۷ - هرگاه شخص یا اشخاصی محکوم به قصاص را رهائی دهند محکوم به حبس می باشند تا قاتل تحویل مقامات قضائی گردد و چنانچه قاتل قبل از تحویل



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تفه نویسی

- ۳۹ -

بیت الله

شماره

تاریخ

پیوست

بمیرد دیه مقتول به عهده آنکس یا کسانی است که او را فرار داد مانند .
ماده ۲۶۸ - چنانچه مجنی علیه قبل از مرگ جانی را عفو نماید حق قصاص ساقط
نمی شود و اولیاء دم می توانند پس از مرگ او قصاص را مطالبه نمایند .

باب دوم - قصاص عضو

فصل اول - تعاریف و موجبات قصاص عضو

ماده ۲۶۹ - شکستن یا قطع عضو یا جرح آن اگر عمدی باشد موجب قصاص است و حسب
مورد مجنی علیه می تواند با اذن حاکم شرع جانی را با شرایطی که ذکر خواهد شد قصاص نماید .
تبصره ۱ - مجازات معاون جرم موضوع این ماده سماء حبس تا یکسال است .
تبصره ۲ - در مورد این ماده چنانچه شاکی نداشته و یا شاکی از شکایت خود گذشت کرده
باشد یا موجب قصاص نگردیده ولیکن سبب اخلال در نظم جامعه یا خوف شد میایم تجری مرتکب
یا دیگران باشد موجب حبس تعزیری از سماء تا دو سال خواهد بود و معاون وی به حبس از دو ماه
تا یکسال محکوم میشود .

ماده ۲۷۰ - قطع عضو یا جرح آن سه نوع است .
عمد - شبه عمد - خطا که احکام دو نوع اخیر در فصل دیات خواهد آمد .
ماده ۲۷۱ - قطع عضو یا جرح آن در موارد زیر عمدی است .
الف - وقتی که جانی با انجام کاری قصد قطع عضو یا جرح آن را دارد چه آن کار
نوعا موجب قطع یا جرح باشد یا نباشد .
ب - وقتی که جانی عمدا کاری انجام دهد که نوعا موجب قطع یا جرح عضو باشد
هر چند قصد قطع یا جرح نداشته باشد .
ج - وقتی که جانی قصد قطع عضو یا جرح را ندارد و عمل او نوعا موجب قطع یا
جرح نمی باشد ولی نسبت به مجنی علیه بر اثر بیماری یا پیری یا ناتوانی یا کودکی و مانند
اینها نوعا موجب قطع یا جرح باشد و جانی به آن آگاهی داشته باشد .

فصل دوم - شرایط و کیفیت قصاص عضو

ماده ۲۷۲ - در قصاص عضو علاوه بر شرایط قصاص نفس شرایط زیر باید رعایت شود
۱ - تساوی اعضاء در سالم بودن .
۲ - تساوی در اصلی بودن اعضاء .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تقنینی

بیت

۳ - تساوی در محل عضو مجروح .

۴ - قصاص موجب تلف جانی نباشد .

۵ - قصاص بیشتر از اندازه جنایت نشود .

ماده ۲۷۳ - در قصاص عضو ، زن و مرد برابرند و مرد مجرم به سبب نقص عضو یا جرمی که به زن وارد نماید به قصاص عضو مانند آن محکوم می شود ، مگر اینکه دیه عضو که ناقص شده ثلث یا بیش از ثلث دیه کامل باشد که در آن صورت زن هنگامی می تواند قصاص کند که نصف دیه آن عضو را به مرد بپردازد .

ماده ۲۷۴ - عضو سالم در برابر عضو ناسالم قصاص نمی شود و فقط دیه آن عضو پرداخت می شود لکن عضو ناسالم در برابر عضو سالم قصاص می شود .

ماده ۲۷۵ - در قصاص عضو تساوی محل معتبر است و باید در مقابل قطع عضو طرف راست عضو همان طرف و در مقابل طرف چپ عضو همان طرف جانی قصاص شود .

تبصره - در صورتی که مجرم دست راست نداشته باشد دست چپ او و چنانچه دست چپ هم نداشته باشد پای او قطع خواهد شد .

ماده ۲۷۶ - جرحی که بعنوان قصاص وارد می کنند باید از حیث طول و عرض مساوی با جنایت باشد مگر جرحی که به استخوان سر برسد که در این صورت صدق مماثلت عرفی کافی است .

ماده ۲۷۷ - هرگاه در قصاص جرح رعایت تساوی ممکن نباشد مانند بعضی از جراحات های عمیق یا در موارد شکسته شدن استخوانها یا جابجا شدن آنها بطوریکه قصاص موجب تلف جانی یا زیاده از اندازه جنایت گردد باید دیه آن داده شود چه مقدار آن دیه شرعا معین باشد یا با حکم حاکم شرع معین گردد .

ماده ۲۷۸ - قصاص عضو را می شود فوراً اجرا نمود و لازم نیست صبر کنند تا وضع جرح روشن شود پس اگر قصاص اجرا شود و جرح منجر به مرگ مجنی علیه گردد در صورتیکه جنایت عمدی باشد جانی به قصاص نفس محکوم می شود لکن قبل از اجرا قصاص نفس باید دیه جرحی که قبلاً بعنوان قصاص عضو بر جانی وارد شده به او پرداخت شود .

ماده ۲۷۹ - برای رعایت تساوی قصاص با جنایت باید حدود جراحات کاملاً اندازه گیری شود و هر چیزی که مانع از استیفاء قصاص یا موجب ازدیاد آن باشد باید برطرف گردد .

ماده ۲۸۰ - اگر در اثر حرکت جانی قصاص بیش از جنایت شود قصاص کننده ضامن نیست و اگر بدون حرکت مجرم قصاص بیش از جنایت شود در صورتیکه این زیاده عمدی



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تندنویسی

- ۴۱ -

بسم تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

باشد قصاص کننده نسبت به مقدار زائد قصاص می شود و در صورتیکه عمدی نباشد دیه یا ارش مقدار زائد به عهده قصاص کننده می باشد .

ماده ۲۸۱ - اگر گرمی یا سردی هوا موجب سرایت زخم بشود باید قصاص در هوای معتدل انجام گیرد .

ماده ۲۸۲ - ابرار قصاص باید تیز و غیر مسموم و مناسب با اجراء قصاص جرح مخصوص باشد و ایذاء جانی پیش از مقدار جنایت او ممنوع است .

ماده ۲۸۳ - هرگاه شخصی یک چشم کسی را کور کند قصاص می شود گرچه جانی بیش از یک چشم نداشته باشد و چیزی بعنوان دیه به او داده نمی شود .

ماده ۲۸۴ - هرگاه شخصی که دارای دو چشم است چشم کسی را که فقط دارای یک چشم است کور نماید مجنی علیه میتواند یک چشم جانی را قصاص کند و نصف دیه کامل را هم دریافت نماید ، یا از قصاص یک چشم جانی منصرف شود و دیه کامل بگیرد مگر در صورتی که مجنی علیه یک چشم خود را قبلا در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیه آنرا داشته است از دست داده باشد که در این مورد می تواند یک چشم جانی را قصاص کند و یا نصف دیه کامل دریافت نماید .

ماده ۲۸۵ - هرگاه شخص بینائی چشم کسی را بدون آسیب به حدقه چشم او از بین ببرد فقط بینائی چشم جانی مورد قصاص قرار می گیرد و اگر بدون آسیب به حدقه چشم جانی ممکن نباشد قصاص ساقط می شود و جانی باید دیه آن را بپردازد .

ماده ۲۸۶ - چشم سالم در برابر چشم هائی که از لحاظ دیدن متعارف نیستند قصاص می شود .

ماده ۲۸۷ - هرگاه شخصی مقداری از گوش کسی را قطع کند و مجنی علیه قسمت جدا شده را به گوش خود پیوند دهد قصاص ساقط نمی شود و اگر جانی بعد از آنکه مقداری از گوش او بعنوان قصاص بریده شد آن قسمت جدا شده را به گوش خود پیوند دهد هیچکس نمی تواند آن را دوباره برای حفظ اثر قصاص قطع کند .

ماده ۲۸۸ - قطع لاله گوش که موجب زوال شنوائی بشود دو جنایت محسوب می شود .

ماده ۲۸۹ - هرگاه شخصی بینی کسی را قطع کند مجنی علیه می تواند قصاص نماید گرچه بینی مجنی علیه دارای حس بویائی نباشد .

ماده ۲۹۰ - هرگاه شخصی زبان یا لب کسی را قطع نماید با رعایت تساوی مقدار و محل مورد قصاص قرار می گیرد .

ماده ۲۹۱ - هرگاه شخصی دندان کسی را بشکند یا بکند با رعایت شرایط قصاص عضو قصاص می شود و اگر مجنی علیه قبل از قصاص دندان در آورد در صورتی که دندان



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشه نویسی

شماره

تاریخ

پیوست

- ۴۲ -

بسم الله تعالی

جدید او سالم باشد چیزی جز تعزیر بر مجرم نیست و اگر معیوب باشد مجرم باید تفاوت بین دندان سالم و معیوب را بپردازد .

ماده ۲۹۲ - اگر مجنی علیه طفل باشد باید به مدت متعارف صدور حکم به تاخیر افتد در صورتیکه کودک دندان جدید درآورد مجرم محکوم به ارش و گرنه محکوم به قصاص است .

ماده ۲۹۳ - اگر مورد جنایت عضو زائد باشد و جانی عضو زائد مشابه نداشته باشد محکوم به دیه است .

کتاب چهارم - دیات

باب اول - تعریف دیه و موارد آن

ماده ۲۹۴ - دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه یا به ولی یا اولیاء دم او داده می شود .

ماده ۲۹۵ - در موارد زیر دیه پرداخت می شود .

الف - قتل یا جرح یا نقص عضو که بطور خطاء محض واقع می شود و آن در صورتی است که جانی نه قصد جنایت نسبت به مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد فعل واقع شده بر او را مانند آنکه تیری را به قصد شکاری رها کند و به شخصی برخورد نماید .

ب - قتل یا جرح یا نقص عضو که بطور خطاء شبیه عمد واقع می شود و آن در صورتی است که جانی قصد فعلی را که نوعا سبب جنایت نمی شود داشته باشد و قصد جنایت را نسبت به مجنی علیه نداشته باشد مانند آنکه کسی را به قصد تادیب بنحوی که نوعا سبب جنایت نمی شود بزند و اتفاقا موجب جنایت گردد یا طبیعی مباشرتا بیماری را بطور متعارف معالجه کند و اتفاقا سبب جنایت بر او شود .

ج - دیه در موارد قصاص که در محل خود ذکر شده است .

تبصره ۱ - جنایتهای عمدی و شبه عمدی دیوانه و نابالغ بمنزله خطاء محض است .

تبصره ۲ - در صورتی که شخصی کسی را به اعتقاد قصاص یا به اعتقاد مهدورالدم بودن بکشد و این امر بر دادگاه ثابت شود و بعدا معلوم گردد که مجنی علیه مورد قصاص و یا مهدورالدم نبوده است قتل به منزله خطاء شبیه عمد است . و اگر ادعای خود را در مورد مهدورالدم بودن مقتول به اثبات برساند قصاص و دیه از او ساقط است لکن



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشدد نویسی

- ۴۳ -

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

به جهت ترک استیذان از حاکم شرع تعزیر می شود .
تبصره ۳- هرگاه بر اثر بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم مهارت و عدم رعایت مقررات مربوط به امری قتل یا ضرب یا جرح واقع شود بنحوی که اگر آن مقررات رعایت می شد حادثهای اتفاق نمی افتاد قتل و یا ضرب و یا جرح در حکم شبه عمد خواهد بود .
ماده ۲۹۶- در مواردی هم که کسی قصد تیراندازی به کسی یا شیئی یا حیوانی را داشته باشد و تیر او به انسان بی گناه دیگری اصابت کند عمل او خطای محض محسوب می شود .

باب دوم - مقدار دیه قتل نفس

ماده ۲۹۷- دیه قتل مرد مسلمان یکی از امور ششگانه ذیل است که قاتل در انتخاب هریک از آنها مخیر می باشد و تلفیق آنها جایز نیست .
۱- یکصد شتر سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد
۲- دویست گاو سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند .
۳- یک هزار گوسفند سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند .
۴- دویست دست لباس سالم از حله های یمن .
۵- یک هزار دینار مسکوک سالم و غیر مغشوش که هر دینار یک مثقال شرعی طلا به وزن ۱۸ نخود است .
۶- ده هزار درهم مسکوک سالم و غیر مغشوش که هر درهم به وزن ۱۲/۶ نخود نقره می باشد .
تبصره - قیمت هریک از امور ششگانه در صورت تراضی طرفین و یا تعدر آنها پرداخت می شود .

ماده ۲۹۸- دیه قتل عمد در مواردی که قصاص ممکن نباشد و یا ولی مقتول به دیه راضی شود یکی از امور ششگانه فوق خواهد بود لکن در کلیه مواردی که شتر به عنوان دیه تعیین می شود لازم است که سن آن از پنج سال گذشته و داخل در سال ششم شده باشد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تندنویسی

شماره

تاریخ

پیوست

- ۴۴ -

بیتعالی

باب سوم - مهلت پرداخت دیه

ماده ۲۹۹ - دیه قتل عمدی یا شبه عمدی در صورتیکه صدمه وفوت هردو در ماه حرام اتفاق افتاده باشد اگر در حرم مکه معظمه یا در یکی از چهار ماه حرام (رجب - ذیقعد - ذیحجه - محرم) واقع شود علاوه بر یکی از موارد ششگانه مذکور در ماده ۲۹۷ به عنوان تشدید مجازات باید یک سوم هر نوعی که انتخاب کرده است اضافه شود و سایر امکنه و ازمنه هر چند متبرک باشند دارای این حکم نیستند .

تبصره - حکم فوق در مواردیکه مقتول از ارقاب قاتل باشد جاری نمی گردد .

ماده ۳۰۰ - دیه قتل زن مسلمان خواه عمدی خواه غیر عمدی نصف دیه مرد مسلمان است .

ماده ۳۰۱ - دیه زن و مرد در جراحت ها یکسان است تا اینکه مقدار دیه جراحت

به ثلث (یک سوم) دیه کامل برسد آنگاه دیه جراحت زن نصف دیه جراحت مرد خواهد بود .

ماده ۳۰۲ - مهلت پرداخت دیه در موارد مختلف از زمان وقوع قتل به ترتیب زیر است .

الف - دیه قتل عمد باید در ظرف یکسال پرداخت شود .

ب - دیه قتل شبهه عمد در ظرف دو سال پرداخت می شود .

ج - دیه قتل خطاء محض در ظرف سه سال پرداخت می شود .

تبصره ۱ - تاخیر از این مهلت ها بدون تراضی طرفین جایز نیست .

تبصره ۲ - دیه قتل جنین و نیز دیه نقص عضو یا جرح به ترتیب فوق پرداخت میشود

باب چهارم - مسوول پرداخت دیه

ماده ۳۰۳ - در قتل عمد و شبهه عمد مسوول پرداخت دیه خود قاتل است .

ماده ۳۰۴ - در قتل خطای محض در صورتیکه قتل بابینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود

پرداخت دیه به عهده عاقله است و اگر با اقرار قاتل یا نکول او از سوگند یا قسامه ثابت شده عهده خود اوست .

ماده ۳۰۵ - اگر قاتل در شبهه عمد حتی با مهلت طولانی قادر به پرداخت دیه

نباشد کسان او به ترتیب الاقرب فالاقرب باید بپردازد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تدوینی

تعلیل

ماده ۳۰۶ - در خطا محض دیه قتل و همچنین دیه جراحت (موضحه) و دیه جنایتهای زیاده‌تر از آن بعهدۀ عاقله می‌باشد و دیه جراحتهای کمتر از آن بعهدۀ خود جانی است.

تبصره - جنایت عمد و شبه عمد نابالغ و دیوانه به منزله خطا محض و برعهده عاقله می‌باشد.

ماده ۳۰۷ - عاقله عبارت است از بستگان نسبی پدر و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث بطوریکه هم‌کسانی که حین الفوت میتوانند ارث ببرند بصورت مساوی عهده‌دار پرداخت دیه خواهند بود.

تبصره - کسی که با عقد ضمان جریره، دیه جنایت دیگری را به عهده گرفته است نیز عاقله محسوب میشود.

ماده ۳۰۸ - زن و نابالغ و دیوانه و معسر جزء عاقله محسوب نمی‌شود و عهده‌دار دیه قتل خطائی نخواهد بود.

ماده ۳۰۹ - هرگاه قتل خطائی با گواهی شهود عادل ثابت شود عاقله عهده‌دار دیه خواهد بود ولی اگر با اقار جانی ثابت شود خود جانی ضامن است.

ماده ۳۱۰ - هرگاه اصل قتل با شهادت شهود عادل ثابت شود و قاتل مدعی گردد که خطا انجام شده و عاقله منکر خطائی بودن آن باشد در صورتیکه عاقله سوگند یاد کند قول عاقله مقدم بر قول جانی می‌باشد.

ماده ۳۱۱ - جنایتهای خطائی که شخص بر خودش وارد آورد بعهدۀ خود اوست و همچنین اتلاف مالی که بطور خطا محض انجام شود بعهدۀ شخص تلف کننده است و عاقله عهده‌دار هیچگونه خسارات مالی در مورد اتلاف خطائی و مانند آن نیست و فقط در خصوص جنایتهای خطائی محض از قتل تا موضعه عهده‌دار میباشد.

ماده ۳۱۲ - هرگاه جانی دارای عاقله نباشد یا عاقله او نتواند دیه را در مدت سه سال بپردازد دیه از بیت المال پرداخت می‌شود.

ماده ۳۱۳ - دیه عمد و شبه عمد بر جانی است لکن اگر فرار کند از مال او گرفته می‌شود و اگر مال نداشته باشد از بستگان نزدیک او یا رعایت الاقرب فالاقرب گرفته می‌شود و اگر بستگانی نداشت یا تمکن نداشتند دیه از بیت المال داده می‌شود.

ماده ۳۱۴ - در موارد قتل خطائی محض دادگاه مکلف است در حین رسیدگی عاقله را دعوت کند تا از خود دفاع نماید.

ماده ۳۱۵ - اگر دو نفر متهم به قتل باشند و هر کدام ادعا کند که دیگری کشته است و علم اجمالی بر وقوع قتل توسط یکی از آن دو نفر باشد و حجت شرعی بر قاتل بودن یکی اقامه نشود و نوبت به دیه برسد با قید قرعه دیه از یکی از آن دو نفر گرفته می‌شود.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تفه نویسی

- ۴۶ -

بسمه تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

باب پنجم - موجبات ضمان

ماده ۳۱۶ - جنایت اعم از آنکه به مباشرت انجام شود یا به تمسبیب یا به اجتماع مباشر و سبب موجب ضمان خواهد بود .

ماده ۳۱۷ - مباشرت آنست که جنایت مستقیماً توسط خود جانی واقع شده باشد .

ماده ۳۱۸ - تمسبیب در جنایت آنست که انسان سبب تلف شدن یا جنایت علیه دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود بطوری که اگر نبود جنایت حاصل نمی شد مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند .

ماده ۳۱۹ - هرگاه طبیبی گرچه حاذق و متخصص باشد در معالجه هائی که شخصا انجام می دهد یا دستور آن را صادر می کند هر چند با اذن مریض یا ولی او باشد باعث تلف جان یا نقص عضو یا خسارت مالی شود ضامن است .

ماده ۳۲۰ - هرگاه ختنه کننده در اثر بریدن بیش از مقدار لازم موجب جنایت یا خسارت شود ضامن است گرچه ماهر بوده باشد .

ماده ۳۲۱ - هرگاه بیطار و دامپزشک گرچه متخصص باشد در معالجه حیوانی هر چند با اذن صاحب او باشد موجب خسارت شود ضامن است .

ماده ۳۲۲ - هرگاه طبیب یا بیطار و مانند آن قبل از شروع به درمان از مریض یا ولی او یا از صاحب حیوان براثت حاصل نماید ، عهده دار خسارت پدید آمده نخواهد بود .

ماده ۳۲۳ - هرگاه کسی در حال خواب بر اثر حرکت و غلطیدن موجب تلف یا نقص عضو دیگری شود جنایت او بمنزله خطاء محض بوده و عاقله او عهده دار خواهد بود .

ماده ۳۲۴ - هرگاه کسی چیزی را همراه خود یا با وسیله نقلیه و مانند آن حمل کند و بشخص دیگری برخورد نموده موجب جنایت گردد در صورت عمد یا شبه عمد ضامن می باشد و در صورت خطاء محض ، عاقله او عهده دار می باشد .

ماده ۳۲۵ - هرگاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد یا سگی را به سوی او برانگیزد یا هر کار دیگری که موجب هراس او گردد انجام دهد مانند فریاد کشیدن یا انفجار صوتی که باعث وحشت می شود و بر اثر این ارباب آن شخص بمیرد اگر این عمل نوعاً کشنده باشد یا با قصد قتل انجام شود گرچه نوعاً کشنده نباشد ، قتل عمد محسوب شده و موجب قصاص است و اگر این عمل نه نوعاً کشنده و نه با قصد قتل انجام بگیرد قتل شبه عمد محسوب شده و دیه آن بر عهده قاتل است .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشدد نویسی

- ۴۷ -

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۳۲۶ - هرگاه کسی دیگری را بترساند و موجب فرار او گردد و آن شخص در حال فرار خود را از جای بلندی پرت کند یا به درون چاهی بیفتد و بمیرد در صورتیکه آن ترساندن موجب زوال اراده و اختیار و مانع تصمیم او گردد ترساننده ضامن است .

ماده ۳۲۷ - هرگاه کسی خود را از جای بلندی پرت کند و بر روی شخصی بیفتد و سبب جنایت گردد در صورتی که قصد انجام جنایت را داشته باشد قتل عمد بوده و قصاص دارد و در صورتی که قصد قتل نداشته ولی قصد پرت شدن را داشته باشد و معمولاً با آن قتل انجام نمی شود قتل شبه عمد بوده دیه در مال او خواهد بود و همچنین است اگر با وجود قصد پرت شدن بی اختیار پرت شود ولی اگر در اثر لغزش یا علل قهری دیگر و بی اختیار به جایی پرت شود و موجب جنایت گردد خودش ضامن است نه عاقله اش .

ماده ۳۲۸ - هرگاه کسی به دیگری صدمه وارد کند و یا کسی را پرت کند و او بمیرد یا مجروح گردد در صورتی که نه قصد جنایت داشته باشد و نه کاری را که قصد نموده است نوعاً سبب جنایت باشد شبه عمد محسوب و عهده دار دیه آن خواهد بود .

ماده ۳۲۹ - هرگاه کسی دیگری را بر روی شخص ثالث پرت کند و آن شخص ثالث بمیرد یا مجروح گردد در صورتی که نه قصد جنایت داشته باشد و نه کاری را که قصد کرده است نوعاً سبب جنایت باشد شبه عمد محسوب و عهده دار دیه می باشد .

ماده ۳۳۰ - هرگاه کسی در ملک خود یا در مکان و راهی که توقف در آن مجاز است توقف کرده یا وسیله نقلیه خود را متوقف کرده باشد و دیگری به او برخورد نماید و مصدوم گردد آن شخص متوقف عهده دار هیچگونه خسارتی نخواهد بود .

ماده ۳۳۱ - هرکس در محل هایی که توقف در آنجا جائز نیست متوقف شده یا شیئی و یا وسیله ای را در این قبیل محل ها مستقر سازد و کسی اشتباهاً و بدون قصد با شخص یا شیئی و یا وسیله مزبور برخورد کند و بمیرد شخص متوقف یا کسی که شیئی یا وسیله مزبور را در محل مستقر ساخته عهده دار پرداخت دیه خواهد بود و نیز اگر توقف شخص مزبور با استقرار شیئی و وسیله مورد نظر موجب لغزش راه گذر و آسیب کسی شود ، مسوول پرداخت دیه صدمه یا آسیب وارده است مگر آنکه عابر با وسعت راه و محل عمداً قصد برخورد داشته باشد که در این صورت نه فقط خسارتی به او تعلق نمی گیرد بلکه عهده دار خسارت وارده نیز میباشد .

ماده ۳۳۲ - هرگاه ثابت شود که مامور نظامی یا انتظامی در اجرای دستور آمر قانونی تیراندازی کرده و هیچگونه متخلف از مقررات نکرده است ضامن دیه مقتول نخواهد بود و جزء مواردی که مقتول و یا مصدوم مهدور الدم نبوده دیه به عهده بیت المال خواهد بود .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشاد نویسی

- ۴۸ -

بی‌تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۳۳۳ - در مواردی که عبور عابر پیاده ممنوع است اگر عبور نماید و راننده‌ای که با سرعت مجاز و مطمئن در حرکت بوده و وسیله نقلیه نیز نقص فنی نداشته است و در عین حال قادر به کنترل نباشد و با عابر برخورد نموده منجر به فوت یا مصدوم شدن وی گردد راننده ضامن دیه و خسارت وارده نیست .

باب ششم - اشتراک در جنایت

ماده ۳۳۴ - هرگاه دو نفر با یکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد کشته شوند هر دو سوار باشند یا پیاده یا یکی سواره و دیگری پیاده باشد در صورت شبه عمد نصف دیه هر کدام از مال دیگری پرداخت می‌شود و در صورت خطا محض نصف دیه هر کدام بر عاقله دیگری است .

ماده ۳۳۵ - هرگاه دو نفر با یکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد یکی از آنها کشته شود در صورت شبه عمد نصف دیه مقتول برد دیگری است و در صورت خطا محض نصف دیه مقتول بر عاقله دیگری است .

تبصره - هرگاه کسی اتفاقاً و بدون قصد به شخصی برخورد کند و موجب آسیب او شود خطا محض می‌باشد .

ماده ۳۳۶ - هرگاه در اثر برخورد دوسوار ، وسیله نقلیه آنها مانند اتومبیل خسارت ببیند در صورتی که تصادم و برخورد به هردو نسبت داده شود و هر دو مقصر باشند یا هیچکدام مقصر نباشند هر کدام نصف خسارت وسیله نقلیه دیگری را ضامن خواهد بود خواه آن دو وسیله از یک نوع باشند یا نباشند و خواه میزان تقصیر آنها مساوی یا متفاوت باشد و اگر یکی از آنها مقصر باشد فقط مقصر ضامن است .

تبصره - تقصیر اعم است از بی احتیاطی ، بی مبالائی ، عدم مهارت ، عدم رعایت نظامات دولتی .

ماده ۳۳۷ - هرگاه دو وسیله نقلیه در اثر برخورد با هم باعث کشته شدن سرنشینان گردند در صورت شبه عمد راننده هریک از دو وسیله نقلیه ضامن نصف دیه تمام سرنشینان خواهد بود و در صورت خطا محض عاقله هر کدام عهده دار نصف دیه تمام سرنشینان می‌باشد و اگر برخورد یکی از آن دو شبه عمد و دیگری خطا محض باشد ضمان بر حسب مورد پرداخت خواهد شد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشد نویسی

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

تبصره - در صورتیکه برخورد دو وسیله نقلیه خارج از اختیار راننده‌ها باشد مانند آنکه در اثر ریزش کوه یا طوفان و دیگر عوامل قهری تصادم حاصل شود هیچگونه ضمانتی در بین نیست .

ماده ۳۳۸ - هرگاه شخصی را که شبانه از منزلش خوانده و بیرون برده‌اند مقصود شود دعوت کننده ضامن دیهاوست مگر اینکه ثابت کند که دیگری او را کشته است . و نیز اگر ثابت شود که به مرگ عادی یا علل قهری در گذشته چیزی بر عهده دعوت کننده نیست .
ماده ۳۳۹ - هرگاه کسی در معبر عام یا هر جای دیگری که تصرف در آن مجاز نباشد چاهی بکند یا سنگ یا چیز لغزندهای بر سر راه عابران قرار دهد یا هر عملی که موجب آسیب یا خسارت عابران گردد انجام دهد عهده دار دیه یا خسارت خواهد بود ولی اگر این اعمال در ملک خود یا در جائی که تصرفش در آن مجاز است واقع شود عهده دار دیه یا خسارت نخواهد بود .

باب هفتم - تسبیب در جنایت

ماده ۳۴۰ - هرگاه در ملک دیگری با اذن او یکی از کارهای مذکور در ماده ۳۳۹ انجام دهد و موجب آسیب یا خسارت شخص ثالث شود عهده دار دیه یا خسارت نمی‌باشد .

ماده ۳۴۱ - هرگاه در معبر عام عملی به مصلحت عابران انجام شود که موجب وقوع جنایت یا خسارتی گردد در صورتی که عامل اقدامی نماید که عرفاً دلالت به مطلع شدن عابرین بنماید ضامن دیه و خسارت نخواهد بود .

ماده ۳۴۲ - هرگاه کسی یکی از کارهای مذکور ماده ۳۳۹ را در منزل خود انجام دهد و شخصی را که در اثر نابینائی یا تاریکی آگاه به آن نیست به منزل خود بخواند عهده دار دیه و خسارت خواهد بود و اگر آن شخص بدون اذن صاحب منزل یا با اذنی که قبل از انجام اعمال مذکور از صاحب منزل گرفته است وارد شود و صاحب منزل مطلع نباشد عهده دار هیچگونه دیه یا خسارت نمی‌باشد .

ماده ۳۴۳ - هرگاه در اثر یکی از عوامل طبیعی مانند سیل و غیره یکی از چیزهای فوق حادث شود و موجب آسیب و خسارت گردد هیچکس ضامن نیست گرچه تمکن بر طرف کردن آنها را داشته باشد و اگر سیل یا مانند آن چیزی را به همراه آورد و کسی آن را به جائی مانند محل اول یا بدتر از آن قرار دهد عهده دار دیه و خسارت های وارده خواهد بود و اگر آن را از وسط جاده بردارد و به گوشه‌ای برای مصلحت عابرین قرار دهد عهده دار چیزی نمی‌باشد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشددویسی

بسم الله تعالی

ماده ۳۴۴ - هرگاه کسی در ملک دیگری عدوانا یکی از کارهای مذکور در ماده ۳۳۹ را انجام دهد و شخص ثالثی که عدوانا وارد آن ملک شده آسیب ببیند عامل عدوانی عهده‌دار دیه و خسارت می‌باشد .

ماده ۳۴۵ - هرگاه کسی کالائی را که به منظور خرید و فروش عرضه می‌شود یا وسیله نقلیه‌ای را در معبر عام قرار دهد و موجب خسارت گردد عهده‌دار آن خواهد بود مگر آنکه مصلحت عابران ایجاب کرده باشد که آنها را موقتاً در معبر قرار دهد .

ماده ۳۴۶ - هرگاه کسی چیز لغزنده‌ای را در معبر بریزد که موجب لغزش رهگذر گردد عهده‌دار دیه و خسارت خواهد بود مگر آنکه رهگذر بالغ عاقل یا ممیز عمداً به روی آنها پا بگذارد .

ماده ۳۴۷ - هرگاه کسی چیزی را بر روی دیوار خود قرار دهد و در اثر حوادث پیش‌بینی نشده به معبر عام بیفتد و موجب خسارت شود عهده‌دار نخواهد بود مگر آنکه آن را طوری گذاشته باشد که عادتاً ساقط می‌شود .

ماده ۳۴۸ - هرگاه ناودان یا بالکن منزل و امثال آن که قرار دادن آن مجاز نبوده و در اثر سقوط موجب آسیب یا خسارت شود مالک آن منزل عهده‌دار خواهد بود و اگر نصب و قرار دادن آن مجاز بوده و اتفاقاً سقوط کند و موجب آسیب یا خسارت گردد مالک منزل عهده‌دار آن نخواهد بود .

ماده ۳۴۹ - هرگاه کسی در ملک خود یا ملک مباح دیگری دیواری را با پایه محکم بنا کرده لکن در اثر حادثه پیش بینی نشده مانند زلزله سقوط کند و موجب خسارت گردد صاحب آن عهده‌دار خسارت نمی‌باشد و همچنین اگر آن دیوار را به سمت ملک خود بنا نموده که اگر سقوط کند طبعاً در ملک او سقوط خواهد کرد لکن اتفاقاً به سمت دیگری سقوط کند و موجب آسیب یا خسارت شود صاحب آن عهده‌دار چیزی نخواهد بود .

ماده ۳۵۰ - هرگاه دیواری را در ملک خود بطور معتدل و بدون میل به یک طرف بنا نماید لکن تدریجاً مایل به سقوط بسمت ملک دیگری شود اگر قبل از آنکه صاحب دیوار تمکن اصلاح آن را پیدا کند ساقط شود و موجب آسیب یا خسارت گردد چیزی بر عهده صاحب دیوار نیست و اگر بعد از تمکن از اصلاح با سهل انگاری سقوط کند و موجب خسارت شود مالک آن ضامن می‌باشد .

ماده ۳۵۱ - هرگاه کسی دیوار دیگری را منحرف و مائل به سقوط نماید آنگاه دیوار ساقط شود و موجب آسیب یا خسارت گردد آن شخص عهده‌دار خسارت خواهد بود .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشدد نویسی

بمقتضای

ماده ۳۵۲ - هرگاه کسی در ملک خود به مقدار نیاز یا زائد بر آن آتش روشن کند و بداند که به جایی سرایت نمی کند و عاداتاً نیز سرایت نکند لکن اتفاقاً بجای دیگر سرایت کند و موجب تلف یا خسارت شود ضامن نخواهد بود .

ماده ۳۵۳ - هرگاه کسی در ملک خود آتش روشن کند که عاداتاً به محل دیگر سرایت می نماید یا بداند که بجای دیگر سرایت خواهد کرد و در اثر سرایت موجب تلف یا خسارت شود عهده دار آن خواهد بود گرچه به مقدار نیاز خودش روشن کرده باشد .

ماده ۳۵۴ - هرگاه کسی در ملک خود آتشی روشن کند و آتش به جایی سرایت نماید و سرایت به او استناد داشته باشد ضامن تلف و خسارتهای وارد می باشد گرچه به مقدار نیاز خود روشن کرده باشد .

ماده ۳۵۵ - هرگاه کسی در ملک دیگری بدون اذن صاحب آن یا در معبر عام بدون رعایت مصلحت رهگذر آتشی را روشن کند که موجب تلف یا خسارت گردد ضامن خواهد بود گرچه اوقصد اتلاف یا اضرار را نداشته باشد .

تبصره - در کلیه مواردی که روشن کننده آتش عهده دار تلف و آسیب اشخاص می باشد باید راهی برای فرار و نجات آسیب دیدگان نباشد و گرنه روشن کننده آتش عهده دار نخواهد بود .

ماده ۳۵۶ - هرگاه کسی آتشی را روشن کند و دیگری مال شخصی را در آن بیاندازد و بسوزاند عهده دار تلف یا خسارت خواهد بود و روشن کننده آتش ضامن نیست .

ماده ۳۵۷ - صاحب هر حیوانی که خطر حمله و آسیب رساندن آن را می داند باید آن را حفظ نماید و اگر در اثر افعال و سهل انگاری موجب تلف یا خسارت گردد صاحب حیوان عهده دار می باشد و اگر از حال حیوان که خطر حمله و زیان رساندن به دیگران در آن هست آگاه نباشد یا آنکه آگاه باشد ولی توانائی حفظ آن را نداشته باشد و در نگهداری او کوتاهی نکند عهده دار خسارتش نیست .

ماده ۳۵۸ - هرگاه حیوانی به کسی حمله کند و آن شخص بعنوان دفاع از خود به مقدار لازم او را دفع نماید و همین دفاع موجب مردن یا آسیب دیدن آن حیوان شود شخص دفاع کننده ضامن نمی باشد و همچنین اگر آن حیوان را از هجوم به نفس یا مال محترم بعنوان دفاع به مقدار لازم بازدارد و همین کار موجب تلف یا آسیب او شود عهده دار نخواهد بود .

تبصره - هرگاه در غیر مورد دفاع یا در مورد دفاع بیش از مقدار لازم به آن آسیب وارد شود شخص آسیب رساننده ضامن می باشد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشه نویسی

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۳۵۹ - هرگاه با سهل انگاری و کوتاهی مالک حیوانی به حیوان دیگر حمله کند و آسیب برساند مالک آن عهده دار خسارت خواهد بود و هرگونه خسارتی بر حیوان حمله کننده و مهاجم وارد شود کسی عهده دار آن نمی باشد .

ماده ۳۶۰ - هرگاه کسی با اذن وارد خانه کسی بشود و سگ خانه به او آسیب برساند صاحب خانه ضامن می باشد خواه آن سگ قبلاً در خانه بوده یا بعداً وارد شده باشد و خواه صاحب خانه بداند که آن حیوان او را آسیب می رساند و خواه نداند .

ماده ۳۶۱ - هرگاه کسی حیوانی را در جایی متوقف نماید ضامن تمام خسارتهائی است که آن حیوان وارد می کند .

ماده ۳۶۲ - هرگاه کسی حیوانی را بزند و آن حیوان در اثر زدن خسارتی وارد نماید آن شخص زننده عهده دار خسارتهای وارد خواهد بود .

باب هشتم - اجتماع سبب و مباشر یا اجتماع چند سبب

ماده ۳۶۳ - هرگاه دو نفر در ارتکاب جنایتی یکی بنحو سبب و دیگری بنحو مباشر دخالت داشته باشند در صورتیکه تاثیر هر دو مساوی باشد یا تاثیر مباشر بیشتر باشد فقط مباشر ضامن است و در غیر این صورت فقط سبب ضامن خواهد بود .

ماده ۳۶۴ - در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد .

ماده ۳۶۵ - هرگاه دو نفر در وقوع جنایتی به نحو سبب دخالت داشته باشند و عمل هر دو نفر نیز عدوانی بوده کسی که تاثیر کار او در وقوع جنایت قتل از تاثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تاثیر سبب دیگری باشد ضامن خواهد بود . مانند آنکه یکی از آن دو نفر چاهی حفر نماید و دیگری سنگی را در کنار آن قرار دهد و عابر به سبب برخورد با سنگ به چاه افتد کسی که سنگ را گذارده ضامن است و چیزی بعهد حفر کننده نیست و اگر عمل یکی از آن دو عدوانی و دیگری غیر عدوانی باشد فقط شخص متعدی ضامن خواهد بود .

ماده ۳۶۶ - هرگاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی شوند بطور تساوی عهده دار خسارت خواهند بود .

ماده ۳۶۷ - هرگاه بر اثر ایجاد سببی دو نفر تصادم کنند و بعلت تصادم کشته شوند یا آسیب ببینند سبب ضامن خواهد بود .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشددوسی

بسم الله تعالی

باب نهم - دیه اعضا

ماده ۳۶۸ - هرچنانیتی که بر عضو کسی وارد شود و شرعا مقدار خاصی بعنوان دیه برای آن تعیین نشده باشد جانی باید ارش بپردازد .

فصل اول - دیه مو

ماده ۳۶۹ - هرگاه کسی موی سر یا صورت مردی را طوری از بین ببرد که دیگر نروید عهده دار دیه کامل خواهد بود و اگر دوباره بروید نسبت به موی سر ضامن ارش است و نسبت به ریش ثلث دیه کامل را عهده دار خواهد بود .

ماده ۳۷۰ - هرگاه کسی موی سر زنی را طوری از بین ببرد که دیگر نروید ضامن دیه کامل زن می باشد و اگر دوباره بروید عهده دار مهرالمثل خواهد بود و در این حکم فرقی میان کوچک و بزرگ نیست .

تبصره - اگر مهرالمثل بیش از دیه کامل باشد فقط به مقدار دیه کامل پرداخت می شود .

ماده ۳۷۱ - هرگاه مقداری از موهای از بین رفته دوباره بروید و مقدار دیگر نروید نسبت مقداری که نمی روید با تمام سر ملاحظه می شود و دیه به همان نسبت دریافت می گردد .

ماده ۳۷۲ - تشخیص روئیدن مجدد مو و نروئیدن آن با خبره است و اگر طبق نظر خبره دیه یا ارش پرداخت شده و بعد از آن دوباره روئید باید مقدار زائد بر ارش به جانی مسترد شود .

ماده ۳۷۳ - دیه موهای مجموع دو ابرو در صورتیکه هرگز نروید پانصد دینار است و دیه هر کدام دو بیست و پنجاه دینار و دیه هر مقدار از یک ابرو بهمان نسبت خواهد بود و اگر دوباره روئیده شود در همه موارد ارش است و اگر مقداری از آن دوباره روئیده شود و مقدار دیگر هرگز نروید نسبت به آن مقدار که مجددا روئیده شود ارش است و نسبت به آن مقدار که روئیده نمی شود دیه با احتساب مقدار مساحت تعیین می شود .

ماده ۳۷۴ - از بین بردن موهای پلک چشم موجب ارش است خواه دوباره بروید خواه نروید و خواه تمام آن باشد و خواه بعض آن .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشه نویسی

- ۵۴ -

بسمه تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۳۷۵ - از بین بردن مو در صورتی موجب ديه يا ارش می شود که به تنهائی باشد نه با از بین بردن عضو یا کندن پوست و مانند آن که در این موارد فقط ديه عضو قطع شده یا مانند آن پرداخت می گردد .

فصل دوم - ديه چشم

ماده ۳۷۶ - از بین بردن دو چشم سالم موجب ديه کامل است و ديه هر کدام از آنها نصف ديه کامل خواهد بود .

تبصره - تمام چشم هائیکه بینائی دارند در حکم فوق یکسانند گرچه از لحاظ ضعف و بیماری و شکوری و لوچ بودن با یکدیگر فرق داشته باشند .

ماده ۳۷۷ - چشمی که درسیاهی آن لکه سفیدی باشد اگر مانع دیدن نباشد ديه آن کامل است و اگر مانع مقداری از دیدن باشد بطوریکه تشخیص ممکن باشد بهمان نسبت از ديه کاهش می یابد و اگر بطورکلی مانع دیدن باشد در آن ارش است نه ديه .

ماده ۳۷۸ - ديه چشم کسی که دارای یک چشم سالم و بینا باشد و چشم دیگرش نابینای مادرزاد بوده یا در اثر بیماری یا علل غیرجنائی از دست رفته باشد ديه کامل است و اگر چشم دیگرش را در اثر قصاص یا جنایتی از دست داده باشد ديه آن نصف ديه است .

ماده ۳۷۹ - کسی که دارای یک چشم بینا و یک چشم نابینا است ديه چشم نابینای او ثلث ديه کامل است خواه چشم او مادرزاد نابینا بوده است یا در اثر جنایت نابینا شده باشد .

ماده ۳۸۰ - ديه مجموع چهار پلک دو چشم ديه کامل خواهد بود و ديه پلکهای بالا ثلث ديه کامل و ديه پلکهای پائین نصف ديه کامل است .

فصل سوم - ديه بینی

ماده ۳۸۱ - از بین بردن تمام بینی دفعتاً یا نرمة آن که پائین قصب و استخوان بینی است موجب ديه کامل است و از بین بردن مقداری از نرمة بینی موجب همان نسبت ديه میباشد .

ماده ۳۸۲ - از بین بردن مقداری از استخوان بینی بعد از بریدن نرمة آن موجب ديه کامل و ارش می باشد .

ماده ۳۸۳ - اگر باشکستن یا سوزاندن یا امثال آن بینی را فاسد کنند در صورتی که اصلاح نشود موجب ديه کامل است و اگر بدون عیب جبران نشود موجب یکصد دینار میباشد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشه نویسی

- ۵۵ -

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۳۸۴ - فلج کردن بینی موجب دوثلث دیه کامل است و از بین بردن بینی فلج موجب ثلث دیه کامل می باشد .

ماده ۳۸۵ - از بین بردن هریک از سوراخهای بینی موجب ثلث دیه کامل است و سوراخ کردن بینی بطوری که هردو سوراخ و پرده فاصل میان آن پاره شود یا آنکه آن را سوراخ نماید در صورتی که باعث از بین رفتن آن نشود موجب ثلث دیه کامل است و اگر جبران و اصلاح شود موجب خمس دیه می باشد .

ماده ۳۸۶ - دیه از بین بردن نوک بینی که محل چکیدن خون است نصف دیه کامل می باشد .

فصل چهارم - دیه گوش

ماده ۳۸۷ - از بین بردن مجموع دو گوش دیه کامل دارد و از بین بردن هر کدام نصف دیه کامل و از بین بردن مقداری از آن موجب دیه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام گوش خواهد بود .

ماده ۳۸۸ - از بین بردن نرمة گوش ثلث دیه آن گوش را دارد و از بین بردن قسمتی از آن موجب دیه به همان نسبت خواهد بود .

ماده ۳۸۹ - پاره کردن گوش ثلث دیه دارد .

ماده ۳۹۰ - فلج کردن گوش دوثلث دیه و بریدن گوش فلج ثلث دیه را دارد .

تبصره - هرگاه آسیب رساندن به گوش به حسن شنوائی سرایت کند و به آن آسیب رساند یا موجب سرایت به استخوان و شکستن آن شود برای هر کدام دیه جداگانه ای خواهد بود .

ماده ۳۹۱ - گوش سالم و شنوا و گوش کر در احکام مذکور در موارد فوق یکسانند .

فصل پنجم - دیه لب

ماده ۳۹۲ - از بین بردن مجموع دو لب دیه کامل دارد و از بین بردن هر کدام از لبها نصف دیه کامل و از بین بردن هر مقداری از لب موجب دیه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام لب خواهد بود .

ماده ۳۹۳ - جنایتی که لبها را جمع کند و در اثر آن دندانها را بپوشاند موجب مقداری است که حاکم آن را تعیین می نماید .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشد فویسی

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۳۹۴ - جنایتی که موجب سست شدن لب‌ها بشود بطوری که باخنده و مانند آن ازدندانها کنار نرود موجب دو ثلث دیه کامل می‌باشد .
ماده ۳۹۵ - ازبین بردن لب‌های فلج و بی‌حس ثلث دیه دارد .
ماده ۳۹۶ - شکافتن یک‌پایه لب بطوری که دندان‌ها نمایان شوند موجب ثلث دیه کامل است و در صورت اصلاح و خوب شدن خمس دیه کامل خواهد بود .

فصل ششم - دیه زبان

ماده ۳۹۷ - ازبین بردن تمام زبان سالم یا لال کردن انسان سالم یا ضربه مغزی و مانند آن دیه کامل دارد و بریدن تمام زبان لال ثلث دیه کامل خواهد بود .
ماده ۳۹۸ - ازبین بردن مقداری از زبان لال موجب دیه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام زبان خواهد بود ولی دیه قسمتی از زبان سالم به نسبت از دست دادن قدرت ادای حروف خواهد بود .
ماده ۳۹۹ - تعیین مقدار دیه جنایتی که بر زبان وارد شده و موجب ازبین رفتن حروف نشود لکن باعث عیب گردد با تعیین حاکم خواهد بود .
ماده ۴۰۰ - هرگاه مقداری از زبان را کسی قطع کند که باعث ازبین رفتن قدرت ادای مقداری از حروف باشد و دیگری مقدار دیگر را که باعث ازبین رفتن مقداری از باقی حروف گردد دیه به نسبت ازبین رفتن قدرت ادای حروف می‌باشد .
ماده ۴۰۱ - بریدن زبان کودک قبل از حد سخن گفتن موجب دیه کامل است .
ماده ۴۰۲ - بریدن زبان کودکی که به حد سخن گفتن رسیده ولی سخن نمی‌گوید ثلث دیه دارد و اگر بعدا معلوم شود که زبان او سالم و قدرت تکلم داشته دیه کامل محسوب و بقیه از جانی گرفته می‌شود .
ماده ۴۰۳ - هرگاه جنایتی موجب لال شدن گردد و دیه کامل از جانی گرفته شود و دوباره زبان به حال اول برگردد و سالم شود دیه مسترد خواهد شد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تندنویسی

بسمه تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

فصل هفتم - دیه دندان

ماده ۴۰۴ - از بین بردن تمام دندانهای بیست و هشتگانه دیه کامل دارد و به ترتیب زیر توزیع می شود .

۱ - هریک از دندانهای جلو که عبارتند از پیش و چهارتائی و نیش که از هر کدام دو عدد در بالا دو عدد در پائین می روید و جمعا دوازده تا خواهد بود ، پنجاه دینار و دیه مجموع آنها شصت دینار می شود .

۲ - هریک از دندانهای عقب که در چهار سمت پایانی از بالا و پائین در هر کدام یک ضاحک و سه ضرس قرار دارد و جمعا شانزده تا خواهد بود بیست و پنج دینار و دیه مجموع آنها چهارصد دینار می شود .

ماده ۴۰۵ - دندانهای اضافی به هرنام که باشد و بهر طرز که روئیده شود دیه ای ندارد و اگر در کندن آنها نقصی حاصل شود تعیین مقدار جریمه آن با حاکم است و اگر هیچگونه نقصی حاصل نشود جریمه مالی نخواهد داشت ولی در صورت تعدی بعنوان تعزیر بنظر حاکم تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می شود .

ماده ۴۰۶ - هرگاه دندانها از بیست و هشت تا کمتر باشد بهمان نسبت از دیه کامل کاهش می یابد خواه خلقتا کمتر باشد یا در اثر عارضای کم شده باشد .

ماده ۴۰۷ - فرقی میان دندانهایی که دارای رنگهای گوناگون می باشد نیست و اگر دندانی در اثر جنایت سیاه شود و نیافتد دیه آن دوثلث دیه همان دندان است که سالم باشد و دیه دندانی که قبلا سیاه شده ثلث همان دندان سالم است .

ماده ۴۰۸ - شکاف (اشقاق) دندان که بدون کندن و از بین بردن آن باشد تعیین جریمه مالی آن با حاکم است .

ماده ۴۰۹ - شکستن آن مقدار از دندان که نمایان است با بقاء ریشه دیه کامل آن دندان را دارد و اگر بعد از شکستن مقدار مزبور کسی بقیه را از ریشه بکند جریمه آن بانظر حاکم تعیین می شود خواه کسی که بقیه را از ریشه کند همان کسی باشد که مقدار نمایان دندان را شکسته یا دیگری .

ماده ۴۱۰ - کندن دندان شیری کودک که دیگر بجای آن دندان نروید دیه کامل آنرا دارد و اگر بجای آن دندان بروید دیه هر دندان شیری که کند مشدیکدم دیه کامل می باشد .
ماده ۴۱۱ - دندانی که کند شود دیه کامل دارد گرچه همان را در محلش قرار دهند و دوباره مانند سابق شود .

ماده ۴۱۲ - هرگاه دندان دیگری بجای دندان اصلی کنده شده قرار گیرد و مانند دندان اصلی شود کندن آن دیه کامل دارد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشد نویسی

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

فصل هشتم - دیه گردن

- ماده ۴۱۳ - شکستن گردن بطوری که گردن کج شود دیه کامل دارد .
- ماده ۴۱۴ - جنایتی که موجب کج شدن گردن شود و همچنین جنایتی که مانع فرو بردن غذا گردد جرمه آن بانظر حاکم تعیین می شود .
- ماده ۴۱۵ - هرگاه جنایتی که موجب کج شدن گردن و همچنین مانع فرو بردن غذا شده اثر آن زایل گردد دیه ندارد فقط باید ارش پرداخت شود گرچه بعد از برطرف شدن اثر آن بادشواری بتواند گردن را مستقیم نگه بدارد یا غذا را فرو ببرد .

فصل نهم - دیه فک

- ماده ۴۱۶ - ازبین بردن مجموع دو فک دیه کامل دارد و دیه هر کدام آنها پانصد دینار می باشد و ازبین بردن مقداری از هریک موجب دیه مساحت همان مقدار است و دیه ازبین بردن یک فک با مقداری از فک دیگر نصف دیه با احتساب دیه مساحت فک دیگر خواهد بود .
- ماده ۴۱۷ - دیه فک مستقل از دیه دندان می باشد و اگر فک بادنندان ازبین برود دیه هریک جداگانه محسوب می گردد .
- ماده ۴۱۸ - جنایتی که موجب نقص فک شود یا باعث دشواری و نقص جویدن گردد تعیین جرمه مالی آن با نظر حاکم است .

فصل دهم - دیه دست و پا

- ماده ۴۱۹ - ازبین بردن مجموع دودست تا مفصل مچ دیه کامل دارد و دیه هر کدام از دست ها نصف دیه کامل است خواه مجنی علیه دارای دو دست باشد یا یک دست و دست دیگر را خلقتا یا در اثر سانحه ای از دست داده باشد .
- ماده ۴۲۰ - دیه قطع انگشتان هر دست تنها یا تا مچ پانصد دینار است .
- ماده ۴۲۱ - جرمه مالی بریدن کف دست که خلقتا بدون انگشت بوده و یا در اثر سانحه ای بدون انگشت شده است بانظر حاکم تعیین می شود .
- ماده ۴۲۲ - دیه قطع دست تا آرنج پانصد دینار است خواه دارای کف باشد و خواه نباشد و همچنین دیه قطع دست تا شانه پانصد دینار است خواه آرنج داشته باشد خواه نداشته باشد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و فتاوی

- ۵۹ -

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۴۲۳ - دیه دستی که دارای انگشت است اگر بیش از مفصل مچ قطع شود و یا بالاتر از آرنج قطع گردد پانصد دینار است باضافه آنچه که حاکم با در نظر گرفتن مساحت زائد تعیین می کند .

ماده ۴۲۴ - کسی که از مچ یا آرنج یا شانه اش دودست داشته باشد دیه دست اصلی پانصد دینار است و جریمه دست زائد بانظر حاکم تعیین می گردد و اگر یک نفر هردو را قطع کند باید دیه اصل و جریمه زائد را بپردازد خواه باهم یا جداگانه قطع کند .
تشخیص دست اصلی و زائد بنظر خبره خواهد بود .

ماده ۴۲۵ - دیه ده انگشت دودست و همچنین دیه ده انگشت دویا دیه کامل خواهد بود ، دیه هرانگشت عشر دیه کامل است .

ماده ۴۲۶ - دیه هرانگشت به عدد بندهای آن انگشت تقسیم می شود و بریدن هربندی از انگشت های غیر شست ثلث دیه انگشت سالم و در شست نصف دیه شست سالم است .

ماده ۴۲۷ - دیه انگشت زائد ثلث دیه انگشت اصلی است و دیه بندهای زائد ثلث دیه بند اصلی است .

ماده ۴۲۸ - دیه فلج کردن هرانگشت دوثلث دیه انگشت سالم است و دیه قطع انگشت فلج ثلث دیه انگشت سالم است .

ماده ۴۲۹ - احکام مذکور در مواد این فصل دریا نیز جاری است .

فصل یازدهم - دیه ناخن

ماده ۴۳۰ - کندن ناخن بطوری که دیگر نروید یا فاسد و سیاه بروید ده دینار و اگر سالم و سفید بروید پنج دینار است .

فصل دوازدهم - دیه ستون فقرات

ماده ۴۳۱ - شکستن ستون فقرات دیه کامل دارد خواه اصلا درمان نشود یا بعد از علاج بصورت کمان و خمیدگی درآید یا آنکه بدون عصا نتواند راه برود یا توانائی جنسی او از بین برود یا مبتلا به سلس و ریزش ادرار گردد و نیز دیه جنایتی که باعث خمیدگی پشت شود یا آنکه قدرت نشستن یا راه رفتن را سلب نماید دیه کامل خواهد بود .

ماده ۴۳۲ - هرگاه بعد از شکستن یا جنایت وارد نمودن بر ستون فقرات معالجه موثر شود و اثری از جنایت نماند جانی باید یکصد دینار بپردازد .

ماده ۴۳۳ - هرگاه شکستن ستون فقرات باعث فلج شدن هردو پا شود برای شکستن دیه کامل و برای فلج دویا دوثلث دیه کامل منظور می گردد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تفهیم

- ۶۰ -

بسم الله الرحمن الرحیم

شماره

تاریخ

پیوست

فصل سیزدهم - دیه نخاع

ماده ۴۳۴ - قطع تمام نخاع دیه کامل دارد و قطع بعضی از آن به نسبت مساحت خواهد بود .

ماده ۴۳۵ - هرگاه قطع نخاع موجب عیب عضو دیگر شود اگر آن عضو دارای دیه معین باشد بر دیه کامل قطع نخاع افزوده می گردد و اگر آن عضو دارای دیه معین نباشد جریمه ای که بانظر حاکم تعیین می شود بر دیه کامل قطع نخاع افزوده خواهد شد .

فصل چهاردهم - دیه بیضه

ماده ۴۳۶ - قطع دو بیضه دفعتاً دیه کامل و قطع بیضه چپ و دو ثلث دیه و قطع بیضه راست ثلث دیه دارد .

تبصره - فرقی در حکم مذکور بین جوان و پیرو کودک و بزرگ و عنین و سالم و مانند آن نیست .

ماده ۴۳۷ - دیه ایجاد فتق دو بیضه چهار صد دینار است و اگر ایجاد فتق مانع راه رفتن مفید شود دیه آن هشتصد دینار خواهد بود .

فصل پانزدهم - دیه دنده

ماده ۴۳۸ - دیه هریک از دنده هائی که در پهلوی چپ واقع شده و محیط به قلب می باشد بیست و پنج دینار و دیه سایر دنده ها ده دینار است .

فصل شانزدهم - دیه استخوان زیر گردن

ماده ۴۳۹ - شکستن مجموع دو استخوان ترقوه دیه کامل دارد و به شکستن هر کدام از آنها که درمان نشود یا با عیب درمان شود نصف دیه کامل است و اگر بخوبی درمان شود چهل دینار می باشد .

فصل هفدهم - دیه نشیمن گاه

ماده ۴۴۰ - شکستن استخوان نشیمن گاه (دنبالچه) که موجب شود مجنی علیه قادر به ضبط مدفوع نباشد دیه کامل دارد و اگر قادر به ضبط مدفوع باشد و قادر به ضبط یادر نباشد جریمه مالی بانظر حاکم تعیین می شود .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تفهیمی

بسمه تعالی

ماده ۴۴۱ - ضربهای که به حدفاصل بیضه‌ها و دبر واقع شود و موجب عدم ضبط ادرار و مدفوع گردد دیه کامل دارد و همچنین اگر ضربه به محل دیگری وارد آید که در اثر آن ضبط ادرار و مدفوع در اختیار مجنی علیه نباشد .

ماده ۴۴۲ - اگر در اثر فشاری که بوسیله پا یا چیز دیگر بر شکم مجنی علیه وارد آید و باعث خروج بول یا غائط شود باید ثلث دیه کامل پرداخت شود .

ماده ۴۴۳ - از بین بردن بکارت دختر با انگشت که باعث شود او نتواند ادرار را ضبط کند علاوه بر دیه کامل زن ، مهرالمثل نیز دارد .

فصل هجدهم - دیه استخوانها

ماده ۴۴۴ - دیه شکستن استخوان هر عضوی که برای آن عضو دیه معینی است خمس آن می باشد و اگر معالجه شود و بدون عیب گردد دیه آن چهارپنجم دیه شکستن آن است و دیه کوبیدن آن ثلث دیه آن عضو و در صورت درمان بدون عیب چهارپنجم دیه کوبیدن عضو می باشد .

ماده ۴۴۵ - در جدا کردن استخوان از عضو بطوری که آن عضو بی فائده گردد دو ثلث دیه همان عضو است و اگر بدون عیب درمان شود ، دیه آن چهارپنجم دیه اصل جدا کردن می باشد .

فصل نوزدهم - دیه عقل

ماده ۴۴۶ - هر جنایتی که موجب زوال عقل گردد دیه کامل دارد و اگر موجب نقصان آن شود ارش دارد .

ماده ۴۴۷ - از بین بردن عقل یا کم کردن آن موجب قصاص نخواهد شد .

ماده ۴۴۸ - هرگاه در اثر جنایتی مانند ضربه مغزی و شکستن سر یا بریدن دست ، عقل زائل شود برای هر کدام دیه جداگانه خواهد بود و تداخل نمی شود .

ماده ۴۴۹ - هرگاه در اثر جنایتی عقل زایل شود و دیه کامل از جانی دریافت شود و دوباره عقل برگردد دیه مسترد می شود و جریمه مالی آن با نظر حاکم تعیین خواهد شد .

ماده ۴۵۰ - مرجع تشخیص زوال عقل یا نقصان آن خبره معتمد می باشد و اگر در اثر اختلاف رای خبرگان زوال یا نقصان عقل ثابت نشود قول جانی با سوگند مقدم بر قول مجنی علیه است .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تدنویسی

- ۶۲ -

بی‌تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

فصل بیستم - دیه حس شنوائی

ماده ۴۵۱ - ازبین بردن حس شنوائی مجموع دوگوش دیه کامل و ازبین بردن حس شنوائی یکگوش نصف دیه کامل دارد گرچه شنوائی یکی از آن دو قوی‌تر از دیگری باشد .

ماده ۴۵۲ - هرگاه کسی فاقد حس شنوائی یکی از گوش‌ها باشد کر کردن گوش سالم او نصف دیه دارد .

ماده ۴۵۳ - هرگاه معلوم باشد که حس شنوائی برنمیگردد یا خبر معتمد گواهی دهد که برنمی‌گردد دیه مستقر میشود و اگر چه خبر معتمد امید به برگشت آن را داشته و با سپری شدن مدت انتظار ، حس شنوائی برنگردد دیه استقرار پیدا می‌کند و اگر شنوائی قبل از دریافت دیه برگردد ارزش ثابت می‌شود و اگر بعد از دریافت آن برگردد دیه مسترد نمیشود و اگر مجنی علیه قبل از دریافت دیه بمیرد دیه ثابت خواهد بود .

ماده ۴۵۴ - هرگاه با بریدن هر دو گوش شنوائی ازبین برود دو دیه کامل لازم است و هرگاه با بریدن یک گوش حس شنوائی بطور کلی ازبین برود یک دیه کامل و نصف دیه لازم می‌شود اگر با جنایت دیگری حس شنوائی از بین برود هم دیه جنایت لازم است و هم دیه شنوائی .

تبصره - هرگاه خبر معتمد گواهی دهد که شنوائی ازبین نرفته ولی در مجرای آن نقصی رخ داده که مانع شنوائی است همان دیه شنوائی ثابت است .

ماده ۴۵۵ - هرگاه کودکی که زبان باز نکرده در اثر کر شدن نتواند سخن بگوید جانی علاوه بر دیه شنوائی به پرداخت ارزش بانظر حاکم محکوم می‌شود .

ماده ۴۵۶ - هرگاه در اثر جنایتی حس شنوائی و گویایی ازبین برود دو دیه کامل دارد .

ماده ۴۵۷ - اگر کسی سبب پاره شدن پرده گوش دیگری شود ارزش آن بانظر حاکم خواهد بود .

ماده ۴۵۸ - در صورت اختلاف جانی و مجنی علیه هرگاه بانظر خبره معتمد موضوع روشن نشود مورد از باب لوث است و مجنی علیه با قسامه دیه را دریافت خواهد کرد .

فصل بیست و یکم - دیه بینائی

ماده ۴۵۹ - ازبین بردن بینائی هر دو چشم دیه کامل دارد و ازبین بردن بینائی یک چشم نصف دیه کامل دارد .

تبصره - فرقی در حکم مذکور بین چشم تیزبین یا لوچ یا شب‌کور و مانند آن نمیباشد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشه نویسی

- ۶۳ -

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۴۶۰ - هرگاه باکندن حدقه چشم ، بینائی از بین برود دیه آن بیش از دیه کندن حدقه نخواهد بود و اگر در اثر جنایت دیگر مانند شکستن سر ، بینائی از بین برود هم دیه جنایت یا ارش آن لازم است و هم دیه بینائی .

ماده ۴۶۱ - در صورت اختلاف بین جانی و مجنی علیه با گواهی دو مرد خبره عادل یا یک خبره مرد و دو زن خبره عادل به اینکه بینائی از بین رفته و دیگر بر نمی گردد یا اینکه بگویند بر میگردد ولی مدت آن را تعیین نکنند دیه ثابت می شود و همچنین اگر برای برگشت آن مدتی تعیین نمایند و آن مدت سپری شود و بینائی برنگردد دیه ثابت خواهد بود .

و هرگاه مجنی علیه قبل از سپری شدن مدت تعیین شده بمیرد دیه استقرار می یابد و همچنین اگر دیگری حدقه او را بکند دیه بینائی برجانی اول ثابت خواهد بود . و هرگاه بینائی برگردد و شخص دیگری آن چشم را بکند ، برجانی اول فقط ارش لازم می باشد .

ماده ۴۶۲ - هرگاه مجنی علیه مدعی شود که بینائی هر دو چشم یا یک چشم او کم شده با آزمایش و سنجش با همسالان یا با مقایسه با چشم دیگری تفاوت پرداخت می شود .
ماده ۴۶۳ - هرگاه مجنی علیه ادعا کند که بینائی او زایل شده و شهادت سی از متخصصان در بین نباشد حاکم او را با قسامه سوگند می دهد و بنفع او حکم صادر می کند . تبصره - قسامه در این مورد شش قسم است اعم از اینکه پنج نفر دیگر و خود مدعی قسم یاد کنند یا کمتر یا خود مدعی به تنهائی .

فصل بیست و دوم - دیه حس بویائی

ماده ۴۶۴ - از بین بردن حس بویائی هر دو مجرای بینی دیه کامل دارد و در صورت از بین بردن بویائی یک مجری نصف دیه است و قاضی در این مورد قبل از صدور حکم باید به طرفین تکلیف صلح بنماید .

ماده ۴۶۵ - در صورت اختلاف بین جانی و مجنی علیه هرگاه با آزمایش یا با مراجعه به دو متخصص عادل از بین رفتن حس بویائی یا کم شدن آن ثابت نشود با قسامه (طبق تبصره ماده ۴۶۳) به نفع مدعی حکم می شود .

ماده ۴۶۶ - هرگاه حس بویائی قبل از پرداخت دیه برگردد جریمه ای که با نظر حاکم تعیین می شود پرداخت خواهد شد و اگر بعد از آن برگردد باید مصالحه نمایند و اگر مجنی علیه قبل از سپری شدن مدت انتظار برگشت بویائی بمیرد دیه ثابت می شود .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تندرستی

- ۶۴ -

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۴۶۷ - هرگاه در اثر بریدن بینی حس بویائی از بین برود دو ديه لازم می شود و اگر در اثر جنایت دیگر بویائی از بین رفت ديه جنایت بر ديه بویائی افزوده می شود و اگر آن جنایت ديه معین نداشته باشد جریمه ای که بانظر حاکم تعیین می گردد بر ديه بویائی اضافه خواهد شد .

فصل بیست و سوم - ديه چشائی

ماده ۴۶۸ - ارش از بین بردن حس چشائی بانظر حاکم تعیین می شود .
ماده ۴۶۹ - هرگاه با بریدن زبان حس چشائی از بین برود بیش از ديه زبان نخواهد بود و اگر با جنایت دیگری حس چشائی از بین برود ديه یا جریمه آن جنایت بر ديه حس چشائی افزوده می گردد .
ماده ۴۷۰ - در صورتی که حس چشائی برگردد ديه مسترد می شود .
ماده ۴۷۱ - اگر اختلاف جانی و مجنی علیه در زوال یا نقصان حس چشائی با آزمایش یا مراجعه به دو متخصص عادل بر طرف نشود با قسامه مدعی حسب مورد حکم به نفع اوصار می شود .

فصل بیست و چهارم - ديه صوت و گویایی

ماده ۴۷۲ - از بین بردن صوت شخص بطور کامل که نتواند صدایش را آشکار کند ديه کامل دارد گرچه بتواند با اخفات و آهسته صدایش را برساند .
ماده ۴۷۳ - از بین بردن گویائی بطور کامل که نتواند اصلا سخن بگوید نیز ديه کامل دارد .
ماده ۴۷۴ - ارش جنایتی که موجب نقصان صوت شود بطوری که نتواند صدایش را صریح برساند بانظر حاکم تعیین می شود .
ماده ۴۷۵ - ارش جنایتی که باعث از بین رفتن صوت نسبت به بعضی از حروف شود باید با مصالحه معلوم گردد .

فصل بیست و پنجم - ديه زوال منافع

ماده ۴۷۶ - جنایتی که موجب سلس و ریزش ادرار شود به ترتیب زیر ديه معین دارد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و قنده نویسی

- ۶۵ -

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

الف - در صورت دوام آن در کلیه ایام تا پایان هر روز دیه کامل دارد .
 ب - در صورت دوام آن در کلیه روزها تا نیمی از هر روز دو ثلث دیه دارد .
 ج - در صورت دوام آن در کلیه روزها تا هنگام برآمدن روز ثلث دیه دارد .
 تبصره - هرگاه سلس و ریزش ادرار در بعضی از روزها بود و بعدا خوب شود جریمه آن با نظر حاکم تعیین می شود .
 ماده ۴۷۷ - ارش اعمال ارتكابی زیر بانظر حاکم تعیین می شود .
 الف - باعث از بین رفتن انزال شود .
 ب - قدرت تولید مثل و بارداری را از بین ببرد .
 ج - لذت مقاربت را از بین ببرد .
 ماده ۴۷۸ - جنایتی که باعث از بین رفتن توان مقاربت بطور کامل شود دیه کامل دارد .
 ماده ۴۷۹ - هر جنایتی که موجب زوال یا نقص بعضی از منافع گردد مانند خواب - لمس یا موجب پدید آمدن بعضی از بیماریها شود و دیه آن معین نشده است ارش آن با نظر حاکم تعیین می شود .
 ماده ۴۸۰ - هرگاه آلت رجولیت مرد از محل ختنهگاه و یا بیشتر قطع شود دیه کامل دارد و کمتر از ختنهگاه به نسبت مساحت ختنهگاه احتساب میگردد و بیه همان نسبت از دیه پرداخت خواهد شد .
 ماده ۴۸۱ - هرگاه آلت زنانه کلا قطع شود دیه کامل دارد و هرگاه یکطرف آن قطع شود نصف دیه دارد .

باب دهم - دیه جراحات

فصل اول - دیه جراحت سر و صورت

ماده ۴۸۲ - دیه جراحت سر و صورت به ترتیب زیر است .
 ۱ - حارصه . خراش پوست بدون آنکه خون جاری شود - یک شتر .
 ۲ - دامیه . خراشی که از پوست بگذرد و مقدار اندکی وارد گوشت شود و همراه با جریان خون باشد کم یا زیاد - دو شتر .
 ۳ - ملاحمه . جراحتی که مقدار زیادی از گوشت را فراگیرد لکن به پوست نازک روی استخوان نرسد - سه شتر .
 ۴ - سمحاق . جراحتی که تمام گوشت را فرا گرفته و بمپوست نازک روی استخوان برسد - چهار شتر .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تندنویسی

بسمه تعالی

- ۵- موضعه . جراحی کتف تمام گوشت را فرا گرفته و پوست نازک روی استخوان را کنار زده و استخوان را آشکار کرده - پنج شتر .
- ۶- هاشمه . عملی که استخوان را بشکند گرچه جراحی را تولید نکرده باشد - ده شتر .
- ۷- منقله . جراحی که درمان آن جز با جابجا کردن استخوان میسر نباشد - پانزده شتر .
- ۸- مامومه . جراحی که به کیسه مغز برسد ثلث دیه کامل دارد .
- ۹- دامغه . جراحی که کیسه مغز را پاره کند غیر از ثلث دیه کامل جریمه ای که با نظر حاکم تعیین می شود بر او افزوده می گردد .
- تبصره - دیه جراحات گوش و بینی و لب در حکم جراحات سرو صورت می باشد .
- ماده ۴۸۳ - هرگاه یکی از جراحتهای مذکور در بندهای ۱ تا ۵ در غیر سر و صورت واقع شود در صورتیکه آن عضو دارای دیه معین باشد باید نسبت دیم آن را با دیه کامل سنجید آنگاه بمقدار همان نسبت دیه جراحتهای فوق را که در غیر سر و صورت واقع می شود تعیین گردد و در صورتی که آن عضو دارای دیه معین نباشد ارزش آن با نظر حاکم تعیین میشود .
- تبصره - جراحات وارده به گردن در حکم جراحات بدن می باشد .

فصل دوم - دیه جراحی که به درون بدن انسان وارد می شود

- ماده ۴۸۴ - دیه جراحی که به درون بدن انسان وارد میشود به ترتیب زیر است .
- الف - جائغه (جراحی که با هروسیله و از هر جهت به شکم یا سینه یا پشت و پا یا پهلوی انسان وارد شود ثلث دیه کامل است .
- ب - هرگاه وسیله ای از یک طرف بدن فرو رفته و از طرف دیگر بیرون آمده باشد دو ثلث دیه کامل دارد .
- تبصره - وسیله وارد کننده جراحات اعم از سلاح سرد و گرم است .

فصل سوم - دیه جراحی که در اعضا انسان فرو میرود

- ماده ۴۸۵ - هرگاه نیز میا گوله یا مانند آن در دست یا پا فرو رود در صورتیکه مجنی علیه مرد باشد دیه آن یکصد دینار و در صورتی که زن باشد ارزش آن با نظر حاکم تعیین میشود .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تفهیم

- ۶۷ -

بسم الله تعالی

شماره ۲۰۹۱۴

تاریخ ۲۹/۱۱/۵۹

پیوست

باب یازدهم - دیه جنایتی که باعث تغییر رنگ پوست یا تورم می شود

- ماده ۴۸۶ - دیه ضربتی که در اثر آن رنگ پوست متغیر گردد به قرار زیر است .
- الف - سیاه شدن صورت بدون جراحت و شکستگی شش دینار .
- ب - سبز شدن صورت سه دینار .
- ج - سرخ شدن صورت یک دینار و نیم .
- د - در سایر اعضا بدن در صورت سیاه شدن سه دینار و در صورت سبز شدن یک دینار و نیم و در صورت سرخ شدن سه ربع دینار است .
- تبصره ۱ - فرقی در حکم مذکور بین زن و مرد و کوچک و بزرگ نیست و همچنین فرقی میان تغییر رنگ تمام صورت یا قسمتی از آن و نیز فرقی بین آنکه اثر جنایت مدتی بماند یا زائل گردد نمی باشد .
- تبصره ۲ - جنایتی که باعث تغییر رنگ پوست سر شود ارش آن بانظر حاکم معلوم می گردد .
- ماده ۴۸۷ - جنایتی که موجب تورم شود ارش آن بانظر حاکم تعیین میشود و اگر موجب تورم و تغییر رنگ شود ارش آن بر دیه که قبلا بیان شد افزوده می شود .
- ماده ۴۸۸ - دیه فلج کردن هر عضوی که دیه معین دارد دوثلث دیه همان عضو است و دیه قطع کردن عضو فلج ثلث دیه همان عضو است .

باب دوازدهم - دیه سقط جنین

- ماده ۴۸۹ - دیه سقط جنین به ترتیب زیر است .
- ۱ - دیه نطفه که در رحم مستقر شده بیست دینار .
- ۲ - دیه علقه که خون بسته است چهل دینار .
- ۳ - دیه مضنه که بصورت گوشت درآمده است شصت دینار .
- ۴ - دیه جنین در مرحلای که بصورت استخوان درآمده و هنوز گوشت نروئیده است هشتاد دینار .
- ۵ - دیه جنین که گوشت و استخوان بندی آن تمام شده و هنوز روح در آن پیدا نشده یکصد دینار .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تنه نویسی

- ۶۸ -

بسم تعالی

شماره ۴۵۱۴ - ق

تاریخ ۲۹/۱۱/۶۹

پیوست

تبصره - در مراحل فوق هیچ فرقی بین دختر و پسر نمی باشد .
 ۶ - دیه جنین که روح در آن پیدا شده است اگر پسر باشد دیه کامل و اگر دختر باشد نصف دیه کامل و اگر مشتمل باشد سه ربع دیه کامل خواهد بود .
 ماده ۴۹۵ - هرگاه در اثر کشتن مادر ، جنین بمیرد و یا سقط شود دیه جنین در هر مرحله ای که باشد باید بردیه مادر افزوده شود .
 ماده ۴۹۱ - هرگاه زنی جنین خود را سقط کند دیه آن را در هر مرحله ای که باشد باید بپردازد و خود از آن دیه سهمی نمی برد .
 ماده ۴۹۲ - هرگاه چند جنین در یک رحم باشند بعدد هریک از آنها دیه جداگانه خواهد بود .
 ماده ۴۹۳ - دیه اعضاء جنین و جراحات آن بمنسبت دیه همان جنین است .
 ماده ۴۹۴ - دیه سقط جنین در موارد عمد و شبه عمد برعهده جانی است و در موارد خطای محض بر عاقله اوست خواه روح پیدا کرده باشد و خواه نکرده باشد .
 ماده ۴۵۹ - اگر در اثر جنایت چیزی از زن ساقط شود که منشاء انسان بودن آن طبق نظر پزشک متخصص ثابت نباشد دیه و ارش ندارد لکن اگر در اثر آن صدماتی بر مادر وارد شده باشد بر حسب مورد جانی محکوم به پرداخت دیه یا ارش خواهد بود .

باب سیزدهم - دیه جنایتی که بر مرده واقع می شود

ماده ۴۹۶ - دیه جنایتی که بر مرده مسلمان واقع می شود به ترتیب زیر است .
 الف - بریدن سر یکصد دینار .
 ب - بریدن هردو دست یا هردو پا یکصد دینار و بریدن یک دست یا یک پا پنجاه دینار و بریدن یک انگشت از دست یا یک انگشت از پا ده دینار و قطع یا نقص سایر اعضاء و جوارح به همین نسبت ملحوظ می گردد .
 تبصره - دیه مذکور در این ماده به عنوان میراث به ورثه نمی رسد بلکه مال خود میت محسوب شده و بدهی او از آن پرداخت می گردد و در راههای خیر صرف می شود .
 ماده ۴۹۷ - در کلیه مواردی که بموجب مقررات این قانون ارش منظور گردیده و یا تعیین خسارت بنظر قاضی و اگذار شده است قاضی بادر نظر گرفتن دیه کامله انسان و نوع و کیفیت جنایت و میزان خسارت وارده مقدار دیه و خسارت را تعیین می نماید .

شماره ۶-۲۰۱۴

تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۹

پایست

-۶۹-

تعلیل



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشادری

ماده ۴۹۸- در این قانون مواردی از دیات که دیه بر حسب دینار یا شتر تعیین شده است شتر و دینار موضوعیت ندارد و منظور نسبت مشخص از دیه کلمه است و جانی در انتخاب نوع آن مخیر میباشد.

ماده ۴۹۹- کلیه قوانینی که با این قانون مغایر باشند ملغی است.
لایحه فوق مشتمل بر چهارصد و نود و نه ماده و نود و سه تبصره طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی در جلسه روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۲ کمیسیون امور قضائی و حقوقی تصویب و در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ هجدهم دیماه یکهزار و سیصد و شصت و نه با پنج سال مدت اجرای آزمایشی آن موافقت گردیده است. / ن

رئیس مجلس شورای اسلامی

مهدی کرمانی



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تندنویسی

شماره ۴۹۹۵

تاریخ ۹/۱/۵۹

پیوست

دکتر کتیرا

بسمه تعالی

لایحه مجازات اسلامی

کتاب اول - کلیات

=====

باب اول - مواد عمومی

اداره کل بزرگراه شورای نگهبان
شماره ۱۴۸۲
تاریخ ۱۳۶۹/۱۲/۹

ماده ۱- قانون مجازات اسلامی راجع است به تعیین انواع جرائم و مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی که درباره مجرم اعمال می شود .

ماده ۲- هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می شود .

ماده ۳- قوانین جزائی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی ، دریائی و هوائی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می گردد مگر آنکه بموجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد .

ماده ۴- هرگاه قسمتی از جرم در ایران واقع و نتیجه آن در خارج از قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود و یا قسمتی از جرم در خارج و نتیجه آن در ایران حاصل شود و یا قسمتی از جرم در ایران و نتیجه آن در ایران حاصل شود آن جرم واقع شده در ایران محسوب است .

ماده ۵- هر ایرانی یا بیگانه ای که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم ذیل شود و در ایران یافت شود و یا به ایران مسترد گردد طبق قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران مجازات می شود .

۱- اقدام علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران و امنیت داخلی و خارجی و تمامیت ارضی یا استقلال کشور جمهوری اسلامی ایران .

۲- جعل فرمان یا دستخط یا مهر یا امضاء مقام رهبری و یا استفاده از آن .

۳- جعل نوشته رسمی رئیس جمهور یا رئیس مجلس شورای اسلامی و یا شورای نگهبان و یا رئیس مجلس خبرگان یا رئیس قوه قضائیه یا معاونان رئیس جمهور یا رئیس دیوانعالی کشور یا دادستان کل کشور یا هریک از وزیران یا استفاده از آنها .

زایده
هرگز

انضام
در رسید

بیکسره مندرج است



بسم الله

۴- جعل اسکناس رایج ایران یا اسناد بانکی ایران مانند براتهای قبول شده از طرف بانکها یا چکهای صادر شده از طرف بانکها و یا اسناد تعهدآور بانکها و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق قرضه صادره و یا تضمین شده از طرف دولت یا شبیه سازی و هرگونه تقلب در مورد مسکوکات رایج داخله .

ماده ۶- هر جرمی که اتباع بیگانه که در خدمت دولت جمهوری اسلامی ایران هستند و یا مستخدمان دولت به مناسبت شغل و وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب می شوند و همچنین هر جرمی که ماموران سیاسی و کنسولی و فرهنگی دولت ایران که از مصونیت سیاسی استفاده میکنند مرتکب گردند ، طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران مجازات می شوند .

ماده ۷- علاوه بر موارد مذکور در مواد ۵ و ۶ هر ایرانی که در خارج ایران مرتکب جرمی شود و در ایران یافت شود طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران مجازات خواهد شد .

ماده ۸- در مورد جرائمی که بموجب قانون خاص یا عهود بین المللی مرتکب در هر کشوری که بدست آید محاکمه می شود اگر در ایران دستگیر شد طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات خواهد شد .

ماده ۹- مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است اگر موجود باشد عینا و اگر موجود نباشد ، مثل یا قیمت آن را به صاحبش رد کند و از عهده خسارات وارده نیز برآید .

ماده ۱۰- بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع تعقیب یا موقوف شدن تعقیب باید تکلیف اشیاء و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده میاحین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است تعیین کند تا مسترد یا ضبط یا معدوم شود در مورد ضبط دادگاه تکلیف اموال و اشیاء را تعیین خواهد کرد هم چنین بازپرس و یا دادستان مکلف است مادام که پرونده نزد او جریان دارد به تقاضای دینفع بارعایت شرایط زیر دستور رد اموال و اشیاء مذکور در فوق را صادر نماید .

۱- وجود تمام یا قسمتی از آن اشیاء و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد .

۲- اشیاء و اموال بلامعارض باشد .

۳- در شمار اشیاء و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم گردد .

در کلیه امور جزائی دادگاه نیز باید ضمن صدور حکم یا قرار یا پس از آن ، اعم از اینکه مبنی بر محکومیت یا برائت یا موقوف شدن تعقیب متهم باشد ، نسبت به اشیاء و



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشنویسی

- ۳ -

بسم الله تعالی

شماره ۲۰۱۴-۹

تاریخ ۲۹/۱۱/۵۹

پیوست

اموالی که وسیله جرم بوده یا در اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده حکم مخصوص صادر و تعیین نماید که آنها باید مسترد یا ضبط یا معدوم شود .

تبصره ۱- متضرران قرار باز پرس یا دادستان یا قرار یا حکم دادگاه میتواند از تصمیم آنان راجع به اشیاء و اموال مذکور در این ماده شکایت خود را طبق مقررات در دادگاههای جزائی تعقیب و درخواست تجدید نظر نماید . هر چند قرار یا حکم دادگاه نسبت به امر جزائی قابل شکایت نباشد .

تبصره ۲- مالی که نگهداری آن مستلزم هزینه نامتناسب برای دولت بوده یا موجب خرابی یا کسوف ارزش قیمت آن گردد و حفظ مال هم برای دادرسی لازم نباشد و همچنین اموال ضایع شدنی و سریع الفساد حسب مورد بدستور دادستان یا دادگاه به قیمت روز فروخته شده و وجه حاصل تا تعیین تکلیف نهائی در صندوق دادگستری به عنوان امانت نگهداری خواهد شد .

ماده ۱۱- در مقررات و نظامات دولتی . مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی باید بموجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده باشد و هیچ فعل یا ترک فعل را نمیتوان بعنوان جرم بموجب قانون متاخر مجازات نمود لیکن اگر بعد از وقوع جرم قانونی وضع شود که مبنی بر تخفیف یا عدم مجازات بوده و یا از جهات دیگر مساعدتر به حال مرتکب باشد نسبت بمجرایم سابق بوضع آن قانون تا صدور حکم قطعی موثر خواهد بود . در صورتیکه بموجب قانون سابق حکم قطعی لازم الاجرا صادر شده باشد به ترتیب زیر عمل خواهد شد .

۱- اگر عملی که در گذشته جرم بوده بموجب قانون لاحق جرم شناخته نشود در این صورت حکم قطعی اجراء نخواهد شد و اگر در جریان اجراء باشد موقوف الاجراء خواهد ماند و در این دو مورد و همچنین در موردی که حکم قبلاً اجراء شده باشد هیچگونه اثر کیفری بر آن مترتب نخواهد بود این مقررات در مورد قوانینی که برای مدت معین و موارد خاصی وضع گردیده است اعمال نمیگردد .

۲- اگر مجازات جرمی بموجب قانون لاحق تخفیف یابد محکوم علیه میتواند تقاضای تخفیف مجازات تعیین شده را بنماید و در این صورت دادگاه صادرکننده حکم و یا دادگاه جانشین بالحفاظ قانون لاحق مجازات قبلی را تخفیف خواهد داد .

۳- اگر مجازات جرمی بموجب قانون لاحق به اقدام تأمینی و تربیتی تبدیل گردد فقط همین اقدامات مورد حکم قرار خواهد گرفت .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و قند نویسی

- ۴ -

بسم تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

باب دوم - مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی

فصل اول - مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی

ماده ۱۲ - مجازاتهای مقرر در این قانون پنج قسم است .

۱- حدود ۲- قصاص ۳- دیات ۴- تعزیرات ۵- مجازاتهای بازدارنده

ماده ۱۳- حد ، مجازاتی است که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است .

ماده ۱۴- قصاص ، کیفری است که جانی به آن محکوم میشود و باید با جنایت او برابر باشد

ماده ۱۵- دیه ، مالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است .

ماده ۱۶- تعزیر ، تادیب و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و

بنظر حاکم و گذار شده است از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق بایستی از

مقدار حد کمتر باشد .

ماده ۱۷- مجازات بازدارنده ، تادیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت بمنظور حفظ

نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین میگردد از قبیل

حبس ، جزای نقدی ، تعطیل محل کسب ، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه

یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن .

ماده ۱۸- مدت کلیه حبس ها از روزی شروع می شود که محکوم علیه بموجب حکم

قطعی قابل اجرا محبوس شده باشد .

تبصره - چنانچه محکوم علیه قبل از صدور حکم بعلت اتهام یا اتهامات تکیه در پرونده امر

مطرح بود بازداشت شده باشد دادگاه پس از تعیین تعزیر ، از مقدار تعزیر تعیین شده یک یا

مجازات بازدارنده بمیزان بازداشت قبلی وی کسر می کند .

ماده ۱۹- دادگاه میتواند کسی را که به علت ارتکاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات

بازدارنده محکوم گرد ماست بمعنوان تتمیم حکم تعزیری یا بازدارنده مدتی از حقوق اجتماعی

محروم و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع یا به اقامت در محل معین مجبور نماید .

ماده ۲۰- محرومیت از بعض یا همه حقوق اجتماعی و اقامت اجباری در نقطه معین

یا ممنوعیت از اقامت در محل معین باید متناسب با جرم و خصوصیات مجرم در مدت معین باشد .

در صورتیکه محکوم به تبعید یا اقامت اجباری در نقطه ای یا ممنوعیت از اقامت در نقطه معین

در اثنای اجرای حکم ، محل را ترک کند و یا به نقطه ممنوعه بازگردد ، دادگاه میتواند با پیشنهاد

دادسرای مجری حکم ، مجازات مذکور را تبدیل به جزای نقدی و یا زندان نماید .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشددویسی

- ۵ -

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۲۱- ترتیب اجرای احکام جزائی و کیفیت زندانها به نحوی است که قانون آئین دادرسی کیفری و سایر قوانین و مقررات تعیین مینماید .

فصل دوم - تخفیف مجازات

ماده ۲۲- دادگاه میتواند در صورت احراز جهات مخففه، مجازات تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسبتر بحال متهم باشد ، جهات مخففه عبارتند از :

- ۱- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی .
- ۲- اظهارات و راهنماییهای متهم که در شناختن شرکاء و معاونان جرم و یا کشف اشیائی که از جرم تحصیل شده است موثر باشد .
- ۳- اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تاثیر آنها مرتکب جرم شده است از قبیل : رفتار و گفتار تحریک آمیز مجنی علیه یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم .
- ۴- اعلام متهم قبل از تعقیب و یا اقرار او در مرحله تحقیق که موثر در کشف جرم باشد .

۵- وضع خاص متهم و یا سابقه او .

- ۶- اقدام یا کوشش متهم بمنظور تخفیف اثرات جرم و جبران زیان ناشی از آن .
- تبصره ۱- دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم صریحا قید کند .
- تبصره ۲- در مورد تعدد جرم نیز دادگاه میتواند جهات مخففه را رعایت کند .
- تبصره ۳- چنانچه نظیر جهات مخففه مذکور در این ماده در مواد خاصی پیشبینی شده باشد دادگاه نمیتواند بموجب همان جهات دوبار مجازات را تخفیف دهد .
- ماده ۲۳- در جرائمی که با گذشت متضرر از جرم تعقیب کیفری و رسیدگی یا اجرای مجازات موقوف میگردد گذشت باید منجز باشد گذشت معلق قابل ترتیب اثر نیست . عدول از گذشت نیز مسموع نخواهد بود .

هرگاه متضرر از جرم ، متعدد باشد تعقیب جزائی با شکایت هریک از آنان شروع میشود ولی موقوفی تعقیب ، رسیدگی و مجازات موکول به گذشت تمام کسانی که شکایت کرده اند است .

تبصره - حق گذشت به وراثت قانونی متضرر از جرم منتقل و در صورت گذشت همگی وراثت تعقیب ، رسیدگی و اجرای مجازات موقوف میگردد .

ماده ۲۴- عفو یا تخفیف مجازات محکومان ، در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه با مقام رهبری است .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تدوینی

- ۶ -

بیتعالی

شماره

تاریخ

پیوست

فصل سوم - تعلیق اجرای مجازات

- ماده ۲۵ - در کلیه محکومیت‌های تعزیری و بازدارنده حاکم می‌تواند اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را با رعایت شرایط زیر از دو تا پنج سال معلق نماید .
- الف - محکوم علیه سابقه محکومیت قطعی به مجازات‌های زیر نداشته باشد .
- ۱ - محکومیت قطعی به حد .
 - ۲ - محکومیت قطعی به قطع یا نقص عضو .
 - ۳ - محکومیت قطعی به مجازات حبس به بیش از یکسال در جرائم عمدی .
 - ۴ - محکومیت قطعی به جزای نقدی به مبلغ بیش از دو میلیون ریال .
 - ۵ - سابقه محکومیت قطعی دوبار یا بیشتر بعلت جرم‌های عمدی یا هر میزان مجازات .
- ب - دادگاه با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را مناسب نداند . تبصره - در محکومیت‌های غیر تعزیری و بازدارنده تعلیق جایز نیست مگر در مواردی که شرعا و قانونا تعیین شده باشد .
- ماده ۲۶ - در مواردیکه جزای نقدی یا دیگر تعزیرات همراه باشد جزای نقدی قابل تعلیق نیست .
- ماده ۲۷ - قرار تعلیق اجرای مجازات ضمن حکم محکومیت صادر خواهد شد و مجرمی که اجرای حکم مجازات حبس و اتمام معلق شده اگر بازداشت باشد بدستور دادگاه فوراً آزاد می‌گردد .
- ماده ۲۸ - دادگاه جهات و موجبات تعلیق و دستور هائی که باید محکوم علیه در مدت تعلیق از آن تبعیت نماید در حکم خود تصریح و مدت تعلیق را نیز بر حسب نوع جرم و حالات شخصی مجرم و با رعایت مدت مذکور در ماده ۲۵ تعیین می‌نماید .
- ماده ۲۹ - دادگاه با توجه به اوضاع و احوال محکوم علیه و محتویات پرونده می‌تواند اجرای دستور یا دستورهای ذیل را در مدت تعلیق از محکوم علیه بخواهد و محکوم علیه مکلف به اجرای دستور دادگاه می‌باشد .
- ۱ - مراجعه به بیمارستان یا درمانگاه برای درمان بیماری یا اعتیاد خود .
 - ۲ - خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین .
 - ۳ - اشتغال به تحصیل در یک موسسه فرهنگی .
 - ۴ - خودداری از تجاهر به ارتکاب محرمات و ترک واجبات یا معاشرت با اشخاصی که دادگاه معاشرت با آنها را برای محکوم علیه مضر تشخیص می‌دهد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشد نویسی

- ۷ -

بسمه تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

۵ - خودداری از رفت و آمد به محلهای معین .

۶ - معرفی خود در مدتهای معین به شخص یا مقامی که دادستان تعیین می کند .

تبصره - اگر مجرمی که مجازات او معلق شده است در مدت تعلیق بدون عذر موجه از دستور دادگاه موضوع این ماده تبعیت ننماید بر حسب درخواست دادستان پس از ثبوت مورد در دادگاه صادر کننده حکم تعلیق ، برای بار اول بمدت تعلیق مجازات او یکسال تا دو سال افزوده میشود و برای بار دوم حکم تعلیق لغو و مجازات معلق بموقع اجرا گذاشته خواهد شد .

ماده ۳۰ - اجرای احکام جزائی زیر قابل تعلیق نیست .

۱ - مجازات کسانی که به وارد کردن و یا ساختن و یا فروش مواد مخدر اقدام و یا به نحوی از انحاء با مرتکبین اعمال مذکور معاونت می نمایند .

۲ - مجازات کسانی که به جرم اختلاس یا ارتشاء یا کلاهبرداری یا جعل و یا استفاده از سند معمول یا خیانت در امانت یا سرقتی که موجب حد نیست یا آدم ربایی محکوم می شود .

۳ - مجازات کسانی که به نحوی از انحاء با انجام اعمال مستوجب حد ، معاونت مینمایند .

ماده ۳۱ - تعلیق اجرای مجازاتی که با حقوق الناس همراه است تاثیری در حقوق الناس نخواهد داشت و حکم مجازات در این موارد یا پرداخت خسارت در وجه مدعی خصوصی اجراء خواهد شد .

ماده ۳۲ - هرگاه محکوم علیه از تاریخ صدور قرار تعلیق اجرای مجازات در مدتی که از طرف دادگاه مقرر شده مرتکب جرائم مستوجب محکومیت مذکور در ماده ۲۵ نشود محکومیت تعلیقی بی اثر محسوب و از سجل کیفری او محو می شود . برای کلیه محکومین به مجازات های معلق باید بلافاصله پس از قطعیت حکم از طرف دادسرای مربوط برگ سجل کیفری تنظیم و به مراجع صلاحیت دار ارسال شود و در هر مورد که در مدت تعلیق تغییری داده شود یا حکم تعلیق مجازات الغاء گردد باید مراتب فوراً برای ثبت در سجل کیفری محکوم علیه به مراجع صلاحیت دار مربوط اعلام شود .

تبصره - در مواردی که بموجب قوانین استخدامی ، حکمی موجب انفصال است در صورت تعلیقی بودن حکم موجب انفصال نخواهد بود مگر آنکه در قوانین و یا حکم دادگاه صریحاً قید شده باشد .

ماده ۳۳ - اگر کسی که اجرای حکم مجازات او معلق شده در مدتی که از طرف دادگاه مقرر شد مرتکب جرم جدیدی که مستوجب محکومیت مذکور در ماده ۲۵ باشد شود به محض قطعی شدن دادگاهی که حکم تعلیق مجازات سابق را صادر کرده است یا دادگاه جانشین باید الغاء آنرا اعلام دارد تا حکم معلق نیز درباره محکوم علیه اجراء گردد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشنویسی

بسمه تعالی

ماده ۳۴ - هرگاه بعد از صدور قرار تعلیق معلوم شود که محکوم علیه دارای سابقه محکومیت به جرائم مستوجب محکومیت مذکور در ماده ۲۵ بوده و دادگاه بدون توجه به آن اجرای مجازات را معلق کرده است دادستان با استناد سابقه محکومیت از دادگاه تقاضای لغو تعلیق مجازات را خواهد نمود و دادگاه پس از احراز وجود سابقه قرار تعلیق را لغو خواهد کرد .

ماده ۳۵ - دادگاه هنگام صدور قرار تعلیق آثار عدم تبعیت از دستورهای دادگاه را صریحا قید و اعلام می کند که اگر در مدت تعلیق مرتکب یکی از جرائم مستوجب محکومیت مذکور در ماده ۲۵ شود علاوه بر مجازات جرم اخیر مجازات معلق نیز در باره او اجرا خواهد شد .

ماده ۳۶ - مقررات مربوط به تعلیق مجازات درباره کسانی که به جرائم عمدی متعدد محکوم میشوند قابل اجرا نیست و همچنین اگر درباره یک نفر احکام قطعی متعددی در مورد جرائم عمدی صادر شده باشد که در بین آنها محکومیت معلق نیز وجود داشته باشد دادستان مجری حکم موظف است فسخ قرار یا قرارهای تعلیق را از دادگاه صادر کننده بخواند دادگاه نسبت به فسخ قرار یا قرارهای مزبور اقدام خواهد نمود .

ماده ۳۷ - هرگاه محکوم به حبس که در حال تحمل کیفر است قبل از اتمام مدت حبس مبتلا به جنون شود با استعلام از پزشک قانونی و در صورت تأیید جنون ، محکوم علیه به بیمارستان روانی منتقل می شود و مدت اقامت او در بیمارستان جزء مدت محکومیت او محسوب خواهد شد . در صورت عدم دسترسی به بیمارستان روانی به تشخیص دادستان در محل مناسبی نگهداری می شود .

فصل چهارم - آزادی مشروط زندانیان

ماده ۳۸ - هرکس برای بار اول به علت ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم شده باشد در جرائمی که کیفر قانونی آنها بیش از سه سال حبس است و دو ثلث مجازات را گذرانده باشد و در جرائمی که کیفر قانونی آنها تا سه سال حبس است و نصف مجازات را گذرانده باشد دادگاه صادر کننده دادنامه محکومیت قطعی میتواند در صورت وجود شرایط زیر حکم به آزادی مشروط صادر نماید .

۱ - هرگاه در مدت اجرای مجازات مستمرا حسن اخلاق نشان داده باشد .

۲ - هرگاه از اوضاع و احوال محکوم پیش بینی شود که پس از آزادی دیگر مرتکب جرمی نخواهد شد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تندنویسی

بسمه تعالی

۳- هرگاه ناآنجا که استطاعت دارد ضرر و زیانی که در مورد حکم دادگاه یا مورد موافقت مدعی خصوصی واقع شده بپردازد یا قرار پرداخت آنرا بدهد و در مجازات حبس توام با جزای نقدی مبلغ مزبور را بپردازد یا با موافقت دادستان ترتیبی برای پرداخت داده شده باشد .

تبصره ۱- مراتب مذکور در بندهای ۱ و ۲ باید مورد تایید رئیس زندان محل گذران محکومیت و دادیار ناظر زندان یا دادستان محل قرارگیرد و مراتب مذکور در بند ۳ باید به تایید دادستان مأمور اجرای حکم برسد .

تبصره ۲- در صورت انحلال دادگاه صادرکننده حکم صدور حکم آزادی مشروط از اختیارات دادگاه جانشین است .

ماده ۳۹- صدور حکم آزادی مشروط منوط به پیشنهاد سازمان زندانها و تایید دادستان یا دادیار ناظر خواهد بود .

ماده ۴۰- مدت آزادی مشروط بنا به تشخیص دادگاه کمتر از یکسال و زیادتیر از پنجسال نخواهد بود .

باب سوم - جرائم

فصل اول - شروع به جرم

ماده ۴۱- هرکس قصد ارتکاب جرمی کند و شروع به اجرای آن نماید لکن جرم منظور واقع نشود چنانچه عملیات و اقدامات انجام گرفته جرم باشد محکوم به مجازات همان جرم می شود .

تبصره ۱- مجرد قصد ارتکاب جرم و عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقیم با وقوع جرم نداشته باشد شروع به جرم نبوده و از این حیث قابل مجازات نیست .

تبصره ۲- کسی که شروع به جرمی کرده است ، به میل خود آنرا ترک کند و اقدام انجام شده جرم باشد از موجبات تخفیف مجازات برخوردار خواهد شد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تفهیم

بسم الله تعالی

فصل دوم - شرکاء و معاونین جرم

ماده ۴۲ - هرکس عالما و عامدا با شخص یا اشخاص دیگر در یکی از جرائم قابل تعزیر یا مجازاتهای بازدارنده مشارکت نماید و جرم مستند به عمل همه آنها باشد خواه عمل هریک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه متفاوت ، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم خواهد بود . در مورد جرائم غیر عمدی (خطای) که ناشی از خطای دونفر یا بیشتر باشد مجازات هریک از آنان نیز مجازات فاعل مستقل خواهد بود .

تبصره - اگر تاثیر مداخله و مباشرت شریکی در حصول جرم ضعیف باشد دادگاه مجازات او را به تناسب تاثیر عمل او تخفیف میدهد .

ماده ۴۳ - در جرائم قابل تعزیر اشخاص زیر معاون جرم محسوب و با توجه به شرایط وامکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و تادیب از وعظ و تهدید و درجات تعزیر ، تعزیر می شوند .

۱- هرکس دیگری را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع به ارتکاب جرم نماید و یا بوسیله دسیسه و فریب و نیرونگ موجب وقوع جرم شود .

۲ - هرکس با علم و عمد وسایل ارتکاب جرم را تهیه کند و یا طریق ارتکاب آنرا با علم به قصد مرتکب ارائه دهد .

۳ - هرکس عالما ، عامدا وقوع جرم را تسهیل کند .

تبصره - برای تحقق معاونت در جرم وجود وحدت قصد و تقدم و یا اقتران زمانی بین عمل معاون و مباشر جرم شرط است .

ماده ۴۴ - در صورتیکه فاعل جرم به جهتی از جهات قانونی قابل تعقیب و مجازات نباشد و یا تعقیب و یا اجرای حکم مجازات او به جهتی از جهات قانونی موقوف گردد ، تاثیر در حق معاون جرم نخواهد داشت .

ماده ۴۵ - سردستگی دو یا چند نفر در ارتکاب جرم اعم از اینکه عمل آنان شرکت در جرم یا معاونت در جرم باشد از علل مشدده مجازات است .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشد نویسی

- ۱۱ -

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

فصل سوم - تعدد جرم

ماده ۴۶ - در جرائم قابل تعزیر هرگاه فعل واحد دارای عناوین متعدده جرم باشد مجازات جرمی داده می شود که مجازات آن اشد است .

ماده ۴۷ - در مورد تعدد جرم هرگاه جرائم ارتكابی مختلف باشد باید برای هر یک از جرائم مجازات جداگانه تعیین شود و اگر مختلف نباشد فقط یک مجازات تعیین میگردد و در این قسمت تعدد جرم میتواند از علل مشدده کیفر باشد و اگر مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد مرتکب ب مجازات مقرر در قانون محکوم میگردد .

تبصره - حکم تعدد جرم در حدود و قصاص و دیات همان است که در ابواب مربوطه ذکر شده است .

فصل چهارم - تکرار جرم

ماده ۴۸ - هرکس بموجب حکم دادگاه ب مجازات تعزیری و یا بازدارنده محکوم شود ، چنانچه بعد از اجرای حکم مجدداً مرتکب جرم قابل تعزیر گردد دادگاه میتواند در صورت لزوم مجازات تعزیری یا بازدارنده را تشدید نماید .

تبصره - هرگاه حین صدور حکم محکومیت های سابق مجرم معلوم نباشد و بعداً معلوم شود دادستان مراتب را به دادگاه صادر کننده حکم اعلام می کند در این صورت اگر دادگاه محکومیت های سابق را محرز دانست می تواند طبق مقررات این ماده اقدام نماید .

باب چهارم - حدود مسوولیت جزائی

ماده ۴۹ - اطفال در صورت ارتكاب جرم مبری از مسوولیت کیفری هستند و تربیت آنان بانظر دادگاه بعهده سرپرست اطفال و عندالاقضاء کانون اصلاح و تربیت اطفال می باشد .

تبصره ۱ - منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد .

تبصره ۲ - هرگاه برای تربیت اطفال بزهکار تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند

تنبیه بایستی به میزان و مصلحت و به کیفیتی باشد که دیمه آن تعلق نگیرد .

ماده ۵۰ - چنانچه غیر بالغ مرتکب قتل و جرح و ضرب شود عاقله ضامن است لکن

در مورد اتلاف مال اشخاص خود طفل ضامن است و اداء آن از مال طفل به عهده ولی

فصل می آید



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تندنویسی

- ۱۲ -

بسم تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

- ماده ۵۱ - جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه که باشد رافع مسوولیت کیفری است .
تبصره ۱ - در صورتیکه متادیب مرتکب موثر باشد به حکم دادگاه متادیب میشود .
تبصره ۲ - در جنون ادواری شرط رفع مسوولیت کیفری جنون در حین ارتکاب جرم است .
ماده ۵۲ - هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب مجنون بوده و یا پس از حدوث جرم مبتلا به جنون شود چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص ثابت باشد به دستور دادستان تارفع حالت مذکور در محل مناسبی نگهداری خواهد شد و آزادی او به دستور دادستان امکان پذیر است . شخص نگهداری شده و یا کسانش میتوانند به دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل جرم را دارد مراجعه و به این دستور اعتراض کنند ، در اینصورت دادگاه در جلسه اداری با حضور معترض و دادستان و یا نماینده او موضوع را با جلب نظر متخصص خارج از نوبت رسیدگی کرده و حکم مقتضی در مورد آزادی شخص نگهداری شده یا تأیید دستور دادستان صادر می کند . این رای قطعی است ولی شخص نگهداری شده یا کسانش هرگاه علائم بهبودی را مشاهده کردند حق اعتراض به دستور دادستان را دارند .
ماده ۵۳ - اگر کسی بر اثر شرب خمر ، مسلوب الاراده شده لکن ثابت شود که شرب خمر به منظور ارتکاب جرم بوده است مجرم علاوه بر مجازات استعمال شرب خمر به مجازات جرمی که مرتکب شده است نیز محکوم خواهد شد .
ماده ۵۴ - در جرائم موضوع مجازاتهای تعزیری یا بازدارنده هرگاه کسی بر اثر اجبار یا اکراه که عادتاً قابل تحمل نباشد مرتکب جرمی گردد مجازات نخواهد شد . در این مورد اجبارکننده به مجازات فاعل جرم با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب از وعظ و توبیخ و تهدید و درجات تعزیر محکوم میگردد .
ماده ۵۵ - هرکس هنگام بروز خطر شدید از قبیل آتش سوزی ، سیل و طوفان به منظور حفظ جان یا مال خود یا دیگری مرتکب جرمی شود مجازات نخواهد شد مشروط بر اینکه خطر را عمداً ایجاد نکرده و عمل ارتكابی نیز با خطر موجود متناسب بوده و برای رفع آن ضرورت داشته باشد .
تبصره - دیه و ضمان مالی از حکم این ماده مستثنی است .
ماده ۵۶ - اعمالی که برای آنها مجازات مقرر شده است در موارد زیر جرم محسوب نمی شود .
۱ - در صورتی که ارتکاب عمل به امر آمر قانونی بوده و خلاف شرع هم نباشد .
۲ - در صورتیکه ارتکاب عمل برای اجرای قانون اهم لازم باشد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تفهیمی

- ۱۳ -

بسمه تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۵۷ - هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می شوند ولی مأموری که امر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است اجراء کرده باشد ، فقط به پرداخت دیه یا ضمان مالی محکوم خواهد شد .

ماده ۵۸ - هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت بوسیله دولت جبران می شود ، و چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد باید نسبت به اعاده حیثیت اقدام شود .

ماده ۵۹ - اعمال زیر جرم محسوب نمی شود .

۱ - اقدامات والدین و اولیاء قانونی و سرپرستان صغار و محجورین که به منظور تادیب یا حفاظت آنها انجام شود مشروط به اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف ، تادیب و محافظت باشد .

۲ - هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی آنها و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام شود در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نخواهد بود .

۳ - حوادث ناشی از عملیات ورزشی مشروط بر اینکه سبب آن حوادث نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم با موازین شرعی مخالفت نداشته باشد .

ماده ۶۰ - چنانچه طبیب قبل از شروع درمان یا اعمال جراحی از مریض یا ولسی او براءت حاصل نموده باشد ضامن خسارت جانی ، یا مالی یا نقص عضو نیست و در موارد فوری که اخذ اجازه گرفتن ممکن نباشد طبیب ضامن نمی باشد .

ماده ۶۱ - هرکس در مقام دفاع از نفس یا عرض یا ناموس و یا مال خود یا دیگری و یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز فعلی و یا خطر قریب الوقوع عملی انجام دهد که جرم باشد در صورت اجتماع شرایط زیر قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود .

۱ - دفاع با تجاوز و خطر متناسب باشد .

۲ - عمل ارتكابی بیش از حد لازم نباشد .

۳ - توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد و یا مداخله قوای مذکور در رفع تجاوز و خطر موثر واقع نشود .

تبصره - وقتی دفاع از نفس و یا ناموس و یا مال و یا آزادی تن دیگری جایز است که او ناتوان از دفاع بوده و نیاز به کمک داشته باشد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تفهیمی

- ۱۴ -

بسمه تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۶۲ - مقاومت در برابر قوای تامینی و انتظامی در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی شود ولی هرگاه قوای مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا ناموس گردد، در این صورت دفاع جایز است.

کتاب دوم - حدود

=====

باب اول - حد زنا

فصل اول - تعریف و موجبات حد زنا

ماده ۶۳ - زنا عبارت است از جماع مرد با زنی که بر او ذاتا حرام است گرچه در دبر باشد، در غیر موارد وطی به شبهه.

ماده ۶۴ - زنا در صورتی موجب حد می شود که زانی یا زانیه بالغ و عاقل و مختار بوده و بحکم و موضوع آن نیز آگاه باشد.

ماده ۶۵ - هرگاه زن یا مردی حرام بودن جماع با دیگری را بداند و طرف مقابل از این امر آگاه نباشد و گمان کند ارتکاب این عمل برای او جائز است فقط طرفی که آگاه بوده است محکوم به حد زنا می شود.

ماده ۶۶ - هرگاه مرد یا زنی که با هم جماع نمودند ادعای اشتباه و ناآگاهی کند در صورتی که احتمال صدق مدعی داده شود، ادعای مذکور بدون شاهد و سوگند پذیرفته می شود و حد ساقط می گردد.

ماده ۶۷ - هرگاه زانی یا زانیه ادعا کند که به زنا اکراه شده است، ادعای او در صورتی که یقین برخلاف آن نباشد قبول می شود.

فصل دوم - راههای ثبوت زنا در دادگاه

ماده ۶۸ - هرگاه مرد یا زنی در چهار جلسه در نزد حاکم اقرار به زنا کند محکوم به حد زنا خواهد شد و اگر کمتر از چهار بار اقرار نماید تعزیر می شود.

ماده ۶۹ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرار کننده دارای اوصاف بلوغ - عقل - اختیار - قصد باشد.

ماده ۷۰ - اقرار باید صریح یا بطوری ظاهر باشد که احتمال عقلانی خلاف در آن داده نشود.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشادویسی

- ۱۵ -

بیتعالی

شماره

تاریخ

پیوست

- ماده ۷۱ - هرگاه کسی اقرار به زنا کند و بعد انکار نماید در صورتی که اقرار به زنائی باشد که موجب قتل یا رجم است با انکار بعدی حد رجم و قتل ساقط می شود ، در غیر این صورت با انکار بعد از اقرار حد ساقط نمی شود .
- ماده ۷۲ - هرگاه کسی به زنائی که موجب حد است اقرار کند و بعد توبه نماید ، قاضی می تواند تقاضای عفو و ازاله زولای امر بنماید و یا حد را بر او جاری نماید .
- ماده ۷۳ - زنی که همسر ندارد به صرف باردار شدن مورد حد قرار نمی گیرد ، مگر آنکه زنا ی او با یکی از راهب های مذکور در این قانون ثابت شود .
- ماده ۷۴ - زنا چه موجب حد جلد باشد و چه موجب حد رجم با شهادت چهار مرد عادل یا سه مرد عادل و دو زن عادل ثابت می شود .
- ماده ۷۵ - در صورتی که زنا فقط موجب حد جلد باشد به شهادت دو مرد عادل همراه با چهار زن عادل نیز ثابت می شود .
- ماده ۷۶ - شهادت زنان به تنهایی یا بانضمام شهادت یک مرد عادل زناراثابت نمی کند بلکه در مورد شهود مذکور حد قذف طبق احکام قذف جاری میشود .
- ماده ۷۷ - شهادت شهود باید روشن و بدون ابهام و مستند به مشاهده باشد و شهادت حدسی معتبر نیست .
- ماده ۷۸ - هرگاه شهود خصوصیات مورد شهادت را بیان کنند این خصوصیات باید از لحاظ زمان و مکان و مانند آنها اختلاف نداشته باشند ، در صورت اختلاف بین شهود علاوه بر اینکه زنا ثابت نمی شود شهود نیز به حد قذف محکوم می گردند .
- ماده ۷۹ - شهود باید بدون فاصله زمانی یکی پس از دیگری شهادت دهند ، اگر بعضی از شهود شهادت بدهند و بعضی دیگر بلافاصله برای ادای شهادت حضور پیدا نکنند ، یا شهادت ندهند زنا ثابت نمی شود در این صورت شهادت دهنده مورد حد قذف قرار می گیرد .
- ماده ۸۰ - هرگاه زنا از راه شهادت یا اقرار ثابت شود به استثنای مواردی مانند بیماری و حاملگی حد آن باید فوراً جاری گردد .
- ماده ۸۱ - هرگاه زن یا مرد زانی قبل از اقامه شهادت توبه نماید ، حد از او ساقط می شود و اگر بعد از اقامه شهادت توبه کند حد ساقط نمی شود .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشددویسی

بیت

فصل سوم - اقسام حد زنا

ماده ۸۲ - حد زنا در موارد زیر قتل است و فرقی بین جوان و غیر جوان و محصن و غیر محصن نیست .

الف - زنا با محارم نسبی .

ب - زنا با زن پدر موجب قتل زانی است .

ج - زنای غیر مسلمان با زن مسلمان موجب قتل زانی است .

د - زنای به عنف و اکراه موجب قتل اکراه کننده است .

ماده ۸۳ - حد زنا در موارد زیر رجم است .

الف - زنای مرد محصن ، یعنی مردی که دارای همسر دائمی است و با او جماع کرده و هر وقت نیز بخواهد میتواند با او جماع کند .

ب - زنای زن محصنه با مرد بالغ ، زن محصنه زنی است که دارای شوهر دائمی است و شوهر با او جماع کرده است و امکان تمتع از شوهر را نیز دارد .

تبصره - زنای زن محصنه با نابالغ موجب حد تازیانه است .

ماده ۸۴ - برپیرمرد یا پیرزن زانی که دارای شرایط احسان باشند ، قبل از رجم ، حد جلد جاری می شود .

ماده ۸۵ - طلاق رجعی قبل از سپری شدن ایام عده ، مرد یا زن را از احسان خارج نمی کند ولی طلاق بائن آنها را از احسان خارج می نماید .

ماده ۸۶ - زنای مرد یا زنی که هریک همسر دائمی دارد ولی به واسطه مسافرت یا حبس و مانند آنها از عذرهای موجه به همسر خود دسترسی ندارد ، موجب رجم نیست .

ماده ۸۷ - مرد متاهلی که قبل از دخول مرتکب زنا شود به حد جلد و تراشیدن سر و تبعید به مدت یکسال محکوم خواهد شد .

ماده ۸۸ - حد زنای زن یا مردی که واجد شرایط احسان نباشند صد تازیانه است .

ماده ۸۹ - تکرار زنا قبل از اجراء حد در صورتی که مجازاتها از یکنوع باشد موجب

تکرار حد نمی شود ولی اگر مجازاتها از یکنوع نباشد مانند آنکه بعضی از آنها موجب جلد بوده و بعضی دیگر موجب رجم باشد ، قبل از رجم زانی حد جلد بر او جاری می شود .

ماده ۹۰ - هرگاه زن یا مردی چندبار زنا کند و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه چهارم کشته می شود .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تندنویسی

- ۱۷ -

بسم تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۹۱ - در ایام بارداری و نفاس زن حد قتل یا رجم بر او جاری نمی شود ، همچنین بعد از وضع حمل در صورتی که نوزاد کفیل نداشته باشد و بیم تلف شدن نوزاد برود حد جاری نمی شود ، ولی اگر برای نوزاد کفیل پیدا شود حد جاری می گردد .
ماده ۹۲ - هرگاه در اجرای حد جلد بر زن باردار یا شیرده احتمال بیم ضرر برای حمل یا نوزاد شیرخوار باشد اجراء حد تا رفع بیم ضرر به تأخیر می افتد .
ماده ۹۳ - هرگاه مریض یا زن مستحاضه محکوم به قتل یا رجم شده باشند حد بر آنها جاری می شود ولی اگر محکوم به جلد باشند اجرای حد تا رفع بیماری و استحاضه به تأخیر می افتد .

تبصره - حیض مانع اجرای حد نیست .

ماده ۹۴ - هرگاه امید به بهبودی مریض نباشد یا حاکم شرع مصلحت بدانند که در حال مرض حد جاری شود یک دسته تازیانه یا ترکه که مشتمل بر صد واحد باشد ، فقط یکبار به او زده می شود هر چند همه آنها به بدن محکوم نرسند .
ماده ۹۵ - هرگاه محکوم به حد دیوانه یا مرتد شود حد از او ساقط نمی شود .
ماده ۹۶ - حد جلد را نباید در هوای بسیار سرد یا بسیار گرم جاری نمود .
ماده ۹۷ - حد را نمی شود در سرزمین دشمنان اسلام جاری کرد .

فصل چهارم - کیفیت اجرای حد

ماده ۹۸ - هرگاه شخصی محکوم به چند حد شود اجرای آنها باید به ترتیبی باشد که هیچکدام از آنها زمینه دیگری را از بین نبرد ، بنابراین اگر کسی به جلد و رجم محکوم شود اول باید حد جلد و بعد حد رجم را جاری ساخت .
ماده ۹۹ - هرگاه زنای شخصی که دارای شرایط احصان است با اقرار او ثابت شده باشد هنگام رجم ، اول حاکم شرع سنگ می زند بعدا دیگران ، و اگر زنای او به شهادت شهود ثابت شده باشد اول شهود سنگ می زنند بعدا حاکم و سپس دیگران .
ماده ۱۰۰ - حد جلد مرد زانی باید ایستاده و در حالی اجراء گردد که پوشاکی جز ستر عورت نداشته باشد . تازیانه به شدت بتمام بدن وی غیر از سر و صورت و عورت زده می شود تازیانه را به زن زانی در حالی می زنند که زن نشسته و لباسهای او به بدنش بسته باشد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و فتاوی

بسم الله تعالی

ماده ۱۰۱ - مناسب است که حاکم شرع مردم را از زمان اجراء حد آگاه سازد و لازم است عده‌ای از مومنین که از سه نفر کمتر نباشند در حال اجرای حد حضور یابند .

ماده ۱۰۲ - مرد را هنگام رجم تا نزدیکی کمر و زن را تا نزدیکی سینه در گودال دفن می‌کنند آنگاه رجم می‌نمایند .

ماده ۱۰۳ - هرگاه کسی که محکوم به رجم است از گودالی که در آن قرار گرفته فرار کند در صورتی که زنای او به شهادت ثابت شده باشد برای اجرای حد برگردانده می‌شود اما اگر به اقرار خود او ثابت شده باشد برگردانده نمی‌شود .

تبصره - اگر کسی که محکوم به جلد باشد فرار کند در هر حال برای اجرای حد جلد برگردانده می‌شود .

ماده ۱۰۴ - بزرگی سنگ در رجم نباید بحدی باشد که با اصابت یک یا دو عدد شخص کشته شود همچنین کوچکی آن نباید به اندازه‌ای باشد که نام سنگ بر آن صدق نکند .

ماده ۱۰۵ - حاکم شرع می‌تواند در حق الله و حق الناس به علم خود عمل کند و حد الهی را جاری نماید و لازم است مستند علم را ذکر کند ، اجرای حد در حق الله متوقف به درخواست کسی نیست ولی در حق الناس اجراء حد موقوف به درخواست صاحب حق می‌باشد .

ماده ۱۰۶ - زنا در زمانهای متبرکه چون اعیاد مذهبی و رمضان و جمعه و مکانهای شریف چون مساجد علاوه بر حد موجب تعزیر است .

ماده ۱۰۷ - حضور شهود هنگام اجرای حد رجم لازم است ولی با غیبت آنان حد ساقط نمی‌شود اما با فرار آنها حد ساقط می‌شود .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تنه نویسی

- ۱۹ -

بسم الله

شماره

تاریخ

پیوست

باب دوم - حد لواط

فصل اول - تعریف و موجبات حد لواط

- ماده ۱۰۸ - لواط وطی انسان مذکر است .
- ماده ۱۰۹ - فاعل و مفعول لواط هردو محکوم به حد خواهند شد .
- ماده ۱۱۰ - حد لواط قتل و کیفیت نوع آن در اختیار حاکم شرع است .
- ماده ۱۱۱ - لواط در صورتی موجب قتل می شود که فاعل و مفعول بالغ و عاقل و مختار باشند .
- ماده ۱۱۲ - هرگاه مرد بالغ و عاقل با نابالغی لواط کند فاعل کشته می شود و مفعول اگر مکره نباشد به ۱۵ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می شود .
- ماده ۱۱۳ - هرگاه نابالغی نابالغ دیگر را وطی کند به ۱۵ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می شوند مگر آنکه یکی از آنها اکراه شده باشد .

فصل دوم - راههای ثبوت لواط در دادگاه

- ماده ۱۱۴ - حد لواط با چهار بار اقرار نزد حاکم شرع نسبت بمأقرار کننده ثابت می شود .
- ماده ۱۱۵ - اقرار کمتر از چهار بار موجب حد نیست و اقرار کننده تعزیر می شود .
- ماده ۱۱۶ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرار کننده بالغ ، عاقل ، مختار و دارای قصد باشد .
- ماده ۱۱۷ - حد لواط با شهادت چهار مرد عادل که آن را مشاهده کرده باشند ثابت می شود .
- ماده ۱۱۸ - با شهادت کمتر از چهار مرد عادل لواط ثابت نمی شود و شهود به حد قذف محکوم می شوند .
- ماده ۱۱۹ - شهادت زنان به تنهایی یا به ضمیمه مرد ، لواط را ثابت نمی کند .
- ماده ۱۲۰ - حاکم شرع میتواند طبق علم خود که از طرق متعارف حاصل شود ، حکم کند .
- ماده ۱۲۱ - حد تفخیز و نظایر آن بین دو مرد بدون دخول برای هر یک صد تازیانه است .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تندنویسی

بسم تعالی

تبصره - در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول مسلمان باشد حد فاعل قتل است .

ماده ۱۲۲ - اگر تفخیز و نظایر آن سه بار تکرار و بعد از هر بار حد جاری شود در مرتبه چهارم حد آن قتل است .

ماده ۱۲۳ - هرگاه دو مرد که باهم خویشاوندی نسبی نداشته باشند بدون ضرورت در زیر یک پوشش بطور برهنه قرار گیرند هر دو به ۳۰ تا ۹۹ ضربه شلاق تعزیر میشوند .

ماده ۱۲۴ - هرگاه کسی دیگری را از روی شهوت بیوسد به ۱۵ تا ۶۰ ضربه شلاق تعزیر می شود .

ماده ۱۲۵ - کسی که مرتکب لواط یا تفخیز و نظایر آن شده باشد اگر قبل از شهادت شهود توبه کند حد از او ساقط می شود و اگر بعد از شهادت توبه نماید حد از او ساقط نمی شود .

ماده ۱۲۶ - اگر لواط و تفخیز و نظائر آن با اقرار شخص ثابت شده باشد و پس از اقرار توبه کند حاکم شرع می تواند مرتکب را عفو نماید .

باب سوم - مساحقه

ماده ۱۲۷ - مساحقه ، همجنس بازی زنان است با اندام تناسلی .

ماده ۱۲۸ - راههای ثبوت مساحقه در دادگاه همان راههای ثبوت لواط است .

ماده ۱۲۹ - حد مساحقه برای هریک از طرفین صد تازیانه است .

ماده ۱۳۰ - حد مساحقه درباره کسی ثابت می شود که بالغ ، عاقل ، مختار و دارای قصد باشد .

تبصره - در حد مساحقه فرقی بین فاعل و مفعول و همچنین فرقی بین مسلمان و غیرمسلمان نیست .

ماده ۱۳۱ - هرگاه مساحقه سه بار تکرار شود و بعد از هر بار حد جاری گردد در مرتبه چهارم حد آن قتل است .

ماده ۱۳۲ - اگر مساحقه کننده قبل از شهادت شهود توبه کند حد ساقط می شود اما توبه بعد از شهادت موجب سقوط حد نیست .

ماده ۱۳۳ - اگر مساحقه با اقرار شخص ثابت شود و وی پس از اقرار توبه کند حاکم شرع می تواند او را عفو نماید .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تفسیر

شماره

تاریخ

پیوست

- ۲۱ -

بیتعالی

ماده ۱۳۴ - هرگاه دوزن که با هم خویشاوندی نسبی نداشته باشند بدون ضرورت برهنه زیر یک پوشش قرار گیرند به کمتر از صد تازیانه تعزیر می شوند . در صورت تکرار این عمل و تکرار تعزیر در مرتبه سوم به هر یک صد تازیانه زده می شود .

باب چهارم - قوادی

ماده ۱۳۵ - قوادی عبارتست از جمع و مرتبط کردن دو نفر یا بیشتر برای زنا یا لواط .

ماده ۱۳۶ - قوادی با دو بار اقرار ثابت می شود به شرط آنکه اقرارکننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد .

ماده ۱۳۷ - قوادی با شهادت دو مرد عادل ثابت می شود .

ماده ۱۳۸ - حد قوادی برای مرد هفتاد و پنج تازیانه و تبعید از محل به مدت ۳ ماه تا یکسال است . و برای زن فقط هفتاد و پنج تازیانه است .

باب پنجم - قذف

ماده ۱۳۹ - قذف نسبت دادن زنا یا لواط است به شخص دیگری .

ماده ۱۴۰ - حد قذف برای قذف کننده مرد یا زن هشتاد تازیانه است .

تبصره - هرگاه کسی امری غیر از زنا یا لواط ، مانند مساحقه و سایر کارهای حرام را به شخصی نسبت دهد به شلاق از ۱۵ تا ۷۴ ضربه محکوم خواهد شد .

ماده ۱۴۱ - قذف باید روشن و بدون ابهام بوده و نسبت دهنده به معنای لفظ آگاه باشد ، گرچه شنونده معنای آن را نداند .

ماده ۱۴۲ - هرگاه کسی به فرزند مشروع خود بگوید تو فرزند من نیستی محکوم به حد قذف می شود همچنین اگر کسی به فرزند مشروع دیگری بگوید تو فرزند او نیستی محکوم به حد قذف خواهد شد .

تبصره - در موارد ماده فوق هرگاه قرینه ای در بین باشد که منظور قذف نیست حد ثابت نمی شود .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشنویسی

بسم تعالی

ماده ۱۴۳ - هرگاه کسی به شخصی بگوید که تو با فلان زن زنا کردی یا با فلان مرد لواط نمودی نسبت به مخاطب قذف خواهد بود و گوینده محکوم به حد قذف میشود.

ماده ۱۴۴ - هرگاه کسی به قصد نسبت دادن زنا به شخصی مثلاً چنین گوید (زن قحبه) یا خواهی که قحبه یا مادر قحبه نسبت به کسی که زنا را به او نسبت داده است محکوم به حد قذف میشود و نسبت به مخاطب که به واسطه این دشنام اذیت شده است از ۱۵ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر میشود.

ماده ۱۴۵ - هر دشنامی که باعث اذیت شنونده شود و دلالت بر قذف نکند مانند اینکه کسی به زنش بگوید تو باکره نبودی موجب محکومیت گوینده به شلاق از ۱۰ تا ۷۴ ضربه می شود.

ماده ۱۴۶ - قذف در مواردی موجب حد می شود که قذف کننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد و قذف شونده نیز بالغ و عاقل و مسلمان و عقیف باشد، در صورتیکه قذف کننده و یا قذف شونده فاقد یکی از اوصاف فوق باشند حد ثابت نمی شود.

ماده ۱۴۷ - هرگاه نابالغ ممیز کسی را قذف کند بنظر حاکم تادیب می شود و هرگاه یک فرد بالغ و عاقل شخص نابالغ یا غیر مسلمان را قذف کند از ۱۰ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر میشود.

ماده ۱۴۸ - اگر قذف شونده به آنچه به او نسبت داده شده است عقیف نباشد و تظاهر به آن نماید قذف کننده حد و تعزیر ندارد.

ماده ۱۴۹ - هرگاه خویشاوندان یکدیگر را قذف کنند محکوم به حد می شوند.

تبصره - اگر پدر یا جد پدری فرزندش را قذف کند تعزیر می شود.

ماده ۱۵۰ - هرگاه مردی همسر متوفی خود را قذف کند و آن زن جز فرزند همان مرد وارثی نداشته باشد حد ثابت نمیشود اما اگر آن زن وارثی غیر از فرزند همان مرد داشته باشد، حد ثابت می شود.

ماده ۱۵۱ - هرگاه شخصی چند نفر را بطور جداگانه قذف کند در برابر قذف هر یک جداگانه حد بر او جاری می شود خواه همگی باهم مطالبه حد کنند، خواه بطور جداگانه.

ماده ۱۵۲ - هرگاه شخصی چند نفر را به یک لفظ قذف نماید اگر هر کدام از آنها جداگانه خواهان حد شوند برای قذف هر یک از آنها حد جداگانه ای جاری می گردد ولی اگر باهم خواهان حد شوند فقط یک حد ثابت می شود.

ماده ۱۵۳ - قذف بآدمی یا با شهادت دو مرد عادل اثبات میشود.

ماده ۱۵۴ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرار کننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تقنینی

بسمه تعالی

- ماده ۱۵۵ - تازیانه بر روی لباس متعارف و بطور متوسط زده می شود .
- ماده ۱۵۶ - تازیانه را نباید به سر و صورت و عورت قذف کننده زد .
- ماده ۱۵۷ - هرگاه کسی چند بار اشخاص را قذف کند و بعد از هربار حد بر او جاری شود در مرتبه چهارم کشته می شود .
- ماده ۱۵۸ - هرگاه قذف کننده بعد از اجراء حد بگوید آنچه گفتم حق بود از ۳۰ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می شود .
- ماده ۱۵۹ - هرگاه یکنفر را چندبار به یک سبب مانند زنا قذف کند فقط یک حد ثابت می شود .
- ماده ۱۶۰ - هرگاه یکنفر را به چند سبب مانند زنا و لواط قذف کند چند حد ثابت می شود .
- ماده ۱۶۱ - حد قذف در موارد زیر ساقط می شود .
- ۱- هرگاه قذف شونده ، قذف کننده را تصدیق نماید .
 - ۲- هرگاه شهود ، نصاب معتبر آن به چیزی که مورد قذف است شهادت دهند .
 - ۳- هرگاه قذف شونده یا همه ورثه او قذف کننده را عفو نمایند .
 - ۴- هرگاه مردی زنش را پس از قذف لعان کند .
- ماده ۱۶۲ - هرگاه دوتنفر یکدیگر را قذف کنند خواه قذف آنها همانند و خواه مختلف باشد حد ساقط و هریک به ۱۵ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می شوند .
- ماده ۱۶۳ - حد قذف اگر اجراء یا عفو نشود به وراث منتقل می گردد .
- ماده ۱۶۴ - حق مطالبه حد قذف به همه وارثان بجز زن و شوهر منتقل می شود و هریک از ورثه می توانند آن را مطالبه کنند هر چند دیگران عفو کرده باشند .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشادویسی

بسمه تعالی

باب ششم - حد مسکر

فصل اول - موجبات حد مسکر

ماده ۱۶۵ - خوردن مسکر موجب حد است ، اعم از آنکه کم یا زیاد ، خالص یا مخلوط باشد بحدی که آنرا از مسکر بودن خارج نکند و مست بکند یا نکند .
تبصره ۱ - آب جو در حکم شراب است ، گرچه مست کننده نباشد و خوردن آن موجب حد است .
تبصره ۲ - خوردن آب انگوری که خود بجوش آمده یا بوسیله آتش یا آفتاب و مانند آن جوشانیده شده است حرام است اما موجب حد نمی باشد .

فصل دوم - شرایط حد مسکر

ماده ۱۶۶ - حد مسکر بر کسی ثابت می شود که بالغ و عاقل و مختار و آگاه به مسکر بودن و حرام بودن آن باشد .
تبصره ۱ - در صورتی که شراب خورده مدعی جهل به حکم یا موضوع باشد وصحت دعوی وی محتمل باشد محکوم به حد نخواهد شد .
تبصره ۲ - هرگاه کسی بداند که خوردن شراب حرام است و آن را بخورد محکوم به حد خواهد شد گرچه نداند که خوردن آن موجب حد می شود .
ماده ۱۶۷ - هرگاه کسی مضطر شود که برای نجات از مرگ یا جهت درمان بیماری سخت به مقدار ضرورت شراب بخورد محکوم به حد نخواهد شد .
ماده ۱۶۸ - هرگاه کسی دوبار اقرار کند که شراب خورده است محکوم به حد می شود .
ماده ۱۶۹ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده بالغ - عاقل - مختار و دارای قصد باشد .
ماده ۱۷۰ - در صورتی که طریق اثبات شرب خمر شهادت باشد ، فقط با شهادت دو مرد عادل ثابت می شود .
ماده ۱۷۱ - هرگاه یکی از دو مرد عادل شهادت دهد که شخصی شراب خورده و دیگری شهادت دهد که او شراب قی کرده است حد ثابت می شود .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشد نویسی

بسمه تعالی

ماده ۱۷۲ - در شهادت به شرب مسکر لازم است از لحاظ زمان یا مکان و مانند آن اختلافی نباشد ولی در صورتی که یکی به شرب اصل مسکر و دیگری به شرب نوعی خاص از آن شهادت دهد حد ثابت می شود .

ماده ۱۷۳ - اقرار یا شهادت در صورتی موجب حد می شود که احتمال عقلائی بر معذور بودن خورنده مسکر در بین نباشد .

ماده ۱۷۴ - حد شرب مسکر برای مرد و یا زن ، هشتاد تازیانه است .
تبصره - غیر مسلمان فقط در صورت تظاهر به شرب مسکر به هشتاد تازیانه محکوم می شود .

ماده ۱۷۵ - هر کس به ساختن ، تهیه ، خرید ، فروش ، حمل و عرضه مشروبات الکلی مبادرت کند به ۶ ماه تا ۲ سال حبس محکوم می شود و یاد را اثر ترغیب یا تطمیع و نیرنگ ، وسایل استفاده از آن را فراهم نماید در حکم معاون در شرب مسکرات محسوب می گردد و به تازیانه تا ۷۴ ضربه محکوم می شود .

فصل سوم - کیفیت اجراء حد

ماده ۱۷۶ - مرد را در حالی که ایستاده باشد و پوشاکی غیر از ساتر عورت نداشته باشد و زن را در حالیکه نشسته و لباسهایش به بدن او بسته باشد تازیانه می زنند .

تبصره - تازیانه را نباید به سرو صورت و عورت محکوم زد .

ماده ۱۷۷ - حد وقتی جاری می شود که محکوم از حال مستی بیرون آمده باشد .

ماده ۱۷۸ - هرگاه کسی چند بار مسکر بخورد و حد بر او جاری نشود برای همه آنها یک حد کافی است .

ماده ۱۷۹ - هرگاه کسی چند بار شرب مسکر بنماید و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه سوم کشته می شود .

ماده ۱۸۰ - هرگاه محکوم به حد دیوانه یا مرتد شود حد از او ساقط نمی شود .

فصل چهارم - شرایط سقوط حد مسکر یا عفو از آن

ماده ۱۸۱ - هرگاه کسی که شراب خورده قبل از اقامه شهادت توبه نماید حد از او ساقط می شود ولی توبه بعد از اقامه شهادت موجب سقوط حد نیست .

ماده ۱۸۲ - هرگاه کسی بعد از اقرار به خوردن مسکر توبه کند حاکم می تواند او را عفو نماید یا حد را بر او جاری کند .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشدد نویسی

- ۲۶ -

شماره

تاریخ

پیوست

بسم الله

باب هفتم - محاربه و افساد فی الارض

فصل اول - تعاریف

ماده ۱۸۳ - هرکس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد محارب و مفسد فی الارض میباشد .

تبصره ۱ - کسی که به روی مردم سلاح بکشد ولی در اثر ناتوانی موجب هراس هیچ فردی نشود محارب نیست .

تبصره ۲ - اگر کسی سلاح خود را با انگیزه عداوت شخصی به سوی یک یا چند نفر مخصوص بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد محارب محسوب نمی شود .

تبصره ۳ - میان سلاح سرد و سلاح گرم فرقی نیست .

ماده ۱۸۴ - هر فرد یا گروهی که برای مبارزه با محاربان و از بین بردن فساد در زمین دست به اسلحه برند محارب نیستند .

ماده ۱۸۵ - سارق مسلح و قطاع الطريق هرگاه با اسلحه امنیت مردم یا جاده را برهم بزنند و رعب و وحشت ایجاد کند محارب است .

ماده ۱۸۶ - هر گروه یا جمعیت متشکل که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه کند مادام که مرکزیت آن باقی است تمام اعضاء و هواداران آن ، که موضع آن گروه یا جمعیت یا سازمان را می دانند و به نحوی در پیشبرد اهداف آن فعالیت و تلاش موثر دارند محاربند اگر چه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند .

تبصره - جبهه متحدی که از گروهها و اشخاص مختلف تشکیل شود ، در حکم یک واحد است .

ماده ۱۸۷ - هر فرد یا گروه که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند و نیز کسانی که با آگاهی و اختیار امکانات مالی موثر و یا وسایل و اسباب کار و سلاح در اختیار آنها بگذارند محارب و مفسد فی الارض میباشد .

ماده ۱۸۸ - هرکس در طرح براندازی حکومت اسلامی خود را نامزد یکی از پستهای حساس حکومت کودکان نماید و نامزدی او در تحقق کودتا بنحوی موثر باشد ، " محارب " و " مفسد فی الارض " است .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشد نویسی

بسم الله تعالی

فصل دوم - راههای ثبوت محاربه و افساد فی الارض

ماده ۱۸۹ - محاربه و افساد فی الارض از راههای زیر ثابت می شود .

الف - بایکبار اقرار بشرط آنکه اقرار کننده بالغ و عاقل و اقرار او با قصد و اختیار باشد .

ب - با شهادت فقط دو مرد عادل .

تبصره ۱ - شهادت مردمی که مورد تهاجم محاربان قرار گرفته اند به نفع همدیگر پذیرفته نیست .

تبصره ۲ - هرگاه عدمای مورد تهاجم محاربان قرار گرفته باشند شهادت اشخاصی که بگویند به ما آسیبی نرسیده نسبت به دیگران پذیرفته است .

تبصره ۳ - شهادت اشخاصی که مورد تهاجم قرار گرفته اند اگر چه بمنظور اثبات محارب بودن مهاجمین باشد و شکایت شخصی نباشد ، پذیرفته است .

فصل سوم - حد محاربه و افساد فی الارض

ماده ۱۹۰ - حد محاربه و افساد فی الارض یکی از چهار چیز است .

۱ - قتل ۲ - آویختن به دار ۳ - قطع دست راست و پای چپ ۴ - تفی بلد .

ماده ۱۹۱ - انتخاب هریک از این امور چهارگانه به اختیار قاضی است خواه محارب کسی را کشته یا مجروح کرده یا مال او را گرفته باشد و خواه هیچیک از این کارها را انجام نداده باشد .

ماده ۱۹۲ - حد محاربه و افساد فی الارض با عفو صاحب حق ساقط نمی شود .

ماده ۱۹۳ - محاربه که تبعید می شود باید تحت مراقبت قرار گیرد و با دیگران معاشرت و مراوده نداشته باشد .

ماده ۱۹۴ - مدت تبعید در هر حال کمتر از یکسال نیست اگر چه بعد از دستگیری

توبه نماید و در صورتی که توبه ننماید همچنان در تبعید باقی خواهد ماند .

ماده ۱۹۵ - مصلوب کردن مفسد و محارب با شرایط زیر انجام می گردد .

الف - نحوه بستن موجب مرگ او نگردد .

ب - بیش از سه روز بر صلیب نماند ولی اگر در اثنای سه روز بمیرد میتوان او را پس از مرگ پائین آورد .

ج - اگر بعد از سه روز زنده بماند نباید او را کشت .

ماده ۱۹۶ - بریدن دست راست و پای چپ مفسد و محارب به همان گونه ای است

که در " حد سرقت " عمل می شود .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تندرستی

بسم الله تعالی

باب هشتم - حد سرقت

فصل اول - تعریف و شرایط

- ماده ۱۹۷ - سرقت عبارت است از ربودن مال دیگری بطور پنهانی .
- ماده ۱۹۸ - سرقت در صورتی موجب حد می شود که دارای کلیه شرایط و خصوصیات زیر باشد .
- ۱ - سارق به حد بلوغ شرعی رسیده باشد .
 - ۲ - سارق در حال سرقت عاقل باشد .
 - ۳ - سارق با تهدید و اجبار وادار به سرقت نشده باشد .
 - ۴ - سارق قاصد باشد .
 - ۵ - سارق بداند و ملتفت باشد که مال غیر است .
 - ۶ - سارق بداند و ملتفت باشد که ربودن آن حرام است .
 - ۷ - صاحب مال ، مال را در حوز قرار داده باشد .
 - ۸ - سارق به تنهایی یا با کمک دیگری هتک حرز کرده باشد .
 - ۹ - به اندازه نصاب یعنی ۴/۵ نخود طلای مسکوک که بصورت پول معامله می شود یا ارزش آن به آن مقدار باشد در هربار سرقت شود .
 - ۱۰ - سارق مضطر نباشد .
 - ۱۱ - سارق پدر صاحب مال نباشد .
 - ۱۲ - سرقت در سال قحطی صورت نگرفته باشد .
 - ۱۳ - حرز و محل نگهداری مال ، از سارق غصب نشده باشد .
 - ۱۴ - سارق مال را به عنوان دزدی برداشته باشد .
 - ۱۵ - مال مسروق در حرز متناسب نگهداری شده باشد .
 - ۱۶ - مال مسروق از اموال دولتی و وقف و مانند آن که مالک شخصی ندارد نباشد .
- تبصره ۱ - حرز عبارت است از محلی که بمنظور دور بودن مال از انظار و دستبرد در آن نگهداری می شود .
- تبصره ۲ - بیرون آوردن مال از حرز توسط دیوانه یا طفل غیر ممیز و حیوانات و امثال آن در حکم مباشرت است .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تفهیمی

- ۲۹ -

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

تبصره ۳ - هرگاه سارق قبل از بیرون آوردن مال از حرز دستگیر شود حد بر او جاری نمی شود .

تبصره ۴ - هرگاه سارق پس از سرقت ، مال را تحت ید مالک قرارداد داده باشد موجب حد نمی شود .

فصل دوم - راههای ثبوت سرقت

ماده ۱۹۹ - سرقتی که موجب حد است بایکی از راههای زیر ثابت می شود .

۱ - شهادت دو مرد عادل .

۲ - دو مرتبه اقرار سارق نزد قاضی ، بشرط آنکه اقرارکننده بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد .

۳ - علم قاضی .

تبصره - اگر سارق یک مرتبه نزد قاضی اقرار به سرقت کند ، باید مال را به صاحبش بدهد اما حد بر او جاری نمی شود .

فصل سوم - شرایط اجرای حد

ماده ۲۰۰ - در صورتی حد سرقت جاری می شود که شرایط زیر موجود باشد .

۱ - صاحب مال از سارق نزد قاضی شکایت کند .

۲ - صاحب مال پیش از شکایت سارق رانبخشیده باشد .

۳ - صاحب مال پیش از شکایت مال را به سارق نبخشیده باشد .

۴ - مال مسروق قبل از ثبوت جرم نزد قاضی ، از راه خرید و مانند آن به ملک سارق درنیاید .

۵ - سارق قبل از ثبوت جرم از این گناه توبه نکرده باشد .

تبصره - حد سرقت بعد از ثبوت جرم با توبه ساقط نمی شود و عفو سارق جایز نیست .

فصل چهارم - حد سرقت

ماده ۲۰۱ - حد سرقت به شرح زیر است .

الف - در مرتبه اول قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن بطوریکه انگشت شست و کف دست او باقی بماند .

ب - در مرتبه دوم ، قطع پای چپ سارق از پائین برآمدگی بنحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح او باقی بماند .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تفه نویسی

- ۳۰ -

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ج - در مرتبه سوم حبس ابد .

د - در مرتبه چهارم اعدام ، ولو سرقت در زندان باشد .

تبصره ۱ - سرقت های متعدد تا هنگامی که حد جاری نشده حکم یکبار سرقت را دارد .

تبصره ۲ - معاون در سرقت موضوع ماده ۱۹۸ این قانون به یک سال تا سه سال حبس محکوم

میشود .

ماده ۲۰۲ - هرگاه انگشتان دست سارق بریده شود و پس از اجراء این حد ، سرقت

دیگری از او ثابت گردد که سارق قبل از اجراء حد مرتکب شده است پای چپ او بریده

می شود .

ماده ۲۰۳ - سرقتی که فاقد شرایط اجرای حد باشد و موجب اخلال در نظم یا خوف

شده یا بیم تجری مرتکب یا دیگران باشد اگر چه شاکی نداشته یا گذشت نموده باشد موجب

حبس تعزیری از یک تا پنج سال خواهد بود .

تبصره - معاونت در سرقت موجب حبس از شش ماه تا سه سال میباشد .

کتاب سوم - قصاص

باب اول - قصاص نفس

فصل اول - قتل عمد

ماده ۲۰۴ - قتل نفس بر سه نوع است . عمد ، شبه عمد ، خطاء .

ماده ۲۰۵ - قتل عمد برابر مواد این فصل موجب قصاص است و اولیاء دم می توانند

با اذن حاکم شرع قاتل را با رعایت شرایط مذکور در فصول آتیه قصاص نمایند .

ماده ۲۰۶ - قتل در موارد زیر قتل عمدی است .

الف - مواردی که قاتل با انجام کاری قصد کشتن شخص معین یا فرد یا افرادی

غیر معین از یک جمع را دارد خواه آن کار نوعاً کشنده باشد خواه نباشد ولی در عمل

سبب قتل شود .

ب - مواردی که قاتل عمداً کاری را انجام دهد که نوعاً کشنده باشد هر چند قصد

کشتن شخص را نداشته باشد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشنویس

- ۳۱ -

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ج - مواردی که قاتل قصد کشتن را ندارد و کاری را که انجام می دهد نوعا کشنده نیست ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری و یا پیری یا ناتوانی یا کودکی و امثال آنها نوعا کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد .

ماده ۲۰۷ - هرگاه مسلمانی کشته شود قاتل قصاص می شود و معاون در قتل عمد به سه سال تا ۱۵ سال حبس محکوم می شود .

ماده ۲۰۸ - هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا از قصاص گذشت کرده باشد و اقدام وی موجب اخلال در نظم جامعه یا خوف شده و یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد موجب حبس تعزیری از ۳ تا ۱۰ سال خواهد بود .

تبصره - در این مورد معاونت در قتل عمد موجب حبس از یک تا پنج سال میباشد .

ماده ۲۰۹ - هرگاه ^{مرد} مسلمانی عمدا زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل نصف دیه مرد را به او بپردازد .

ماده ۲۱۰ - هرگاه کافر ذمی عمدا کافر ذمی دیگر را بکشد قصاص میشود اگرچه پیرو دو دین مختلف باشند و اگر مقتول زن ذمی باشد باید ولی او قبل از قصاص نصف دیه مرد ذمی را به قاتل بپردازد .

فصل دوم - اکراه در قتل

ماده ۲۱۱ - اکراه و دستور کسی مجوز قتل نیست بنابراین اگر کسی را وادار به قتل کنند یا دستور قتل کسی را صادر کنند نباید مرتکب شود و اگر مرتکب شد قصاص می شود و اکراه کننده و آمر به حبس ابد محکوم می گردند .

تبصره ۱ - اگر اکراه شونده طفل غیر ممیز یا مجنون باشد فقط اکراه کننده محکوم به قصاص است .

تبصره ۲ - اگر اکراه شونده طفل ممیز باشد نباید قصاص شود بلکه باید عاقله او دیه را بپردازد و اکراه کننده نیز به حبس ابد محکوم است .

فصل سوم - شرکت در قتل

ماده ۲۱۲ - هرگاه دو یا چند مرد مسلمان مشترکا مرد مسلمانی را بکشند ولی دم می تواند باذن حاکم شرع همه آنها را قصاص کند و در صورتی که قاتل دو نفر باشند باید به هر کدام از آنها نصف دیه و اگر سه نفر باشند باید به هر کدام از آنها دو ثلث دیه و اگر چهار نفر باشند باید به هر کدام از آنها سه ربع دیه را بپردازد و به همین نسبت در افراد بیشتر .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشد نویسی

بسم تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

تبصره ۱ - ولی دم می تواند برخی از شرکای در قتل را با پرداخت دیه مذکور در این ماده قصاص نماید و از بقیه شرکاء نسبت به سهم دیه اخذ نماید .
تبصره ۲ - در صورتیکه قاتلان و مقتول همگی از كفار ذمی باشند همین حکم جاری است .

ماده ۲۱۳ - در هر مورد که باید مقداری از دیه را به قاتل بدهند و قصاص کنند باید پرداخت دیه قبل از قصاص باشد .

ماده ۲۱۴ - هرگاه دو یا چند نفر جراحاتی بر کسی وارد سازند که موجب قتل او شود چه در یک زمان و چه در زمانهای متفاوت چنانچه قتل مستند به جنایت همگی باشد همه آنها قاتل محسوب می شوند و کیفر آنان باید طبق مواد دیگر این قانون با رعایت شرایط تعیین شود .

ماده ۲۱۵ - شرکت در قتل ، زمانی تحقق پیدا می کند که کسی در اثر ضرب و جرح عمدای کشته شود و مرگ او مستند به عمل همه آنها باشد خواه عمل هریک به تنهایی برای قتل کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه متفاوت .

ماده ۲۱۶ - هرگاه کسی جراحاتی به شخصی وارد کند و بعد از آن دیگری او را به قتل برساند قاتل همان دومی است اگر چه جراحت سابق به تنهایی موجب مرگ می گردید و اولی فقط محکوم به قصاص طرف یا دیه جراحاتی است که وارد کرده مگر مواردی که در قصاص جراحت خطر مرگ باشد که در این صورت فقط محکوم به دیه می باشد .

ماده ۲۱۷ - هرگاه جراحاتی که نفر اول وارد کرده مجروح را در حکم مرده قرارداده و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال دیگری کاری را انجام دهد که به حیات او پایان بخشد اولی قصاص می شود و دومی تنهاده جنایت بر مرده رami پردازد
ماده ۲۱۸ - هرگاه ایراد جرح هم موجب نقص عضو شود و هم موجب قتل چنانچه بایک ضربت باشد قصاص قتل کافی است و نسبت به نقص عضو قصاص یا دیه نیست .

فصل چهارم - شرایط قصاص

ماده ۲۱۹ - کسی که محکوم به قصاص است باید با اذن ولی دم او راکشت . پس اگر کسی بدون اذن ولی دم او را بکشد مرتکب قتلی شده که موجب قصاص است .

ماده ۲۲۰ - پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تنه نویسی

بسم الله تعالی

ماده ۲۲۱ - هرگاه دیوانه یا نابالغی عمداً کسی را بکشد قصاص و قصاص نمی شود بلکه باید عاقله آنها دیه قتل خطا را به ورثه مقتول بدهند .

تبصره - در جرائم قتل نفس یا نقص عضو اگر جرم ارتكابی عمدی باشد و مرتكب صغير یا مجنون باشد و پس از بلوغ یا افاقه مرتكب ، مجنی علیه در اثر سرایت فوت شود مستوجب قصاص نمی باشد .

ماده ۲۲۲ - هرگاه عاقل دیوانه‌ای را بکشد قصاص نمی شود بلکه باید دیه قتل را به ورثه مقتول بدهد .

ماده ۲۲۳ - هرگاه بالغ نابالغی را بکشد قصاص می شود .

ماده ۲۲۴ - قتل در حال مستی موجب قصاص است مگر اینکه ثابت شود که در اثر مستی بکلی مسلوب الاختیار بوده و قصد از او سلب شده است و قبلاً برای چنین عملی خود را مست نکرده باشد .

ماده ۲۲۵ - هرگاه کسی در حال خواب یا بیهوشی شخصی را بکشد قصاص نمی شود فقط به دیه قتل به ورثه مقتول محکوم خواهد شد .

ماده ۲۲۶ - قتل نفس در صورتی موجب قصاص است که مقتول شرعاً مستحق کشتن نباشد و اگر مستحق قتل باشد قاتل باید استحقاق قتل او را طبق موازین در دادگاه اثبات کند .

فصل پنجم - شرایط دعوی قتل

ماده ۲۲۷ - مدعی باید حین اقامه دعوی عاقل و بالغ باشد و چنانچه دعوی مستلزم امر مالی گردد رشد نیز شرط است اما نسبت به مدعی علیه هیچیک شرط نیست .

ماده ۲۲۸ - مدعی باید نسبت به مورد دعوی جازم باشد و با احتمال و ظن نمی توان علیه کسی اقامه دعوی کرد لکن با وجود اماره و آثار جرم دعوی بدون جزم نیز مسموع است .

ماده ۲۲۹ - مدعی علیه باید معلوم و مشخص یا محصور در میان عده‌ای معین باشد .

ماده ۲۳۰ - مورد دعوی باید معلوم باشد و مدعی قتل باید نوع آن را از لحاظ عمد یا غیر عمد بیان کند و اگر اصل قتل ثابت شود و نوع آن اثبات نشود باید با صلح میان قاتل و اولیاء مقتول و عاقله دعوی را خاتمه داد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشه نویسی

- ۳۴ -

بسمه تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

فصل ششم - راههای ثبوت قتل

ماده ۲۳۱ - راههای ثبوت قتل در دادگاه عبارتند از .
۱ - اقرار ۲ - شهادت ۳ - قسامه ۴ - علم قاضی .

مبحث اول - اقرار

ماده ۲۳۲ - با اقرار به قتل عمد گرچه یک مرتبه هم باشد قتل عمد ثابت می شود .
ماده ۲۳۳ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده دارای اوصاف زیر باشد .
۱ - عقل ۲ - بلوغ ۳ - اختیار ۴ - قصد .
بنابراین اقرار دیوانه و مست و کودک و مجبور و اشخاصی که قصد ندارند مانند
ساهی و هازل و نائم و بیهوش نافذ نیست .
ماده ۲۳۴ - اقرار به قتل عمد از کسی که به سبب سفاهت یا افلاس محجوز باشد
نافذ و موجب قصاص است .

ماده ۲۳۵ - اگر کسی به قتل عمدی شخصی اقرار نماید و دیگری به قتل عمدی یا خطائی
همان مقتول اقرار کند ولی دم در مراجعه به هریک از این دو نفر مخیر است که برابر
اقرارش عمل نماید و نمی تواند مجازات هر دو را مطالبه کند .
ماده ۲۳۶ - اگر کسی به قتل عمدی شخصی اقرار کند و پس از آن دیگری به قتل
عمدی همان مقتول اقرار نماید در صورتی که اولی از اقرارش برگردد قصاص یا دیه از هر
دو ساقط است و دیه از بیت المال پرداخت می شود و این در حالی است که قاضی احتمال
عقلائی ندهد که قضیه توطئه آمیز است .
تبصره - در صورتیکه قتل عمدی بر حسب شهادت شهود یا قسامه یا علم قاضی قابل
اثبات باشد قاتل به تقاضای ولی دم قصاص می شود .

مبحث دوم - شهادت

ماده ۲۳۷ -

الف - قتل عمد با شهادت دو مرد عادل ثابت می شود .
ب - قتل شبه عمد یا خطا با شهادت دو مرد عادل یا یک مرد عادل و دو زن
عادل یا یک مرد عادل و قسم مدعی ثابت می شود .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تفه نویسی

قانون

ماده ۲۳۸ - هرگاه یکی از دو شاهد عادل گواهی دهد که متهم اقرار به قتل عمدی نمود و دیگری گواهی دهد که متهم اقرار به قتل کرد و بقید عمد گواهی ندهد اصل قتل ثابت می شود و متهم مکلف است نوع قتل را بیان کند اگر اقرار به عمد نمود قصاص می شود و چنانچه منکر قتل عمد باشد و قسم یاد کند قصاص از او ساقط است .

مبحث سوم - قسامه

ماده ۲۳۹ - هرگاه بر اثر قرائن و اماراتی ، و یا از هر طریق دیگری از قبیل شهادت یک شاهد یا حضور شخصی همراه با آثار جرم در محل قتل یا وجود مقتول در محل تردد یا اقامت اشخاص معین و یا شهادت طفل ممیز مورد اعتماد و یا امثال آن حاکم به ارتکاب قتل از جانب متهم ظن پیدا کند مورد از موارد لوث محسوب می شود .

ماده ۲۴۰ - هرگاه ولی دم ، مدعی قتل عمد شود و یکی از دو شاهد عادل به قتل عمد و دیگری به اصل قتل شهادت دهد و متهم قتل عمد را انکار کند در صورتی که موجب ظن برای قاضی باشد این قتل از باب لوث محسوب می شود و مدعی باید قتل عمد را با اقامه قسامه ثابت کند .

ماده ۲۴۱ - هرگاه یکی از دو مرد عادل شهادت به قتل بوسیله متهم دهد و دیگری به اقرار متهم به قتل شهادت دهد قتل ثابت نمی شود و چنانچه موجب ظن برای قاضی باشد ، مورد از موارد لوث خواهد بود .

ماده ۲۴۲ - در صورتی که قرائن و نشانه های ظنی معارض یکدیگر باشند مورد از موارد لوث محسوب نمی گردد .

ماده ۲۴۳ - مدعی ممکن است مرد یا زن باشد ، و در هر حال باید از وراثت فعلی مقتول محسوب شود .

ماده ۲۴۴ - در موارد لوث اگر مدعی علیه حضور خود را هنگام قتل در محل واقعه منکر باشد قاضی از مدعی می خواهد که اقامه بینه نماید در صورتیکه مدعی اقامه بینه نکند مدعی علیه پس از ادای سوگند تبرئه می شود و در صورتیکه حضور مدعی علیه هنگام قتل محرز باشد مدعی علیه می تواند برای تبرئه خود اقامه بینه نماید و اگر بینه اقامه نکرد لوث ثابت می شود و مدعی باید اقامه قسامه کند و در صورتی که از اقامه قسامه امتناع نمود می تواند از مدعی علیه مطالبه قسامه نماید در این صورت مدعی علیه باید برای براءت خود به ترتیب مذکور در ماده ۲۴۲ عمل نماید در این حالت اگر مدعی علیه از اقامه قسامه ابا نماید مدعی علیه محکوم به پرداخت دیه می شود .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشادویسی

بیتعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۲۴۵ - در موارد لوٹ برای تحقق قسامه مدعی باید حضور مدعی علیه را هنگام قتل در محل واقعه ثابت نماید در صورتیکه حضور مدعی علیه احراز نشود اگر مدعی علیه حضور خود را هنگام قتل در محل واقعه انکار نماید ادعای او با ادای سوگند پذیرفته می شود .

ماده ۲۴۶ - در مواردی که حضور مدعی علیه در محل قتل محرز باشد چنانچه مدعی علیه برای تبرئه خود بینه معتبر اقامه کند لوٹ محقق نمی شود .

ماده ۲۴۷ - هرگاه مدعی اقامه قسامه نکند می تواند از مدعی علیه مطالبه قسامه نماید در این صورت مدعی علیه باید برای برائت خود به ترتیب مذکور در ماده ۲۴۸ به قسامه عمل نماید و چنانچه ایا کند مدعی علیه محکوم به پرداخت دیه می شود .

ماده ۲۴۸ - در موارد لوٹ قتل عمد با پنجاه قسم ثابت می شود و قسم خورندگان باید از خویشان و بستگان ، نسبی مدعی باشند و در مورد آنها رجولیت شرط است .

تبصره ۱ - مدعی و مدعی علیه می توانند حسب مورد یکی از قسم خورندگان باشند .
تبصره ۲ - چنانچه تعداد قسم خورندگان کمتر از پنجاه نفر باشند هریک از قسم خورندگان مرد می تواند بیش از یک قسم بخورد به نحوی که پنجاه قسم کامل شود .
تبصره ۳ - چنانچه هیچ مردی از خویشان و بستگان نسبی مدعی برای قسامه وجود نداشته باشد ، مدعی می تواند پنجاه قسم بخورد هر چند زن باشد .

ماده ۲۴۹ - قاضی باید برای قبول تکرار قسم مطمئن شود که مدعی یا مدعی علیه پنجاه نفر خویش و بسته نسبی ندارد و یا خویشان و بستگان نسبی او پنجاه نفر یا بیشتر هستند حاضر به قسم خوردن نمی باشند هم چنین قاضی باید خویشاوندی نسبی قسم خورندگان را با مدعی یا مدعی علیه احراز نماید .

ماده ۲۵۰ - هریک از قسم خورندگان باید قاتل و مقتول را بدون ابهام معین و انفراد یا اشتراک و یا معاونت قاتل یا قاتلان را صریحا ذکر و نوع قتل را بیان کنند .

تبصره - در صورتی که قاضی احتمال بدهد که قسم خورنده یا قسم خورندگان در تشخیص نوع قتل که عمد یا شبه عمد یا خطا است دچار اشتباه می باشند باید در مورد نوع قتل از آنها تحقیق نماید .

ماده ۲۵۱ - قسم خورندگان باید علم به ارتکاب قتل داشته باشند و از روی جزم قسم بخورند و قسم از روی ظن کفایت نمی کند .

تبصره - در صورتیکه قاضی احراز نماید که تمام یا بعضی از قسم خورندگان از روی ظن قسم می خورند قسمهای مذکور اعتبار ندارد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشه نویسی

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۲۵۲ - در صورتیکه تعداد مدعی علیه بیش از یک نفر باشد ، مدعی باید برای اثبات ادعای خود در مورد هریک پنجاه قسم ادا نماید و در صورتی که مدعی اقامه قسامه نکند هریک از مدعی علیه باید پنجاه قسم ادا نماید .
ماده ۲۵۳ - نصاب قسامه در قتل شبه عمد و خطای محض بیست و پنج قسم می باشد و نحوه انجام آن مطابق مواد فوق است .
ماده ۲۵۴ - قسامه در جراحات عضو موجب قصاص نیست و فقط دیه را ثابت می کند و نصاب آن به ترتیب زیر است .

- ۱ - شش قسم در جراحتهائی که موجب دیه کامل است .
 - ۲ - سه قسم در جراحاتی که موجب نصف دیه است .
 - ۳ - دو قسم در جراحتهائی که موجب ثلث یا ربع یا خمس دیه است .
 - ۴ - یک قسم در جراحتهائی که موجب سدس دیه یا کمتر است .
- ماده ۲۵۵ - هرگاه شخصی در اثر از دحام کشته شود و یا جسد مقتولی در شارع عام پیدا شود و قرائن ظنی برای قاضی بر نسبت قتل او به شخص یا جماعتی نباشد حاکم شرع باید دیه او را از بیت المال بدهد و اگر شواهد ظنی نزد حاکم اقامه شود که آن قتل به شخص یا اشخاص معین منسوب است مورد از موارد لوث خواهد بود .
ماده ۲۵۶ - هرگاه کسی را در محلی کشته ببینند و ولی مقتول مدعی شود که شخص معینی از ساکنان آن محل ویرا به قتل رسانده است مورد از موارد لوث می باشد در این صورت چنانچه حضور مدعی علیه هنگام قتل در محل واقع ثابت شود دعوای ولی با قسامه پذیرفته می شود .
تبصره - چنانچه مدعی علیه حضور خود را هنگام قتل در محل واقع انکار نماید ادعای او با سوگند پذیرفته می شود .

فصل هفتم - کیفیت استیفاء قصاص

- ماده ۲۵۷ - قتل عمد موجب قصاص است لکن با رضایت ولی دم و قاتل به مقدار دیه کامله یا به کمتر یا زیادتر از آن تبدیل می شود .
ماده ۲۵۸ - هرگاه مردی زنی را به قتل رساند ولی دم مخیر است بین قصاص یا پرداخت نصف دیه کامل به قاتل و بین مطالبه دیه زن از قاتل .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشنقویسی

تعالی

ماده ۲۵۹ - هرگاه کسی که مرتکب قتل عمد شده است بمیرد قصاص و دیه ساقط می شود .

ماده ۲۶۰ - هرگاه کسی که مرتکب قتل عمد شده است فرار کند و تاهنگام مردن به او دسترسی نباشد پس از مرگ قصاص تبدیل به دیه می شود که باید از مال قاتل پرداخت گردد و چنانچه مالی نداشته باشد از اموال نزدیکترین خویشان او بنحو "الاقرب فالاقرب" پرداخت می شود و چنانچه نزدیکی نداشته باشد یا آنها تمکن نداشته باشند دیماز بیت المال پرداخت می گردد .

ماده ۲۶۱ - اولیاء دم که قصاص و عفو در اختیار آنهاست همان ورثه مقتولند ، مگر شوهر یا زن که در قصاص و عفو و اجراء اختیاری ندارند .

ماده ۲۶۲ - زن حامله که محکوم به قصاص است نباید قبل از وضع حمل قصاص شود و پس از وضع حمل چنانچه قصاص موجب هلاکت طفل باشد باید به تاخیر افتد تا خطر مرگ از طفل برطرف گردد .

ماده ۲۶۳ - قصاص با آلت کند و غیربرنده که موجب آزار مجرم باشد ممنوع است و مثله او نیز حرام است .

ماده ۲۶۴ - در صورتی که ولی دم متعدد باشد موافقت همه آنها در قصاص لازم است چنانچه همگی خواهان قصاص قاتل باشند قاتل قصاص می شود و اگر بعضی از آنها خواهان قصاص و دیگران خواهان دیه ، خواهان قصاص می توانند قاتل را قصاص کنند لکن باید سهم دیه سایر اولیاء دم را که خواهان دیه هستند بپردازند و اگر بعضی از اولیاء دم بطور رایگان عفو کنند دیگران می توانند بعد از پرداخت سهم عفوکنندگان به قاتل او را قصاص نمایند .

ماده ۲۶۵ - ولی دم بعد از ثبوت قصاص با اذن حاکم شرع می تواند شخصا قاتل را قصاص کند و یا وکیل بگیرد .

ماده ۲۶۶ - اگر مجنی علیه ولی نداشته باشد و یا شناخته نشود و یا به او دسترسی نباشد ، دادستان محل از دادگاه تقاضای تعقیب جانی را می نماید چنانچه قتل خطا یا شبه عمد تشخیص داده شود در صورت اول و دوم دیه به حساب دیات خزانه واریز و در صورت سوم دیه در حساب امانی خزانه برای ولی مقتول نگهداری می شود و در صورتیکه دادگاه قتل را عمد تشخیص داد دادستان با تأیید رئیس قوه قضائیه تقاضای قصاص می نماید .

ماده ۲۶۷ - هرگاه شخص یا اشخاصی محکوم به قصاص را رهائی دهند محکوم به حبس می باشند تا قاتل تحویل مقامات قضائی گردد و چنانچه قاتل قبل از تحویل



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تفه نویسی

- ۳۹ -

بیت الله

شماره

تاریخ

پیوست

بمیرد دیه مقتول به عهده آنکس یا کسانی است که او را فرار داد مانند .
ماده ۲۶۸ - چنانچه مجنی علیه قبل از مرگ جانی را عفو نماید حق قصاص ساقط
نمی شود و اولیاء دم می توانند پس از مرگ او قصاص را مطالبه نمایند .

باب دوم - قصاص عضو

فصل اول - تعاریف و موجبات قصاص عضو

ماده ۲۶۹ - شکستن یا قطع عضو یا جرح آن اگر عمدی باشد موجب قصاص است و حسب
مورد مجنی علیه می تواند با اذن حاکم شرع جانی را با شرایطی که ذکر خواهد شد قصاص نماید .
تبصره ۱ - مجازات معاون جرم موضوع این ماده سماء حبس تا یکسال است .
تبصره ۲ - در مورد این ماده چنانچه شاکی نداشته و یا شاکی از شکایت خود گذشت کرده
باشد یا موجب قصاص نگردیده ولیکن سبب اخلال در نظم جامعه یا خوف شد میایم تجری مرتکب
یا دیگران باشد موجب حبس تعزیری از سماء تا دو سال خواهد بود و معاون وی به حبس از دو ماه
تا یکسال محکوم میشود .

ماده ۲۷۰ - قطع عضو یا جرح آن سه نوع است .
عمد - شبه عمد - خطا که احکام دو نوع اخیر در فصل دیات خواهد آمد .
ماده ۲۷۱ - قطع عضو یا جرح آن در موارد زیر عمدی است .
الف - وقتی که جانی با انجام کاری قصد قطع عضو یا جرح آن را دارد چه آن کار
نوعا موجب قطع یا جرح باشد یا نباشد .
ب - وقتی که جانی عمدا کاری انجام دهد که نوعا موجب قطع یا جرح عضو باشد
هر چند قصد قطع یا جرح نداشته باشد .
ج - وقتی که جانی قصد قطع عضو یا جرح را ندارد و عمل او نوعا موجب قطع یا
جرح نمی باشد ولی نسبت به مجنی علیه بر اثر بیماری یا پیری یا ناتوانی یا کودکی و مانند
اینها نوعا موجب قطع یا جرح باشد و جانی به آن آگاهی داشته باشد .

فصل دوم - شرایط و کیفیت قصاص عضو

ماده ۲۷۲ - در قصاص عضو علاوه بر شرایط قصاص نفس شرایط زیر باید رعایت شود
۱ - تساوی اعضاء در سالم بودن .
۲ - تساوی در اصلی بودن اعضاء .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تقنینی

بیت

شماره

تاریخ

پیوست

۳ - تساوی در محل عضو مجروح .

۴ - قصاص موجب تلف جانی نباشد .

۵ - قصاص بیشتر از اندازه جنایت نشود .

ماده ۲۷۳ - در قصاص عضو ، زن و مرد برابرند و مرد مجرم به سبب نقص عضو یا جرمی که به زن وارد نماید به قصاص عضو مانند آن محکوم می شود ، مگر اینکه دیه عضو که ناقص شده ثلث یا بیش از ثلث دیه کامل باشد که در آن صورت زن هنگامی می تواند قصاص کند که نصف دیه آن عضو را به مرد بپردازد .

ماده ۲۷۴ - عضو سالم در برابر عضو ناسالم قصاص نمی شود و فقط دیه آن عضو پرداخت می شود لکن عضو ناسالم در برابر عضو سالم قصاص می شود .

ماده ۲۷۵ - در قصاص عضو تساوی محل معتبر است و باید در مقابل قطع عضو طرف راست عضو همان طرف و در مقابل طرف چپ عضو همان طرف جانی قصاص شود .

تبصره - در صورتی که مجرم دست راست نداشته باشد دست چپ او و چنانچه دست چپ هم نداشته باشد پای او قطع خواهد شد .

ماده ۲۷۶ - جرحی که بعنوان قصاص وارد می کنند باید از حیث طول و عرض مساوی با جنایت باشد مگر جرحی که به استخوان سر برسد که در این صورت صدق مماثلت عرفی کافی است .

ماده ۲۷۷ - هرگاه در قصاص جرح رعایت تساوی ممکن نباشد مانند بعضی از جراحات های عمیق یا در موارد شکسته شدن استخوانها یا جابجا شدن آنها بطوریکه قصاص موجب تلف جانی یا زیاده از اندازه جنایت گردد باید دیه آن داده شود چه مقدار آن دیه شرعا معین باشد یا با حکم حاکم شرع معین گردد .

ماده ۲۷۸ - قصاص عضو را می شود فوراً اجراء نمود و لازم نیست صبر کنند تا وضع جرح روشن شود پس اگر قصاص اجراء شود و جرح منجر به مرگ مجنی علیه گردد در صورتیکه جنایت عمدی باشد جانی به قصاص نفس محکوم می شود لکن قبل از اجراء قصاص نفس باید دیه جرحی که قبلاً بعنوان قصاص عضو بر جانی وارد شده به او پرداخت شود .

ماده ۲۷۹ - برای رعایت تساوی قصاص با جنایت باید حدود جراحات کاملاً اندازه گیری شود و هر چیزی که مانع از استیفاء قصاص یا موجب ازدیاد آن باشد باید برطرف گردد .

ماده ۲۸۰ - اگر در اثر حرکت جانی قصاص بیش از جنایت شود قصاص کننده ضامن نیست و اگر بدون حرکت مجرم قصاص بیش از جنایت شود در صورتیکه این زیاده عمدی



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تفسیرات

- ۴۱ -

بسم تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

باشد قصاص کننده نسبت به مقدار زائد قصاص می شود و در صورتیکه عمدی نباشد دیه یا ارش مقدار زائد به عهده قصاص کننده می باشد .

ماده ۲۸۱ - اگر گرمی یا سردی هوا موجب سرایت زخم بشود باید قصاص در هوای معتدل انجام گیرد .

ماده ۲۸۲ - ابراز قصاص باید تیز و غیر مسموم و مناسب با اجزاء قصاص جرح مخصوص باشد و ایذاء جانی پیش از مقدار جنایت او ممنوع است .

ماده ۲۸۳ - هرگاه شخصی یک چشم کسی را کور کند قصاص می شود گرچه جانی بیش از یک چشم نداشته باشد و چیزی بعنوان دیه به او داده نمی شود .

ماده ۲۸۴ - هرگاه شخصی که دارای دو چشم است چشم کسی را که فقط دارای یک چشم است کور نماید مجنی علیه میتواند یک چشم جانی را قصاص کند و نصف دیه کامل را هم دریافت نماید ، یا از قصاص یک چشم جانی منصرف شود و دیه کامل بگیرد مگر در صورتی که مجنی علیه یک چشم خود را قبلاً در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیه آنرا داشته است از دست داده باشد که در این مورد می تواند یک چشم جانی را قصاص کند و یا نصف دیه کامل دریافت نماید .

ماده ۲۸۵ - هرگاه شخص بینائی چشم کسی را بدون آسیب به حدقه چشم او از بین ببرد فقط بینائی چشم جانی مورد قصاص قرار می گیرد و اگر بدون آسیب به حدقه چشم جانی ممکن نباشد قصاص ساقط می شود و جانی باید دیه آن را بپردازد .

ماده ۲۸۶ - چشم سالم در برابر چشم هائی که از لحاظ دیدن متعارف نیستند قصاص می شود .

ماده ۲۸۷ - هرگاه شخصی مقداری از گوش کسی را قطع کند و مجنی علیه قسمت جدا شده را به گوش خود پیوند دهد قصاص ساقط نمی شود و اگر جانی بعد از آنکه مقداری از گوش او بعنوان قصاص بریده شد آن قسمت جدا شده را به گوش خود پیوند دهد هیچکس نمی تواند آن را دوباره برای حفظ اثر قصاص قطع کند .

ماده ۲۸۸ - قطع لاله گوش که موجب زوال شنوائی بشود دو جنایت محسوب می شود .

ماده ۲۸۹ - هرگاه شخصی بینی کسی را قطع کند مجنی علیه می تواند قصاص نماید گرچه بینی مجنی علیه دارای حس بویائی نباشد .

ماده ۲۹۰ - هرگاه شخصی زبان یا لب کسی را قطع نماید با رعایت تساوی مقدار و محل مورد قصاص قرار می گیرد .

ماده ۲۹۱ - هرگاه شخصی دندان کسی را بشکند یا بکند با رعایت شرایط قصاص عضو قصاص می شود و اگر مجنی علیه قبل از قصاص دندان در آورد در صورتی که دندان



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشه نویسی

شماره

تاریخ

پیوست

- ۴۲ -

بسم الله تعالی

جدید او سالم باشد چیزی جز تعزیر بر مجرم نیست و اگر معیوب باشد مجرم باید تفاوت بین دندان سالم و معیوب را بپردازد .

ماده ۲۹۲ - اگر مجنی علیه طفل باشد باید به مدت متعارف صدور حکم به تاخیر افتد در صورتیکه کودک دندان جدید درآورد مجرم محکوم به ارش و گرنه محکوم به قصاص است .

ماده ۲۹۳ - اگر مورد جنایت عضو زائد باشد و جانی عضو زائد مشابه نداشته باشد محکوم به دیه است .

کتاب چهارم - دیات

باب اول - تعریف دیه و موارد آن

ماده ۲۹۴ - دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه یا به ولی یا اولیاء دم او داده می شود .

ماده ۲۹۵ - در موارد زیر دیه پرداخت می شود .

الف - قتل یا جرح یا نقص عضو که بطور خطاء محض واقع می شود و آن در صورتی است که جانی نه قصد جنایت نسبت به مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد فعل واقع شده بر او را مانند آنکه تیری را به قصد شکاری رها کند و به شخصی برخورد نماید .

ب - قتل یا جرح یا نقص عضو که بطور خطاء شبیه عمد واقع می شود و آن در صورتی است که جانی قصد فعلی را که نوعاً سبب جنایت نمی شود داشته باشد و قصد جنایت را نسبت به مجنی علیه نداشته باشد مانند آنکه کسی را به قصد تادیب بنحوی که نوعاً سبب جنایت نمی شود بزند و اتفاقاً موجب جنایت گردد یا طبیعی مباشرتاً بیماری را بطور متعارف معالجه کند و اتفاقاً سبب جنایت بر او شود .

ج - دیه در موارد قصاص که در محل خود ذکر شده است .

تبصره ۱ - جنایتهای عمدی و شبه عمدی دیوانه و نابالغ بمنزله خطاء محض است .

تبصره ۲ - در صورتی که شخصی کسی را به اعتقاد قصاص یا به اعتقاد مهدورالدم بودن بکشد و این امر بر دادگاه ثابت شود و بعداً معلوم گردد که مجنی علیه مورد قصاص و یا مهدورالدم نبوده است قتل به منزله خطاء شبیه عمد است . و اگر ادعای خود را در مورد مهدورالدم بودن مقتول به اثبات برساند قصاص و دیه از او ساقط است لکن



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشدد نویسی

بسم الله تعالی

به جهت ترک استیذان از حاکم شرع تعزیر می شود .
تبصره ۳- هرگاه بر اثر بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم مهارت و عدم رعایت مقررات مربوط به امری قتل یا ضرب یا جرح واقع شود بنحوی که اگر آن مقررات رعایت می شد حادثهای اتفاق نمی افتاد قتل و یا ضرب و یا جرح در حکم شبه عمد خواهد بود .
ماده ۲۹۶- در مواردی هم که کسی قصد تیراندازی به کسی یا شیئی یا حیوانی را داشته باشد و تیر او به انسان بی گناه دیگری اصابت کند عمل او خطای محض محسوب می شود .

باب دوم - مقدار دیه قتل نفس

ماده ۲۹۷- دیه قتل مرد مسلمان یکی از امور ششگانه ذیل است که قاتل در انتخاب هریک از آنها مخیر می باشد و تلفیق آنها جایز نیست .
۱- یکصد شتر سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد
۲- دویست گاو سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند .
۳- یک هزار گوسفند سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند .
۴- دویست دست لباس سالم از حله های یمن .
۵- یک هزار دینار مسکوک سالم و غیر مغشوش که هر دینار یک مثقال شرعی طلا به وزن ۱۸ نخود است .
۶- ده هزار درهم مسکوک سالم و غیر مغشوش که هر درهم به وزن ۱۲/۶ نخود نقره می باشد .
تبصره - قیمت هریک از امور ششگانه در صورت تراضی طرفین و یا تعدر آنها پرداخت می شود .

ماده ۲۹۸- دیه قتل عمد در مواردی که قصاص ممکن نباشد و یا ولی مقتول به دیه راضی شود یکی از امور ششگانه فوق خواهد بود لکن در کلیه مواردی که شتر به عنوان دیه تعیین می شود لازم است که سن آن از پنج سال گذشته و داخل در سال ششم شده باشد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تندنویسی

شماره

تاریخ

پیوست

- ۴۴ -

بیتعالی

باب سوم - مهلت پرداخت دیه

ماده ۲۹۹ - دیه قتل عمدی یا شبه عمدی در صورتیکه صدمه وفوت هردو در ماه حرام اتفاق افتاده باشد اگر در حرم مکه معظمه یا در یکی از چهار ماه حرام (رجب - ذیقعد - ذیحجه - محرم) واقع شود علاوه بر یکی از موارد ششگانه مذکور در ماده ۲۹۷ به عنوان تشدید مجازات باید یک سوم هر نوعی که انتخاب کرده است اضافه شود و سایر امکنه و ازمنه هر چند متبرک باشند دارای این حکم نیستند .

تبصره - حکم فوق در مواردیکه مقتول از ارقاب قاتل باشد جاری نمی گردد .

ماده ۳۰۰ - دیه قتل زن مسلمان خواه عمدی خواه غیر عمدی نصف دیه مرد مسلمان است .

ماده ۳۰۱ - دیه زن و مرد در جراحت ها یکسان است تا اینکه مقدار دیه جراحت

به ثلث (یک سوم) دیه کامل برسد آنگاه دیه جراحت زن نصف دیه جراحت مرد خواهد بود .

ماده ۳۰۲ - مهلت پرداخت دیه در موارد مختلف از زمان وقوع قتل به ترتیب زیر است .

الف - دیه قتل عمد باید در ظرف یکسال پرداخت شود .

ب - دیه قتل شبهه عمد در ظرف دو سال پرداخت می شود .

ج - دیه قتل خطاء محض در ظرف سه سال پرداخت می شود .

تبصره ۱ - تاخیر از این مهلت ها بدون تراضی طرفین جایز نیست .

تبصره ۲ - دیه قتل جنین و نیز دیه نقص عضو یا جرح به ترتیب فوق پرداخت میشود

باب چهارم - مسوول پرداخت دیه

ماده ۳۰۳ - در قتل عمد و شبهه عمد مسوول پرداخت دیه خود قاتل است .

ماده ۳۰۴ - در قتل خطای محض در صورتیکه قتل بابینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود

پرداخت دیه به عهده عاقله است و اگر با اقرار قاتل یا نکول او از سوگند یا قسامه ثابت شده عهده خود اوست .

ماده ۳۰۵ - اگر قاتل در شبهه عمد حتی با مهلت طولانی قادر به پرداخت دیه

نباشد کسان او به ترتیب الاقرب فالاقرب باید بپردازد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تدوینی

تعلیل

ماده ۳۰۶ - در خطا محض دیه قتل و همچنین دیه جراحت (موضحه) و دیه جنایتهای زیاده‌تر از آن بعهدۀ عاقله می‌باشد و دیه جراحت‌های کمتر از آن بعهدۀ خود جانی است.

تبصره - جنایت عمد و شبه عمد نابالغ و دیوانه به منزله خطا محض و برعهده عاقله می‌باشد.

ماده ۳۰۷ - عاقله عبارت است از بستگان نسبی پدر و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث بطوریکه هم‌کسانی که حین الفوت می‌توانند ارث ببرند بصورت مساوی عهده‌دار پرداخت دیه خواهند بود.

تبصره - کسی که با عقد ضمان جریره، دیه جنایت دیگری را به عهده گرفته است نیز عاقله محسوب می‌شود.

ماده ۳۰۸ - زن و نابالغ و دیوانه و معسر جزء عاقله محسوب نمی‌شود و عهده‌دار دیه قتل خطائی نخواهد بود.

ماده ۳۰۹ - هرگاه قتل خطائی با گواهی شهود عادل ثابت شود عاقله عهده‌دار دیه خواهد بود ولی اگر با اقار جانی ثابت شود خود جانی ضامن است.

ماده ۳۱۰ - هرگاه اصل قتل با شهادت شهود عادل ثابت شود و قاتل مدعی گردد که خطا انجام شده و عاقله منکر خطائی بودن آن باشد در صورتیکه عاقله سوگند یاد کند قول عاقله مقدم بر قول جانی می‌باشد.

ماده ۳۱۱ - جنایتهای خطائی که شخص بر خودش وارد آورد بعهدۀ خود اوست و همچنین اتلاف مالی که بطور خطا محض انجام شود بعهدۀ شخص تلف کننده است و عاقله عهده‌دار هیچگونه خسارات مالی در مورد اتلاف خطائی و مانند آن نیست و فقط در خصوص جنایتهای خطائی محض از قتل تا موضعه عهده‌دار می‌باشند.

ماده ۳۱۲ - هرگاه جانی دارای عاقله نباشد یا عاقله او نتواند دیه را در مدت سه سال بپردازد دیه از بیت المال پرداخت می‌شود.

ماده ۳۱۳ - دیه عمد و شبه عمد بر جانی است لکن اگر فرار کند از مال او گرفته می‌شود و اگر مال نداشته باشد از بستگان نزدیک او یا رعایت الاقرب فالاقرب گرفته می‌شود و اگر بستگانی نداشت یا تمکن نداشتند دیه از بیت المال داده می‌شود.

ماده ۳۱۴ - در موارد قتل خطائی محض دادگاه مکلف است در حین رسیدگی عاقله را دعوت کند تا از خود دفاع نماید.

ماده ۳۱۵ - اگر دو نفر متهم به قتل باشند و هر کدام ادعا کند که دیگری کشته است و علم اجمالی بر وقوع قتل توسط یکی از آن دو نفر باشد و حجت شرعی بر قاتل بودن یکی اقامه نشود و نوبت به دیه برسد با قید قرعه دیه از یکی از آن دو نفر گرفته می‌شود.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و فقه نویسی

- ۴۶ -

بسمه تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

باب پنجم - موجبات ضمان

ماده ۳۱۶ - جنایت اعم از آنکه به مباشرت انجام شود یا به تمسبیب یا به اجتماع مباشر و سبب موجب ضمان خواهد بود .

ماده ۳۱۷ - مباشرت آنست که جنایت مستقیماً توسط خود جانی واقع شده باشد .

ماده ۳۱۸ - تمسبیب در جنایت آنست که انسان سبب تلف شدن یا جنایت علیه دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود بطوری که اگر نبود جنایت حاصل نمی شد مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند .

ماده ۳۱۹ - هرگاه طبیبی گرچه حاذق و متخصص باشد در معالجه هائی که شخصا انجام می دهد یا دستور آن را صادر می کند هر چند با اذن مریض یا ولی او باشد باعث تلف جان یا نقص عضو یا خسارت مالی شود ضامن است .

ماده ۳۲۰ - هرگاه ختنه کننده در اثر بریدن بیش از مقدار لازم موجب جنایت یا خسارت شود ضامن است گرچه ماهر بوده باشد .

ماده ۳۲۱ - هرگاه بیطار و دامپزشک گرچه متخصص باشد در معالجه حیوانی هر چند با اذن صاحب او باشد موجب خسارت شود ضامن است .

ماده ۳۲۲ - هرگاه طبیب یا بیطار و مانند آن قبل از شروع به درمان از مریض یا ولی او یا از صاحب حیوان براثت حاصل نماید ، عهده دار خسارت پدید آمده نخواهد بود .

ماده ۳۲۳ - هرگاه کسی در حال خواب بر اثر حرکت و غلطیدن موجب تلف یا نقص عضو دیگری شود جنایت او بمنزله خطاء محض بوده و عاقله او عهده دار خواهد بود .

ماده ۳۲۴ - هرگاه کسی چیزی را همراه خود یا با وسیله نقلیه و مانند آن حمل کند و بشخص دیگری برخورد نموده موجب جنایت گردد در صورت عمد یا شبه عمد ضامن می باشد و در صورت خطاء محض ، عاقله او عهده دار می باشد .

ماده ۳۲۵ - هرگاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد یا سگی را به سوی او برانگیزد یا هر کار دیگری که موجب هراس او گردد انجام دهد مانند فریاد کشیدن یا انفجار صوتی که باعث وحشت می شود و بر اثر این ارباب آن شخص بمیرد اگر این عمل نوعاً کشنده باشد یا با قصد قتل انجام شود گرچه نوعاً کشنده نباشد ، قتل عمد محسوب شده و موجب قصاص است و اگر این عمل نه نوعاً کشنده و نه با قصد قتل انجام بگیرد قتل شبه عمد محسوب شده و دیه آن بر عهده قاتل است .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشدد نویسی

- ۴۷ -

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۳۲۶ - هرگاه کسی دیگری را بترساند و موجب فرار او گردد و آن شخص در حال فرار خود را از جای بلندی پرت کند یا به درون چاهی بیفتد و بمیرد در صورتیکه آن ترساندن موجب زوال اراده و اختیار و مانع تصمیم او گردد ترساننده ضامن است .

ماده ۳۲۷ - هرگاه کسی خود را از جای بلندی پرت کند و بر روی شخصی بیفتد و سبب جنایت گردد در صورتی که قصد انجام جنایت را داشته باشد قتل عمد بوده و قصاص دارد و در صورتی که قصد قتل نداشته ولی قصد پرت شدن را داشته باشد و معمولاً با آن قتل انجام نمی شود قتل شبه عمد بوده دیه در مال او خواهد بود و همچنین است اگر با وجود قصد پرت شدن بی اختیار پرت شود ولی اگر در اثر لغزش یا علل قهری دیگر و بی اختیار به جایی پرت شود و موجب جنایت گردد خودش ضامن است نه عاقله اش .

ماده ۳۲۸ - هرگاه کسی به دیگری صدمه وارد کند و یا کسی را پرت کند و او بمیرد یا مجروح گردد در صورتی که نه قصد جنایت داشته باشد و نه کاری را که قصد نموده است نوعاً سبب جنایت باشد شبه عمد محسوب و عهده دار دیه آن خواهد بود .

ماده ۳۲۹ - هرگاه کسی دیگری را بر روی شخص ثالث پرت کند و آن شخص ثالث بمیرد یا مجروح گردد در صورتی که نه قصد جنایت داشته باشد و نه کاری را که قصد کرده است نوعاً سبب جنایت باشد شبه عمد محسوب و عهده دار دیه می باشد .

ماده ۳۳۰ - هرگاه کسی در ملک خود یا در مکان و راهی که توقف در آن مجاز است توقف کرده یا وسیله نقلیه خود را متوقف کرده باشد و دیگری به او برخورد نماید و مصدوم گردد آن شخص متوقف عهده دار هیچگونه خسارتی نخواهد بود .

ماده ۳۳۱ - هر کس در محل هایی که توقف در آنجا جائز نیست متوقف شده یا شیئی و یا وسیله ای را در این قبیل محل ها مستقر سازد و کسی اشتباهاً و بدون قصد با شخص یا شیئی و یا وسیله مزبور برخورد کند و بمیرد شخص متوقف یا کسی که شیئی یا وسیله مزبور را در محل مستقر ساخته عهده دار پرداخت دیه خواهد بود و نیز اگر توقف شخص مزبور با استقرار شیئی و وسیله مورد نظر موجب لغزش راه گذر و آسیب کسی شود ، مسوول پرداخت دیه صدمه یا آسیب وارده است مگر آنکه عابر با وسعت راه و محل عمداً قصد برخورد داشته باشد که در این صورت نه فقط خسارتی به او تعلق نمی گیرد بلکه عهده دار خسارت وارده نیز میباشد .

ماده ۳۳۲ - هرگاه ثابت شود که مامور نظامی یا انتظامی در اجرای دستور آمر قانونی تیراندازی کرده و هیچگونه متخلف از مقررات نکرده است ضامن دیه مقتول نخواهد بود و جزء مواردی که مقتول و یا مصدوم مهدور الدم نبوده دیه به عهده بیت المال خواهد بود .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تندنویسی

- ۴۸ -

بی‌تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۳۳۳ - در مواردی که عبور عابر پیاده ممنوع است اگر عبور نماید و راننده‌ای که با سرعت مجاز و مطمئن در حرکت بوده و وسیله نقلیه نیز نقص فنی نداشته است و در عین حال قادر به کنترل نباشد و با عابر برخورد نموده منجر به فوت یا مصدوم شدن وی گردد راننده ضامن دیه و خسارت وارده نیست .

باب ششم - اشتراک در جنایت

ماده ۳۳۴ - هرگاه دو نفر با یکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد کشته شوند هر دو سوار باشند یا پیاده یا یکی سواره و دیگری پیاده باشد در صورت شبه عمد نصف دیه هر کدام از مال دیگری پرداخت می‌شود و در صورت خطا محض نصف دیه هر کدام بر عاقله دیگری است .

ماده ۳۳۵ - هرگاه دو نفر با یکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد یکی از آنها کشته شود در صورت شبه عمد نصف دیه مقتول برد دیگری است و در صورت خطا محض نصف دیه مقتول بر عاقله دیگری است .

تبصره - هرگاه کسی اتفاقاً و بدون قصد به شخصی برخورد کند و موجب آسیب او شود خطا محض می‌باشد .

ماده ۳۳۶ - هرگاه در اثر برخورد دوسوار ، وسیله نقلیه آنها مانند اتومبیل خسارت ببیند در صورتی که تصادم و برخورد به هردو نسبت داده شود و هر دو مقصر باشند یا هیچکدام مقصر نباشند هر کدام نصف خسارت وسیله نقلیه دیگری را ضامن خواهد بود خواه آن دو وسیله از یک نوع باشند یا نباشند و خواه میزان تقصیر آنها مساوی یا متفاوت باشد و اگر یکی از آنها مقصر باشد فقط مقصر ضامن است .

تبصره - تقصیر اعم است از بی احتیاطی ، بی مبالائی ، عدم مهارت ، عدم رعایت نظامات دولتی .

ماده ۳۳۷ - هرگاه دو وسیله نقلیه در اثر برخورد باهم باعث کشته شدن سرنشینان گردند در صورت شبه عمد راننده هریک از دو وسیله نقلیه ضامن نصف دیه تمام سرنشینان خواهد بود و در صورت خطا محض عاقله هر کدام عهده دار نصف دیه تمام سرنشینان می‌باشد و اگر برخورد یکی از آن دو شبه عمد و دیگری خطا محض باشد ضمان بر حسب مورد پرداخت خواهد شد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشد نویسی

بسم الله

شماره

تاریخ

پیوست

تبصره - در صورتیکه برخورد دو وسیله نقلیه خارج از اختیار راننده‌ها باشد مانند آنکه در اثر ریزش کوه یا طوفان و دیگر عوامل قهری تصادم حاصل شود هیچگونه ضمانتی در بین نیست .

ماده ۳۳۸ - هرگاه شخصی را که شبانه از منزلش خوانده و بیرون برده‌اند مقصود شود دعوت کننده ضامن دیهاوست مگر اینکه ثابت کند که دیگری او را کشته است . و نیز اگر ثابت شود که به مرگ عادی یا علل قهری در گذشته چیزی بر عهده دعوت کننده نیست .
ماده ۳۳۹ - هرگاه کسی در معبر عام یا هر جای دیگری که تصرف در آن مجاز نباشد چاهی بکند یا سنگ یا چیز لغزندهای بر سر راه عابران قرار دهد یا هر عملی که موجب آسیب یا خسارت عابران گردد انجام دهد عهده دار دیه یا خسارت خواهد بود ولی اگر این اعمال در ملک خود یا در جائی که تصرفش در آن مجاز است واقع شود عهده دار دیه یا خسارت نخواهد بود .

باب هفتم - تسبیب در جنایت

ماده ۳۴۰ - هرگاه در ملک دیگری با اذن او یکی از کارهای مذکور در ماده ۳۳۹ را انجام دهد و موجب آسیب یا خسارت شخص ثالث شود عهده دار دیه یا خسارت نمی‌باشد .

ماده ۳۴۱ - هرگاه در معبر عام عملی به مصلحت عابران انجام شود که موجب وقوع جنایت یا خسارتی گردد در صورتی که عامل اقدامی نماید که عرفاً دلالت به مطلع شدن عابرین بنماید ضامن دیه و خسارت نخواهد بود .

ماده ۳۴۲ - هرگاه کسی یکی از کارهای مذکور ماده ۳۳۹ را در منزل خود انجام دهد و شخصی را که در اثر نابینائی یا تاریکی آگاه به آن نیست به منزل خود بخواند عهده دار دیه و خسارت خواهد بود و اگر آن شخص بدون اذن صاحب منزل یا با اذنی که قبل از انجام اعمال مذکور از صاحب منزل گرفته است وارد شود و صاحب منزل مطلع نباشد عهده دار هیچگونه دیه یا خسارت نمی‌باشد .

ماده ۳۴۳ - هرگاه در اثر یکی از عوامل طبیعی مانند سیل و غیره یکی از چیزهای فوق حادث شود و موجب آسیب و خسارت گردد هیچکس ضامن نیست گرچه تمکن بر طرف کردن آنها را داشته باشد و اگر سیل یا مانند آن چیزی را به همراه آورد و کسی آن را به جائی مانند محل اول یا بدتر از آن قرار دهد عهده دار دیه و خسارت های وارده خواهد بود و اگر آن را از وسط جاده بردارد و به گوشه‌ای برای مصلحت عابرین قرار دهد عهده دار چیزی نمی‌باشد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشددویسی

بسم الله تعالی

ماده ۳۴۴ - هرگاه کسی در ملک دیگری عدوانا یکی از کارهای مذکور در ماده ۳۳۹ را انجام دهد و شخص ثالثی که عدوانا وارد آن ملک شده آسیب ببیند عامل عدوانی عهده‌دار دیه و خسارت می‌باشد .

ماده ۳۴۵ - هرگاه کسی کالائی را که به منظور خرید و فروش عرضه می‌شود یا وسیله نقلیه‌ای را در معبر عام قرار دهد و موجب خسارت گردد عهده‌دار آن خواهد بود مگر آنکه مصلحت عابران ایجاب کرده باشد که آنها را موقتاً در معبر قرار دهد .

ماده ۳۴۶ - هرگاه کسی چیز لغزنده‌ای را در معبر بریزد که موجب لغزش رهگذر گردد عهده‌دار دیه و خسارت خواهد بود مگر آنکه رهگذر بالغ عاقل یا ممیز عمداً به روی آنها پا بگذارد .

ماده ۳۴۷ - هرگاه کسی چیزی را بر روی دیوار خود قرار دهد و در اثر حوادث پیش‌بینی نشده به معبر عام بیفتد و موجب خسارت شود عهده‌دار نخواهد بود مگر آنکه آن را طوری گذاشته باشد که عادتاً ساقط می‌شود .

ماده ۳۴۸ - هرگاه ناودان یا بالکن منزل و امثال آن که قرار دادن آن مجاز نبوده و در اثر سقوط موجب آسیب یا خسارت شود مالک آن منزل عهده‌دار خواهد بود و اگر نصب و قرار دادن آن مجاز بوده و اتفاقاً سقوط کند و موجب آسیب یا خسارت گردد مالک منزل عهده‌دار آن نخواهد بود .

ماده ۳۴۹ - هرگاه کسی در ملک خود یا ملک مباح دیگری دیواری را با پایه محکم بنا کرده لکن در اثر حادثه پیش‌بینی نشده مانند زلزله سقوط کند و موجب خسارت گردد صاحب آن عهده‌دار خسارت نمی‌باشد و همچنین اگر آن دیوار را به سمت ملک خود بنا نموده که اگر سقوط کند طبعاً در ملک او سقوط خواهد کرد لکن اتفاقاً به سمت دیگری سقوط کند و موجب آسیب یا خسارت شود صاحب آن عهده‌دار چیزی نخواهد بود .

ماده ۳۵۰ - هرگاه دیواری را در ملک خود بطور معتدل و بدون میل به یک طرف بنا نماید لکن تدریجاً مایل به سقوط بسمت ملک دیگری شود اگر قبل از آنکه صاحب دیوار تمکن اصلاح آن را پیدا کند ساقط شود و موجب آسیب یا خسارت گردد چیزی بر عهده صاحب دیوار نیست و اگر بعد از تمکن از اصلاح با سهل‌انگاری سقوط کند و موجب خسارت شود مالک آن ضامن می‌باشد .

ماده ۳۵۱ - هرگاه کسی دیوار دیگری را منحرف و مائل به سقوط نماید آنگاه دیوار ساقط شود و موجب آسیب یا خسارت گردد آن شخص عهده‌دار خسارت خواهد بود .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشد نویسی

بمقتضای

ماده ۳۵۲ - هرگاه کسی در ملک خود به مقدار نیاز یا زائد بر آن آتش روشن کند و بداند که به جایی سرایت نمی کند و عاداتاً نیز سرایت نکند لکن اتفاقاً بجای دیگر سرایت کند و موجب تلف یا خسارت شود ضامن نخواهد بود .

ماده ۳۵۳ - هرگاه کسی در ملک خود آتش روشن کند که عاداتاً به محل دیگر سرایت می نماید یا بداند که بجای دیگر سرایت خواهد کرد و در اثر سرایت موجب تلف یا خسارت شود عهده دار آن خواهد بود گرچه به مقدار نیاز خودش روشن کرده باشد .

ماده ۳۵۴ - هرگاه کسی در ملک خود آتشی روشن کند و آتش به جایی سرایت نماید و سرایت به او استناد داشته باشد ضامن تلف و خسارتهای وارد می باشد گرچه به مقدار نیاز خود روشن کرده باشد .

ماده ۳۵۵ - هرگاه کسی در ملک دیگری بدون اذن صاحب آن یا در معبر عام بدون رعایت مصلحت رهگذر آتشی را روشن کند که موجب تلف یا خسارت گردد ضامن خواهد بود گرچه اوقصد اتلاف یا اضرار را نداشته باشد .

تبصره - در کلیه مواردی که روشن کننده آتش عهده دار تلف و آسیب اشخاص می باشد باید راهی برای فرار و نجات آسیب دیدگان نباشد و گرنه روشن کننده آتش عهده دار نخواهد بود .

ماده ۳۵۶ - هرگاه کسی آتشی را روشن کند و دیگری مال شخصی را در آن بیاندازد و بسوزاند عهده دار تلف یا خسارت خواهد بود و روشن کننده آتش ضامن نیست .

ماده ۳۵۷ - صاحب هر حیوانی که خطر حمله و آسیب رساندن آن را می داند باید آن را حفظ نماید و اگر در اثر افعال و سهل انگاری موجب تلف یا خسارت گردد صاحب حیوان عهده دار می باشد و اگر از حال حیوان که خطر حمله و زیان رساندن به دیگران در آن هست آگاه نباشد یا آنکه آگاه باشد ولی توانائی حفظ آن را نداشته باشد و در نگهداری او کوتاهی نکند عهده دار خسارتش نیست .

ماده ۳۵۸ - هرگاه حیوانی به کسی حمله کند و آن شخص بعنوان دفاع از خود به مقدار لازم او را دفع نماید و همین دفاع موجب مردن یا آسیب دیدن آن حیوان شود شخص دفاع کننده ضامن نمی باشد و همچنین اگر آن حیوان را از هجوم به نفس یا مال محترم بعنوان دفاع به مقدار لازم بازدارد و همین کار موجب تلف یا آسیب او شود عهده دار نخواهد بود .

تبصره - هرگاه در غیر مورد دفاع یا در مورد دفاع بیش از مقدار لازم به آن آسیب وارد شود شخص آسیب رساننده ضامن می باشد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشه نویسی

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۳۵۹ - هرگاه با سهل انگاری و کوتاهی مالک حیوانی به حیوان دیگر حمله کند و آسیب برساند مالک آن عهده دار خسارت خواهد بود و هرگونه خسارتی بر حیوان حمله کننده و مهاجم وارد شود کسی عهده دار آن نمی باشد .

ماده ۳۶۰ - هرگاه کسی با اذن وارد خانه کسی بشود و سگ خانه به او آسیب برساند صاحب خانه ضامن می باشد خواه آن سگ قبلاً در خانه بوده یا بعداً وارد شده باشد و خواه صاحب خانه بداند که آن حیوان او را آسیب می رساند و خواه نداند .

ماده ۳۶۱ - هرگاه کسی حیوانی را در جایی متوقف نماید ضامن تمام خسارتهائی است که آن حیوان وارد می کند .

ماده ۳۶۲ - هرگاه کسی حیوانی را بزند و آن حیوان در اثر زدن خسارتی وارد نماید آن شخص زننده عهده دار خسارتهای وارد خواهد بود .

باب هشتم - اجتماع سبب و مباشر یا اجتماع چند سبب

ماده ۳۶۳ - هرگاه دو نفر در ارتکاب جنایتی یکی بنحو سبب و دیگری بنحو مباشر دخالت داشته باشند در صورتیکه تاثیر هر دو مساوی باشد یا تاثیر مباشر بیشتر باشد فقط مباشر ضامن است و در غیر این صورت فقط سبب ضامن خواهد بود .

ماده ۳۶۴ - در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد .

ماده ۳۶۵ - هرگاه دو نفر در وقوع جنایتی به نحو سبب دخالت داشته باشند و عمل هر دو نفر نیز عدوانی بوده کسی که تاثیر کار او در وقوع جنایت قتل از تاثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تاثیر سبب دیگری باشد ضامن خواهد بود . مانند آنکه یکی از آن دو نفر چاهی حفر نماید و دیگری سنگی را در کنار آن قرار دهد و عابر به سبب برخورد با سنگ به چاه افتد کسی که سنگ را گذارده ضامن است و چیزی بعهد حفر کننده نیست و اگر عمل یکی از آن دو عدوانی و دیگری غیر عدوانی باشد فقط شخص متعدی ضامن خواهد بود .

ماده ۳۶۶ - هرگاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی شوند بطور تساوی عهده دار خسارت خواهند بود .

ماده ۳۶۷ - هرگاه بر اثر ایجاد سببی دو نفر تصادم کنند و بعلت تصادم کشته شوند یا آسیب ببینند سبب ضامن خواهد بود .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشادوبسی

بسم الله تعالی

باب نهم - دیه اعضا

ماده ۳۶۸ - هرچنانیتی که بر عضو کسی وارد شود و شرعا مقدار خاصی بعنوان دیه برای آن تعیین نشده باشد جانی باید ارش بپردازد .

فصل اول - دیه مو

ماده ۳۶۹ - هرگاه کسی موی سر یا صورت مردی را طوری از بین ببرد که دیگر نروید عهده دار دیه کامل خواهد بود و اگر دوباره برآید نسبت به موی سر ضامن ارش است و نسبت به ریش ثلث دیه کامل را عهده دار خواهد بود .

ماده ۳۷۰ - هرگاه کسی موی سر زنی را طوری از بین ببرد که دیگر نروید ضامن دیه کامل زن می باشد و اگر دوباره برآید عهده دار مهرالمثل خواهد بود و در این حکم فرقی میان کوچک و بزرگ نیست .

تبصره - اگر مهرالمثل بیش از دیه کامل باشد فقط به مقدار دیه کامل پرداخت می شود .

ماده ۳۷۱ - هرگاه مقداری از موهای از بین رفته دوباره برآید و مقدار دیگر نروید نسبت مقداری که نمی روید با تمام سر ملاحظه می شود و دیه به همان نسبت دریافت می گردد .

ماده ۳۷۲ - تشخیص روئیدن مجدد مو و نروئیدن آن با خبره است و اگر طبق نظر خبره دیه یا ارش پرداخت شده و بعد از آن دوباره روئید باید مقدار زائد بر ارش به جانی مسترد شود .

ماده ۳۷۳ - دیه موهای مجموع دو ابرو در صورتیکه هرگز نروید پانصد دینار است و دیه هر کدام دو بیست و پنجاه دینار و دیه هر مقدار از یک ابرو بهمان نسبت خواهد بود و اگر دوباره روئیده شود در همه موارد ارش است و اگر مقداری از آن دوباره روئیده شود و مقدار دیگر هرگز نروید نسبت به آن مقدار که مجددا روئیده شود ارش است و نسبت به آن مقدار که روئیده نمی شود دیه با احتساب مقدار مساحت تعیین می شود .

ماده ۳۷۴ - از بین بردن موهای پلک چشم موجب ارش است خواه دوباره برآید خواه نروید و خواه تمام آن باشد و خواه بعض آن .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشه نویسی

- ۵۴ -

بسمه تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۳۷۵ - از بین بردن مو در صورتی موجب ديه يا ارش می شود که به تنهائی باشد نه با از بین بردن عضو یا کندن پوست و مانند آن که در این موارد فقط ديه عضو قطع شده یا مانند آن پرداخت می گردد .

فصل دوم - ديه چشم

ماده ۳۷۶ - از بین بردن دو چشم سالم موجب ديه کامل است و ديه هر کدام از آنها نصف ديه کامل خواهد بود .

تبصره - تمام چشم هائیکه بینائی دارند در حکم فوق یکسانند گرچه از لحاظ ضعف و بیماری و شکوری و لوچ بودن با یکدیگر فرق داشته باشند .

ماده ۳۷۷ - چشمی که درسیاهی آن لکه سفیدی باشد اگر مانع دیدن نباشد ديه آن کامل است و اگر مانع مقداری از دیدن باشد بطوریکه تشخیص ممکن باشد بهمان نسبت از ديه کاهش می یابد و اگر بطورکلی مانع دیدن باشد در آن ارش است نه ديه .

ماده ۳۷۸ - ديه چشم کسی که دارای یک چشم سالم و بینا باشد و چشم دیگرش نابینای مادرزاد بوده یا در اثر بیماری یا علل غیرجنائی از دست رفته باشد ديه کامل است و اگر چشم دیگرش را در اثر قصاص یا جنایتی از دست داده باشد ديه آن نصف ديه است .

ماده ۳۷۹ - کسی که دارای یک چشم بینا و یک چشم نابینا است ديه چشم نابینای او ثلث ديه کامل است خواه چشم او مادرزاد نابینا بوده است یا در اثر جنایت نابینا شده باشد .

ماده ۳۸۰ - ديه مجموع چهار پلک دو چشم ديه کامل خواهد بود و ديه پلکهای بالا ثلث ديه کامل و ديه پلکهای پائین نصف ديه کامل است .

فصل سوم - ديه بینی

ماده ۳۸۱ - از بین بردن تمام بینی دفعتاً یا نرمة آن که پائین قصب و استخوان بینی است موجب ديه کامل است و از بین بردن مقداری از نرمة بینی موجب همان نسبت ديه میباشد .

ماده ۳۸۲ - از بین بردن مقداری از استخوان بینی بعد از بریدن نرمة آن موجب ديه کامل و ارش می باشد .

ماده ۳۸۳ - اگر باشکستن یا سوزاندن یا امثال آن بینی را فاسد کنند در صورتی که اصلاح نشود موجب ديه کامل است و اگر بدون عیب جبران نشود موجب یکصد دینار میباشد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشه نویسی

- ۵۵ -

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۳۸۴ - فلج کردن بینی موجب دوثلث دیه کامل است و از بین بردن بینی فلج موجب ثلث دیه کامل می باشد .

ماده ۳۸۵ - از بین بردن هریک از سوراخهای بینی موجب ثلث دیه کامل است و سوراخ کردن بینی بطوری که هردو سوراخ و پرده فاصل میان آن پاره شود یا آنکه آن را سوراخ نماید در صورتی که باعث از بین رفتن آن نشود موجب ثلث دیه کامل است و اگر جبران و اصلاح شود موجب خمس دیه می باشد .

ماده ۳۸۶ - دیه از بین بردن نوک بینی که محل چکیدن خون است نصف دیه کامل می باشد .

فصل چهارم - دیه گوش

ماده ۳۸۷ - از بین بردن مجموع دو گوش دیه کامل دارد و از بین بردن هر کدام نصف دیه کامل و از بین بردن مقداری از آن موجب دیه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام گوش خواهد بود .

ماده ۳۸۸ - از بین بردن نرمة گوش ثلث دیه آن گوش را دارد و از بین بردن قسمتی از آن موجب دیه به همان نسبت خواهد بود .

ماده ۳۸۹ - پاره کردن گوش ثلث دیه دارد .

ماده ۳۹۰ - فلج کردن گوش دوثلث دیه و بریدن گوش فلج ثلث دیه را دارد .

تبصره - هرگاه آسیب رساندن به گوش به حسن شنوائی سرایت کند و به آن آسیب رساند یا موجب سرایت به استخوان و شکستن آن شود برای هر کدام دیه جداگانه ای خواهد بود .

ماده ۳۹۱ - گوش سالم و شنوا و گوش کر در احکام مذکور در موارد فوق یکسانند .

فصل پنجم - دیه لب

ماده ۳۹۲ - از بین بردن مجموع دو لب دیه کامل دارد و از بین بردن هر کدام از لبها نصف دیه کامل و از بین بردن هر مقداری از لب موجب دیه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام لب خواهد بود .

ماده ۳۹۳ - جنایتی که لبها را جمع کند و در اثر آن دندانها را بپوشاند موجب مقداری است که حاکم آن را تعیین می نماید .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشد فویسی

بسم الله

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۳۹۴ - جنایتی که موجب سست شدن لب‌ها بشود بطوری که باخنده و مانند آن ازدندانها کنار نرود موجب دو ثلث دیه کامل می‌باشد .
ماده ۳۹۵ - ازبین بردن لب‌های فلج و بی‌حس ثلث دیه دارد .
ماده ۳۹۶ - شکافتن یک‌پایه لب بطوری که دندان‌ها نمایان شوند موجب ثلث دیه کامل است و در صورت اصلاح و خوب شدن خمس دیه کامل خواهد بود .

فصل ششم - دیه زبان

ماده ۳۹۷ - ازبین بردن تمام زبان سالم یا لال کردن انسان سالم یا ضربه مغزی و مانند آن دیه کامل دارد و بریدن تمام زبان لال ثلث دیه کامل خواهد بود .
ماده ۳۹۸ - ازبین بردن مقداری از زبان لال موجب دیه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام زبان خواهد بود ولی دیه قسمتی از زبان سالم به نسبت از دست دادن قدرت ادای حروف خواهد بود .
ماده ۳۹۹ - تعیین مقدار دیه جنایتی که بر زبان وارد شده و موجب ازبین رفتن حروف نشود لکن باعث عیب گردد با تعیین حاکم خواهد بود .
ماده ۴۰۰ - هرگاه مقداری از زبان را کسی قطع کند که باعث ازبین رفتن قدرت ادای مقداری از حروف باشد و دیگری مقدار دیگر را که باعث ازبین رفتن مقداری از باقی حروف گردد دیه به نسبت ازبین رفتن قدرت ادای حروف می‌باشد .
ماده ۴۰۱ - بریدن زبان کودک قبل از حد سخن گفتن موجب دیه کامل است .
ماده ۴۰۲ - بریدن زبان کودکی که به حد سخن گفتن رسیده ولی سخن نمی‌گوید ثلث دیه دارد و اگر بعدا معلوم شود که زبان او سالم و قدرت تکلم داشته دیه کامل محسوب و بقیه از جانی گرفته می‌شود .
ماده ۴۰۳ - هرگاه جنایتی موجب لال شدن گردد و دیه کامل از جانی گرفته شود و دوباره زبان به حال اول برگردد و سالم شود دیه مسترد خواهد شد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تندنویسی

بسمه تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

فصل هفتم - دیه دندان

ماده ۴۰۴ - از بین بردن تمام دندانهای بیست و هشتگانه دیه کامل دارد و به ترتیب زیر توزیع می شود .

۱ - هریک از دندانهای جلو که عبارتند از پیش و چهارتائی و نیش که از هر کدام دو عدد در بالا دو عدد در پایین می روید و جمعا دوازده تا خواهد بود ، پنجاه دینار و دیه مجموع آنها شصت دینار می شود .

۲ - هریک از دندانهای عقب که در چهار سمت پایانی از بالا و پائین در هر کدام یک ضاحک و سه ضرس قرار دارد و جمعا شانزده تا خواهد بود بیست و پنج دینار و دیه مجموع آنها چهارصد دینار می شود .

ماده ۴۰۵ - دندانهای اضافی به هرنام که باشد و بهر طرز که روئیده شود دیه ای ندارد و اگر در کندن آنها نقصی حاصل شود تعیین مقدار جریمه آن با حاکم است و اگر هیچگونه نقصی حاصل نشود جریمه مالی نخواهد داشت ولی در صورت تعدی بعنوان تعزیر بنظر حاکم تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می شود .

ماده ۴۰۶ - هرگاه دندانها از بیست و هشت تا کمتر باشد بهمان نسبت از دیه کامل کاهش می یابد خواه خلقتا کمتر باشد یا در اثر عارضای کم شده باشد .

ماده ۴۰۷ - فرقی میان دندانهایی که دارای رنگهای گوناگون می باشد نیست و اگر دندانی در اثر جنایت سیاه شود و نیافتد دیه آن دوثلث دیه همان دندان است که سالم باشد و دیه دندانی که قبلا سیاه شده ثلث همان دندان سالم است .

ماده ۴۰۸ - شکاف (اشقاق) دندان که بدون کندن و از بین بردن آن باشد تعیین جریمه مالی آن با حاکم است .

ماده ۴۰۹ - شکستن آن مقدار از دندان که نمایان است با بقاء ریشه دیه کامل آن دندان را دارد و اگر بعد از شکستن مقدار مزبور کسی بقیه را از ریشه بکند جریمه آن بانظر حاکم تعیین می شود خواه کسی که بقیه را از ریشه کند همان کسی باشد که مقدار نمایان دندان را شکسته یا دیگری .

ماده ۴۱۰ - کندن دندان شیری کودک که دیگر بجای آن دندان نروید دیه کامل آنرا دارد و اگر بجای آن دندان برآید دیه هر دندان شیری که کند مشدیکدم دیه کامل می باشد .
ماده ۴۱۱ - دندانی که کند شود دیه کامل دارد گرچه همان را در محلش قرار دهند و دوباره مانند سابق شود .

ماده ۴۱۲ - هرگاه دندان دیگری بجای دندان اصلی کنده شده قرار گیرد و مانند دندان اصلی شود کندن آن دیه کامل دارد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشدد نویسی

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

فصل هشتم - دیه گردن

- ماده ۴۱۳ - شکستن گردن بطوری که گردن کج شود دیه کامل دارد .
- ماده ۴۱۴ - جنایتی که موجب کج شدن گردن شود و همچنین جنایتی که مانع فرو بردن غذا گردد جرمه آن بانظر حاکم تعیین می شود .
- ماده ۴۱۵ - هرگاه جنایتی که موجب کج شدن گردن و همچنین مانع فرو بردن غذا شده اثر آن زایل گردد دیه ندارد فقط باید ارش پرداخت شود گرچه بعد از برطرف شدن اثر آن بادشواری بتواند گردن را مستقیم نگه بدارد یا غذا را فرو ببرد .

فصل نهم - دیه فک

- ماده ۴۱۶ - ازبین بردن مجموع دو فک دیه کامل دارد و دیه هر کدام آنها پانصد دینار می باشد و ازبین بردن مقداری از هریک موجب دیه مساحت همان مقدار است و دیه ازبین بردن یک فک با مقداری از فک دیگر نصف دیه با احتساب دیه مساحت فک دیگر خواهد بود .
- ماده ۴۱۷ - دیه فک مستقل از دیه دندان می باشد و اگر فک بادنندان ازبین برود دیه هریک جداگانه محسوب می گردد .
- ماده ۴۱۸ - جنایتی که موجب نقص فک شود یا باعث دشواری و نقص جویدن گردد تعیین جرمه مالی آن با نظر حاکم است .

فصل دهم - دیه دست و پا

- ماده ۴۱۹ - ازبین بردن مجموع دودست تا مفصل مچ دیه کامل دارد و دیه هر کدام از دست ها نصف دیه کامل است خواه مجنی علیه دارای دو دست باشد یا یک دست و دست دیگر را خلقتا یا در اثر سانحه ای از دست داده باشد .
- ماده ۴۲۰ - دیه قطع انگشتان هر دست تنها یا تا مچ پانصد دینار است .
- ماده ۴۲۱ - جرمه مالی بریدن کف دست که خلقتا بدون انگشت بوده و یا در اثر سانحه ای بدون انگشت شده است بانظر حاکم تعیین می شود .
- ماده ۴۲۲ - دیه قطع دست تا آرنج پانصد دینار است خواه دارای کف باشد و خواه نباشد و همچنین دیه قطع دست تا شانه پانصد دینار است خواه آرنج داشته باشد خواه نداشته باشد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و فتاوی

- ۵۹ -

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۴۲۳ - دیه دستی که دارای انگشت است اگر بیش از مفصل مچ قطع شود و یا بالاتر از آرنج قطع گردد پانصد دینار است باضافه آنچه که حاکم با در نظر گرفتن مساحت زائد تعیین می کند .

ماده ۴۲۴ - کسی که از مچ یا آرنج یا شانه اش دودست داشته باشد دیه دست اصلی پانصد دینار است و جریمه دست زائد بانظر حاکم تعیین می گردد و اگر یک نفر هردو را قطع کند باید دیه اصل و جریمه زائد را بپردازد خواه باهم یا جداگانه قطع کند .
تشخیص دست اصلی و زائد بنظر خبره خواهد بود .

ماده ۴۲۵ - دیه ده انگشت دودست و همچنین دیه ده انگشت دویا دیه کامل خواهد بود ، دیه هرانگشت عشر دیه کامل است .

ماده ۴۲۶ - دیه هرانگشت به عدد بندهای آن انگشت تقسیم می شود و بریدن هربندی از انگشت های غیر شست ثلث دیه انگشت سالم و در شست نصف دیه شست سالم است .

ماده ۴۲۷ - دیه انگشت زائد ثلث دیه انگشت اصلی است و دیه بندهای زائد ثلث دیه بند اصلی است .

ماده ۴۲۸ - دیه فلج کردن هرانگشت دوثلث دیه انگشت سالم است و دیه قطع انگشت فلج ثلث دیه انگشت سالم است .

ماده ۴۲۹ - احکام مذکور در مواد این فصل دریا نیز جاری است .

فصل یازدهم - دیه ناخن

ماده ۴۳۰ - کندن ناخن بطوری که دیگر نروید یا فاسد و سیاه بروید ده دینار و اگر سالم و سفید بروید پنج دینار است .

فصل دوازدهم - دیه ستون فقرات

ماده ۴۳۱ - شکستن ستون فقرات دیه کامل دارد خواه اصلا درمان نشود یا بعد از علاج بصورت کمان و خمیدگی درآید یا آنکه بدون عصا نتواند راه برود یا توانائی جنسی او از بین برود یا مبتلا به سلس و ریزش ادرار گردد و نیز دیه جنایتی که باعث خمیدگی پشت شود یا آنکه قدرت نشستن یا راه رفتن را سلب نماید دیه کامل خواهد بود .

ماده ۴۳۲ - هرگاه بعد از شکستن یا جنایت وارد نمودن بر ستون فقرات معالجه موثر شود و اثری از جنایت نماند جانی باید یکصد دینار بپردازد .

ماده ۴۳۳ - هرگاه شکستن ستون فقرات باعث فلج شدن هردو پا شود برای شکستن دیه کامل و برای فلج دویا دوثلث دیه کامل منظور می گردد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تفهیم

شماره

تاریخ

پیوست

- ۶۰ -

بیت

فصل سیزدهم - دیه نخاع

ماده ۴۳۴ - قطع تمام نخاع دیه کامل دارد و قطع بعضی از آن به نسبت مساحت خواهد بود .

ماده ۴۳۵ - هرگاه قطع نخاع موجب عیب عضو دیگر شود اگر آن عضو دارای دیه معین باشد بر دیه کامل قطع نخاع افزوده می گردد و اگر آن عضو دارای دیه معین نباشد جریمه ای که بانظر حاکم تعیین می شود بر دیه کامل قطع نخاع افزوده خواهد شد .

فصل چهاردهم - دیه بیضه

ماده ۴۳۶ - قطع دو بیضه دفعتاً دیه کامل و قطع بیضه چپ و دو ثلث دیه و قطع بیضه راست ثلث دیه دارد .

تبصره - فرقی در حکم مذکور بین جوان و پیرو کودک و بزرگ و عنین و سالم و مانند آن نیست .

ماده ۴۳۷ - دیه ایجاد فتق دو بیضه چهار صد دینار است و اگر ایجاد فتق مانع راه رفتن مفید شود دیه آن هشتصد دینار خواهد بود .

فصل پانزدهم - دیه دنده

ماده ۴۳۸ - دیه هریک از دنده هائی که در پهلوی چپ واقع شده و محیط به قلب می باشد بیست و پنج دینار و دیه سایر دنده ها ده دینار است .

فصل شانزدهم - دیه استخوان زیر گردن

ماده ۴۳۹ - شکستن مجموع دو استخوان ترقوه دیه کامل دارد و به شکستن هر کدام از آنها که درمان نشود یا با عیب درمان شود نصف دیه کامل است و اگر بخوبی درمان شود چهل دینار می باشد .

فصل هفدهم - دیه نشیمن گاه

ماده ۴۴۰ - شکستن استخوان نشیمن گاه (دنبالچه) که موجب شود مجنی علیه قادر به ضبط مدفوع نباشد دیه کامل دارد و اگر قادر به ضبط مدفوع باشد و قادر به ضبط یادر نباشد جریمه مالی بانظر حاکم تعیین می شود .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تفهیمی

بسمه تعالی

ماده ۴۴۱ - ضربهای که به حدفاصل بیضه‌ها و دبر واقع شود و موجب عدم ضبط ادرار و مدفوع گردد دیه کامل دارد و همچنین اگر ضربه به محل دیگری وارد آید که در اثر آن ضبط ادرار و مدفوع در اختیار مجنی علیه نباشد .

ماده ۴۴۲ - اگر در اثر فشاری که بوسیله پا یا چیز دیگر بر شکم مجنی علیه وارد آید و باعث خروج بول یا غائط شود باید ثلث دیه کامل پرداخت شود .

ماده ۴۴۳ - از بین بردن بکارت دختر با انگشت که باعث شود او نتواند ادرار را ضبط کند علاوه بر دیه کامل زن ، مهرالمثل نیز دارد .

فصل هجدهم - دیه استخوانها

ماده ۴۴۴ - دیه شکستن استخوان هر عضوی که برای آن عضو دیه معینی است خمس آن می باشد و اگر معالجه شود و بدون عیب گردد دیه آن چهارپنجم دیه شکستن آن است و دیه کوبیدن آن ثلث دیه آن عضو و در صورت درمان بدون عیب چهارپنجم دیه کوبیدن عضو می باشد .

ماده ۴۴۵ - در جدا کردن استخوان از عضو بطوری که آن عضو بی فائده گردد دو ثلث دیه همان عضو است و اگر بدون عیب درمان شود ، دیه آن چهارپنجم دیه اصل جدا کردن می باشد .

فصل نوزدهم - دیه عقل

ماده ۴۴۶ - هر جنایتی که موجب زوال عقل گردد دیه کامل دارد و اگر موجب نقصان آن شود ارش دارد .

ماده ۴۴۷ - از بین بردن عقل یا کم کردن آن موجب قصاص نخواهد شد .

ماده ۴۴۸ - هرگاه در اثر جنایتی مانند ضربه مغزی و شکستن سر یا بریدن دست ، عقل زائل شود برای هر کدام دیه جداگانه خواهد بود و تداخل نمی شود .

ماده ۴۴۹ - هرگاه در اثر جنایتی عقل زایل شود و دیه کامل از جانی دریافت شود و دوباره عقل برگردد دیه مسترد می شود و جریمه مالی آن با نظر حاکم تعیین خواهد شد .

ماده ۴۵۰ - مرجع تشخیص زوال عقل یا نقصان آن خبره معتمد می باشد و اگر در اثر اختلاف رای خبرگان زوال یا نقصان عقل ثابت نشود قول جانی با سوگند مقدم بر قول مجنی علیه است .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تنه نویسی

- ۶۲ -

بسم تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

فصل بیستم - دیه حس شنوائی

ماده ۴۵۱ - ازبین بردن حس شنوائی مجموع دو گوش دیه کامل و ازبین بردن حس شنوائی یک گوش نصف دیه کامل دارد گرچه شنوائی یکی از آن دو قوی تر از دیگری باشد .
ماده ۴۵۲ - هرگاه کسی فاقد حس شنوائی یکی از گوش ها باشد کر کردن گوش سالم او نصف دیه دارد .

ماده ۴۵۳ - هرگاه معلوم باشد که حس شنوائی بر نمیگردد یا خبر معتمد گواهی دهد که بر نمیگردد دیه مستقر میشود و اگر چه خبر معتمد امید به برگشت آن را داشته و یا سپری شدن مدت انتظار ، حس شنوائی برنگردد دیه استقرار پیدا می کند و اگر شنوائی قبل از دریافت دیه برگردد ارش ثابت می شود و اگر بعد از دریافت آن برگردد دیه مسترد نمیشود و اگر مجنی علیه قبل از دریافت دیه بمیرد دیه ثابت خواهد بود .

ماده ۴۵۴ - هرگاه با بریدن هر دو گوش شنوائی ازبین برود دو دیه کامل لازم است و هرگاه با بریدن یک گوش حس شنوائی بطور کلی ازبین برود یک دیه کامل و نصف دیه لازم می شود اگر با جنایت دیگری حس شنوائی از بین برود هم دیه جنایت لازم است و هم دیه شنوائی .

تبصره - هرگاه خبر معتمد گواهی دهد که شنوائی ازبین نرفته ولی در مجرای آن نقصی رخ داده که مانع شنوائی است همان دیه شنوائی ثابت است .

ماده ۴۵۵ - هرگاه کودکی که زبان باز نکرده در اثر کُشدن نتواند سخن بگوید جانی علاوه بر دیه شنوائی به پرداخت ارش بانظر حاکم محکوم می شود .
ماده ۴۵۶ - هرگاه در اثر جنایتی حس شنوائی و گویایی ازبین برود دو دیه کامل دارد .

ماده ۴۵۷ - اگر کسی سبب پاره شدن پرده گوش دیگری شود ارش آن بانظر حاکم خواهد بود .

ماده ۴۵۸ - در صورت اختلاف جانی و مجنی علیه هرگاه بانظر خبر معتمد موضوع روشن نشود مورد از باب لوث است و مجنی علیه با قسامه دیه را دریافت خواهد کرد .

فصل بیست و یکم - دیه بینائی

ماده ۴۵۹ - ازبین بردن بینائی هر دو چشم دیه کامل دارد و ازبین بردن بینائی یک چشم نصف دیه کامل دارد .

تبصره - فرقی در حکم مذکور بین چشم تیزبین یا لوج یا شب کور و مانند آن نمیباشد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشه نویسی

- ۶۳ -

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۴۶۰ - هرگاه باکندن حدقه چشم ، بینائی از بین برود دیه آن بیش از دیه کندن حدقه نخواهد بود و اگر در اثر جنایت دیگر مانند شکستن سر ، بینائی از بین برود هم دیه جنایت یا ارش آن لازم است و هم دیه بینائی .

ماده ۴۶۱ - در صورت اختلاف بین جانی و مجنی علیه با گواهی دو مرد خبره عادل یا یک خبره مرد و دو زن خبره عادل به اینکه بینائی از بین رفته و دیگر بر نمی گردد یا اینکه بگویند بر میگردد ولی مدت آن را تعیین نکنند دیه ثابت می شود و همچنین اگر برای برگشت آن مدتی تعیین نمایند و آن مدت سپری شود و بینائی برنگردد دیه ثابت خواهد بود .

و هرگاه مجنی علیه قبل از سپری شدن مدت تعیین شده بمیرد دیه استقرار می یابد و همچنین اگر دیگری حدقه او را بکند دیه بینائی برجانی اول ثابت خواهد بود .
و هرگاه بینائی برگردد و شخص دیگری آن چشم را بکند ، برجانی اول فقط ارش لازم می باشد .

ماده ۴۶۲ - هرگاه مجنی علیه مدعی شود که بینائی هردو چشم یا یک چشم او کم شده با آزمایش و سنجش با همسالان یا با مقایسه با چشم دیگری تفاوت پرداخت می شود .
ماده ۴۶۳ - هرگاه مجنی علیه ادعا کند که بینائی او زایل شده و شهادت سی از متخصصان در بین نباشد حاکم او را با قسامه سوگند می دهد و بنفع او حکم صادر می کند .
تبصره - قسامه در این مورد شش قسم است اعم از اینکه پنج نفر دیگر و خود مدعی قسم یاد کنند یا کمتر یا خود مدعی به تنهایی .

فصل بیست و دوم - دیه حس بویائی

ماده ۴۶۴ - از بین بردن حس بویائی هردو مجرای بینی دیه کامل دارد و در صورت از بین بردن بویائی یک مجری نصف دیه است و قاضی در این مورد قبل از صدور حکم باید به طرفین تکلیف صلح بنماید .

ماده ۴۶۵ - در صورت اختلاف بین جانی و مجنی علیه هرگاه با آزمایش یا با مراجعه به دو متخصص عادل از بین رفتن حس بویائی یا کم شدن آن ثابت نشود با قسامه (طبق تبصره ماده ۴۶۳) به نفع مدعی حکم می شود .

ماده ۴۶۶ - هرگاه حس بویائی قبل از پرداخت دیه برگردد جریمه ای که با نظر حاکم تعیین می شود پرداخت خواهد شد و اگر بعد از آن برگردد باید مصالحه نمایند و اگر مجنی علیه قبل از سپری شدن مدت انتظار برگشت بویائی بمیرد دیه ثابت می شود .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تشادوایی

- ۶۴ -

بسمه تعالی

ماده ۴۶۷ - هرگاه در اثر بریدن بینی حس بویائی از بین برود دو ديه لازم می شود و اگر در اثر جنایت دیگر بویائی از بین رفت ديه جنایت بر ديه بویائی افزوده می شود و اگر آن جنایت ديه معین نداشته باشد جریمه ای که بانظر حاکم تعیین می گردد بر ديه بویائی اضافه خواهد شد .

فصل بیست و سوم - ديه چشائی

ماده ۴۶۸ - ارش از بین بردن حس چشائی بانظر حاکم تعیین می شود .
ماده ۴۶۹ - هرگاه با بریدن زبان حس چشائی از بین برود بیش از ديه زبان نخواهد بود و اگر با جنایت دیگری حس چشائی از بین برود ديه یا جریمه آن جنایت بر ديه حس چشائی افزوده می گردد .
ماده ۴۷۰ - در صورتی که حس چشائی برگردد ديه مسترد می شود .
ماده ۴۷۱ - اگر اختلاف جانی و مجنی علیه در زوال یا نقصان حس چشائی با آزمایش یا مراجعه به دو متخصص عادل بر طرف نشود با قسامه مدعی حسب مورد حکم به نفع اوصادر می شود .

فصل بیست و چهارم - ديه صوت و گویایی

ماده ۴۷۲ - از بین بردن صوت شخص بطور کامل که نتواند صدایش را آشکار کند ديه کامل دارد گرچه بتواند با اخفات و آهسته صدایش را برساند .
ماده ۴۷۳ - از بین بردن گویائی بطور کامل که نتواند اصلا سخن بگوید نیز ديه کامل دارد .
ماده ۴۷۴ - ارش جنایتی که موجب نقصان صوت شود بطوری که نتواند صدایش را صریح برساند بانظر حاکم تعیین می شود .
ماده ۴۷۵ - ارش جنایتی که باعث از بین رفتن صوت نسبت به بعضی از حروف شود باید با مصالحه معلوم گردد .

فصل بیست و پنجم - ديه زوال منافع

ماده ۴۷۶ - جنایتی که موجب سلس و ریزش ادرار شود به ترتیب زیر ديه معین دارد .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و قنده نویسی

- ۶۵ -

بسم الله تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

الف - در صورت دوام آن در کلیه ایام تا پایان هر روز دیه کامل دارد .
 ب - در صورت دوام آن در کلیه روزها تا نیمی از هر روز دو ثلث دیه دارد .
 ج - در صورت دوام آن در کلیه روزها تا هنگام برآمدن روز ثلث دیه دارد .
 تبصره - هرگاه سلس و ریزش ادرار در بعضی از روزها بود و بعدا خوب شود جریمه آن با نظر حاکم تعیین می شود .
 ماده ۴۷۷ - ارش اعمال ارتکابی زیر بانظر حاکم تعیین می شود .
 الف - باعث از بین رفتن انزال شود .
 ب - قدرت تولید مثل و بارداری را از بین ببرد .
 ج - لذت مقاربت را از بین ببرد .
 ماده ۴۷۸ - جنایتی که باعث از بین رفتن توان مقاربت بطور کامل شود دیه کامل دارد .
 ماده ۴۷۹ - هر جنایتی که موجب زوال یا نقص بعضی از منافع گردد مانند خواب - لمس یا موجب پدید آمدن بعضی از بیماریها شود و دیه آن معین نشده است ارش آن با نظر حاکم تعیین می شود .
 ماده ۴۸۰ - هرگاه آلت رجولیت مرد از محل ختنهگاه و یا بیشتر قطع شود دیه کامل دارد و کمتر از ختنهگاه به نسبت مساحت ختنهگاه احتساب میگردد و بیه همان نسبت از دیه پرداخت خواهد شد .
 ماده ۴۸۱ - هرگاه آلت زنانه کلا قطع شود دیه کامل دارد و هرگاه یکطرف آن قطع شود نصف دیه دارد .

باب دهم - دیه جراحات

فصل اول - دیه جراحت سر و صورت

ماده ۴۸۲ - دیه جراحت سر و صورت به ترتیب زیر است .
 ۱ - حارصه . خراش پوست بدون آنکه خون جاری شود - یک شتر .
 ۲ - دامیه . خراشی که از پوست بگذرد و مقدار اندکی وارد گوشت شود و همراه با جریان خون باشد کم یا زیاد - دو شتر .
 ۳ - ملاحمه . جراحتی که مقدار زیادی از گوشت را فراگیرد لکن به پوست نازک روی استخوان نرسد - سه شتر .
 ۴ - سمحاق . جراحتی که تمام گوشت را فرا گرفته و بمپوست نازک روی استخوان برسد - چهار شتر .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تندنویسی

- ۶۶ -

بسمه تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

- ۵- موضحه . جراحی کتعام گوشت را فرا گرفته و پوست نازک روی استخوان را کنار زده و استخوان را آشکار کرده - پنج شتر .
- ۶- هاشمه . عملی که استخوان را بشکند گرچه جراحی را تولید نکرده باشد - ده شتر .
- ۷- منقله . جراحی که درمان آن جز با جابجا کردن استخوان میسر نباشد - پانزده شتر .
- ۸- مامومه . جراحی که به کیسه مغز برسد ثلث دیه کامل دارد .
- ۹- دامغه . جراحی که کیسه مغز را پاره کند غیر از ثلث دیه کامل جریمه ای که با نظر حاکم تعیین می شود بر او افزوده می گردد .
- تبصره - دیه جراحات گوش و بینی و لب در حکم جراحات سرو صورت میباشد .
- ماده ۴۸۳ - هرگاه یکی از جراحتهای مذکور در بندهای ۱ تا ۵ در غیر سر و صورت واقع شود در صورتیکه آن عضو دارای دیه معین باشد باید نسبت دیم آن را بادیه کامل سنجید آنگاه بمقدار همان نسبت دیه جراحتهای فوق را که در غیر سر و صورت واقع می شود تعیین گردد و در صورتی که آن عضو دارای دیه معین نباشد ارش آن با نظر حاکم تعیین میشود .
- تبصره - جراحات وارده به گردن در حکم جراحات بدن میباشد .

فصل دوم - دیه جراحی که به درون بدن انسان وارد می شود

- ماده ۴۸۴ - دیه جراحی که به درون بدن انسان وارد میشود به ترتیب زیر است .
- الف - جائغه (جراحی که با هروسیله و از هر جهت به شکم یا سینه یا پشت و پا یا پهلوی انسان وارد شود ثلث دیه کامل است .
- ب - هرگاه وسیله ای از یک طرف بدن فرو رفته و از طرف دیگر بیرون آمده باشد دو ثلث دیه کامل دارد .
- تبصره - وسیله وارد کننده جراحات اعم از سلاح سرد و گرم است .

فصل سوم - دیه جراحی که در اعضا انسان فرو میرود

- ماده ۴۸۵ - هرگاه نیز میا گوله یا مانند آن در دست یا پا فرو رود در صورتیکه مجنی علیه مرد باشد دیه آن یکصد دینار و در صورتی که زن باشد ارش آن با نظر حاکم تعیین میشود .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تفهیم

- ۶۷ -

بیتعالی

شماره ۲۰۹۱۴

تاریخ ۲۹/۱۱/۵۹

پیوست

باب یازدهم - دیه جنایتی که باعث تغییر رنگ پوست یا تورم می شود

- ماده ۴۸۶ - دیه ضربتی که در اثر آن رنگ پوست متغیر گردد به قرار زیر است .
- الف - سیاه شدن صورت بدون جراحت و شکستگی شش دینار .
- ب - سبز شدن صورت سه دینار .
- ج - سرخ شدن صورت یک دینار و نیم .
- د - در سایر اعضا بدن در صورت سیاه شدن سه دینار و در صورت سبز شدن یک دینار و نیم و در صورت سرخ شدن سه ربع دینار است .
- تبصره ۱ - فرقی در حکم مذکور بین زن و مرد و کوچک و بزرگ نیست و همچنین فرقی میان تغییر رنگ تمام صورت یا قسمتی از آن و نیز فرقی بین آنکه اثر جنایت مدتی بماند یا زائل گردد نمی باشد .
- تبصره ۲ - جنایتی که باعث تغییر رنگ پوست سر شود ارش آن بانظر حاکم معلوم می گردد .
- ماده ۴۸۷ - جنایتی که موجب تورم شود ارش آن بانظر حاکم تعیین میشود و اگر موجب تورم و تغییر رنگ شود ارش آن بر دیه که قبلا بیان شد افزوده می شود .
- ماده ۴۸۸ - دیه فلج کردن هر عضوی که دیه معین دارد دوثلث دیه همان عضو است و دیه قطع کردن عضو فلج ثلث دیه همان عضو است .

باب دوازدهم - دیه سقط جنین

- ماده ۴۸۹ - دیه سقط جنین به ترتیب زیر است .
- ۱ - دیه نطفه که در رحم مستقر شده بیست دینار .
- ۲ - دیه علقه که خون بسته است چهل دینار .
- ۳ - دیه مضنه که بصورت گوشت درآمده است شصت دینار .
- ۴ - دیه جنین در مرحلای که بصورت استخوان درآمده و هنوز گوشت نروئیده است هشتاد دینار .
- ۵ - دیه جنین که گوشت و استخوان بندی آن تمام شده و هنوز روح در آن پیدا نشده یکصد دینار .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تنه نویسی

- ۶۸ -

بسم تعالی

شماره ۴۵۱۴ - ق

تاریخ ۲۹/۱۱/۶۹

پیوست

تبصره - در مراحل فوق هیچ فرقی بین دختر و پسر نمی باشد .
 ۶ - دیه جنین که روح در آن پیدا شده است اگر پسر باشد دیه کامل و اگر دختر باشد نصف دیه کامل و اگر مشتمل باشد سه ربع دیه کامل خواهد بود .
 ماده ۴۹۵ - هرگاه در اثر کشتن مادر ، جنین بمیرد و یا سقط شود دیه جنین در هر مرحله ای که باشد باید بردیه مادر افزوده شود .
 ماده ۴۹۱ - هرگاه زنی جنین خود را سقط کند دیه آن را در هر مرحله ای که باشد باید بپردازد و خود از آن دیه سهمی نمی برد .
 ماده ۴۹۲ - هرگاه چند جنین در یک رحم باشند بعدد هریک از آنها دیه جداگانه خواهد بود .
 ماده ۴۹۳ - دیه اعضاء جنین و جراحات آن بمنسبت دیه همان جنین است .
 ماده ۴۹۴ - دیه سقط جنین در موارد عمد و شبه عمد برعهده جانی است و در موارد خطای محض برعاقله اوست خواه روح پیدا کرده باشد و خواه نکرده باشد .
 ماده ۴۵۹ - اگر در اثر جنایت چیزی از زن ساقط شود که منشاء انسان بودن آن طبق نظر پزشک متخصص ثابت نباشد دیه و ارش ندارد لکن اگر در اثر آن صدماتی بر مادر وارد شده باشد بر حسب مورد جانی محکوم به پرداخت دیه یا ارش خواهد بود .

باب سیزدهم - دیه جنایتی که بر مرده واقع می شود

ماده ۴۹۶ - دیه جنایتی که بر مرده مسلمان واقع می شود به ترتیب زیر است .
 الف - بریدن سر یکصد دینار .
 ب - بریدن هردو دست یا هردو پا یکصد دینار و بریدن یک دست یا یک پا پنجاه دینار و بریدن یک انگشت از دست یا یک انگشت از پا ده دینار و قطع یا نقص سایر اعضاء و جوارح به همین نسبت ملحوظ می گردد .
 تبصره - دیه مذکور در این ماده به عنوان میراث به ورثه نمی رسد بلکه مال خود میت محسوب شده و بدهی او از آن پرداخت می گردد و در راههای خیر صرف می شود .
 ماده ۴۹۷ - در کلیه مواردی که بموجب مقررات این قانون ارش منظور گردیده و یا تعیین خسارت بنظر قاضی و اگذار شده است قاضی بادر نظر گرفتن دیه کامله انسان و نوع و کیفیت جنایت و میزان خسارت وارده مقدار دیه و خسارت را تعیین می نماید .



بسم الله تعالی

ماده ۴۹۸ - در این قانون مواردی از دیات که دیه برحسب دینار یا شتر تعیین شده است شتر و دینار موضوعیت ندارد و منظور نسبت مشخص از دیه کامله است و جانی در انتخاب نوع آن مخیر میباشد .

ماده ۴۹۹ - کلیه قوانینی که با این قانون مغایر باشند ملغی است .
لایحه فوق مشتمل بر چهارصد و نود و نه ماده و نود و نه تبصره طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی در جلسه روز یکشنبه مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۲ کمیسیون امور قضائی و حقوقی تصویب و در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ هجدهم دیماه یکهزار و سیصد و شصت و نه با پنج سال مدت اجرای آزمایشی آن موافقت گردیده است . / ن

رئیس مجلس شورای اسلامی

مهدی کروبی